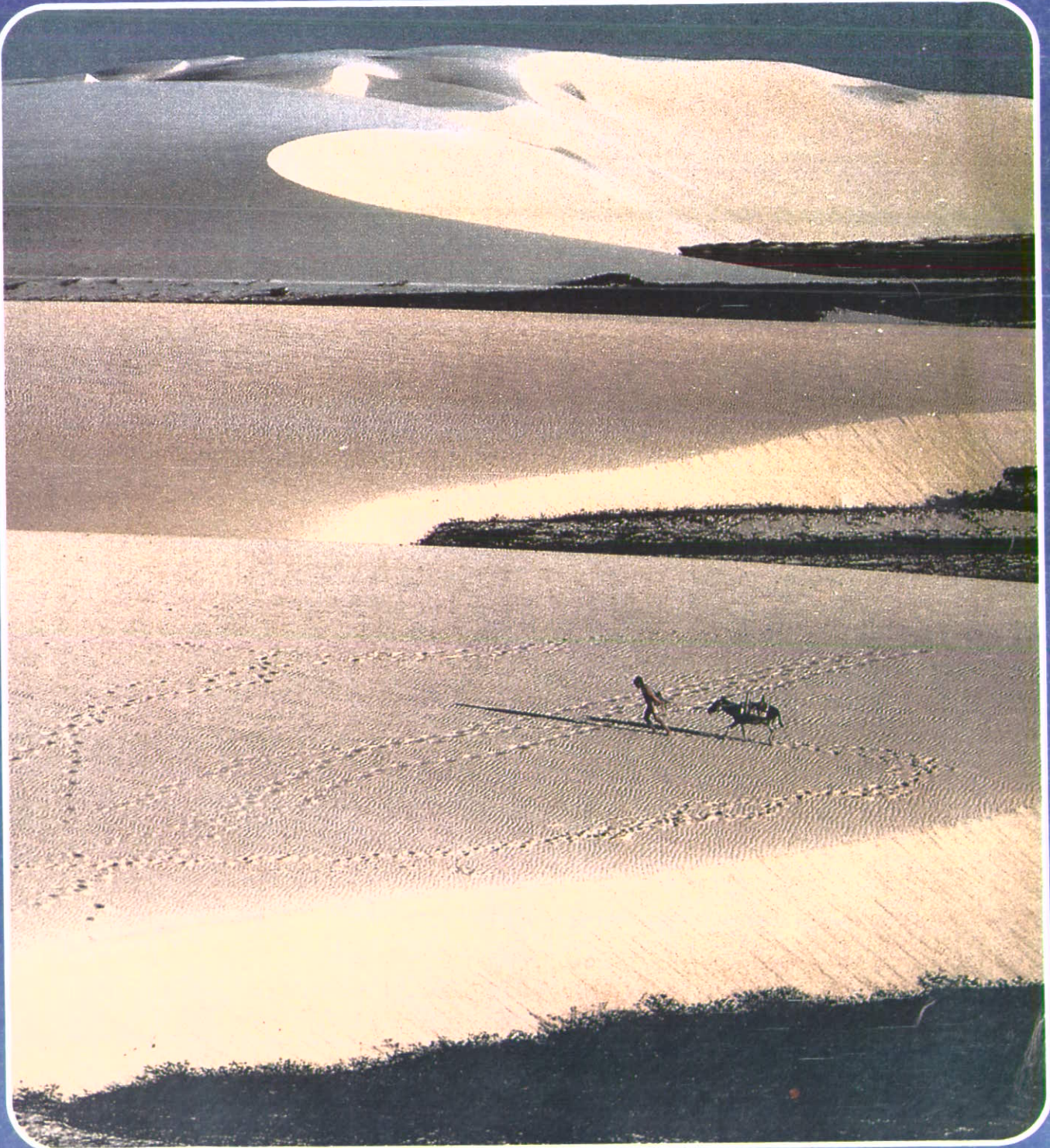


رشد آموزش خرافیا

سال نهم - زمستان ۱۳۷۲ - شماره مسلسل ۳۶ - بها: ۳۵۰ ریال





وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش‌های آموزشی

رشد آموزش جغرافیا

سال نهم - زمستان ۱۳۷۲ - شماره مسلسل ۳۶

نشریه گروه جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب
درسی، تلفن ۸۲۶۱۸۴، ۴ - ۸۳۹۲۶۲ داخلی (۸۹)

مجله رشد آموزش جغرافیا هر سه ماه یکبار به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر دانش‌پژوهان در این رشته منتشر می‌شود. جهت ارتقای کیفی آن نظرات ارزنده خود را به صندوق پستی تهران ۳۶۳ - ۱۵۸۵۵ ارسال فرمایید.

بواسطه رأی جلسه مورخ ۶۸/۱۰/۲۳ سرکره سیاستهای علمی و پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعتبار علمی این نشریه (علمی، ترویجی) تعیین شده است.

سردبیر: دکتر حسن سکویی

مدیر داخلی: وحید فتح‌الاسلامی

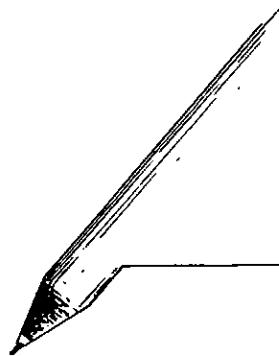
مسئول هنرآموزی و تولید: فتح‌الله فروغی

امور فنی و صنعتی: محمد بریسی

ناظر چاپ: محمد کشمیری

۳	حسین شکرتی	سربتاله
۴	دکتر محمدحسن گنجی	صدسالگی انجمن جغرافیای انگلستان (به مناسبت تجدید حیات انجمن جغرافیاداران ایران)
۹	ترجمه: دکتر عباس سعیدی	جغرافیا و جغرافیدانان (۷)
۱۴	دکتر محمدرضا دلال‌پورمحمدی	شیوه‌های دخالت دولت در بازار زمین شهری
۲۰	دکتر محمود لاجوردی	ژئومورفولوژی مناطق خشک
۲۷	سیدمنصور مرعشی	نقش تکنولوژی آموزشی در آموزش جغرافیا (چرا، چگونه)
۳۱		به بهانه درگذشت ریچارد هارتشون
۳۲		نامه‌های شما
۳۵	دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری	کنکاشی در تحلیل محتوای دروس جغرافیای روستایی دانشگاه‌های ایران (قسمت اول)
۴۱	اردوان میرزایی	کاربرد مدل‌سازی ریاضی (۱) مدل‌سازی جذر و مد
۴۳	سعید بختیاری	آشنایی احتمالی با برخی کشورهای جهان: برزیل
۴۶		اخبار جغرافیایی
۵۱	دکتر عباس سعیدی	بازگشت به گذشته‌های دور (نقد کتاب)
۵۹	حسین حاتمی‌نژاد	مروری بر محلات و کتب جغرافیایی خارجی
۶۲		معرفی کتاب

- رشد آموزش جغرافیا در ویرایش مقالات آزاد است و در هر صورت آنها را برای نویسندگان باز پس نمی‌فرستد.
- نقل مطالب بدون ذکر مأخذ مجاز نیست.
- سایته است مقالات ارسالی بیس از بازده صفحه دست‌نویس نباشد.

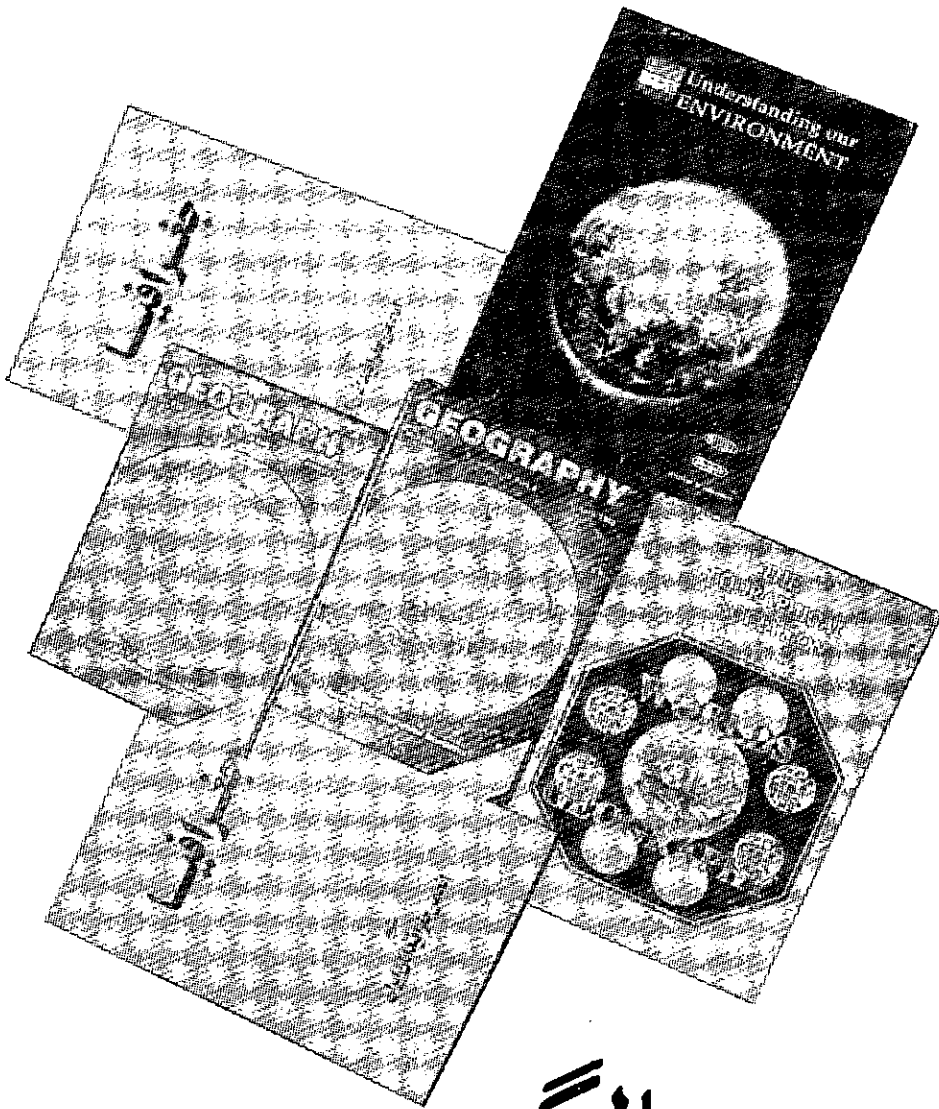


وجدانهای آگاه و نقد سالم علمی

نقد، تمیز صحیح از ناصحیح یاسره از ناسره است. بدینسان که در نقد، ابهام هر اثر علمی بر طرف می‌شود، از محتوای اثر، ارزیابی منطقی و منصفانه‌ای بعمل می‌آید و در نهایت، داوری محتاطانه‌ای صورت می‌گیرد تا ارزش علمی اثر روشن شود. این داوری نه به صورت جزئی و قاطع، بلکه در جهت معرفت و آگاهی جامعه علمی می‌باشد. به نظر اینجانب، یک نقد سالم علمی، باید از شرایط زیر برخوردار باشد:

- ۱ - نقد علمی، باید جهان‌بینی هدفمندی را تعقیب کند.
- ۲ - نقد علمی، باید دور از فضل فروشی مطرح شود و با استناد به مدارک و منابع علمی تهیه گردد.
- ۳ - این سنت نقد علمی را که حاصل وجدانهای آگاه عصر ماست همواره به خاطر بسپاریم که اگر منتقدی، تنها به نکات ضعیف و منفی اثر، انگشت بگذارد. اما در صورت قضاوت منصفانه در مورد نکات مثبت و منفی اثر و کوشش در راه تکمیل آن، منتقد اثر در نقش وجدان بیدار جامعه علمی خود ظاهر می‌شود.
- ۴ - منتقد، نباید اندیشه را لگد مال کند و آن را در مسیر حذف قرار دهد.
- ۵ - در بررسی هر اثر، منتقد نباید عالم بودن خود را به دیگران تحمیل کند.
- ۶ - نقد هر اثر علمی، نباید سبب سکون، ایستایی و اقول خلاقیت علمی گردد. بلکه باید حرکت‌های بنیادی و پویایی را در جامعه فرهنگی موجب شود.
- ۷ - اگر منتقدی، در بررسی اثر، به جانب تملق و چاپلوسی و فرصت طلبی متمایل گردد به اضمحلال و ابتدال فرهنگی جامعه خود کمک خواهد کرد. از طرفی منتقد، نباید نقد را تنها در جهت خشنودی خود بنویسد بلکه هر نقد علمی، باید در راستای پویایی جو علمی جامعه تهیه شود.
- ۸ - در نقد، جانبداری حسابگرانه و پیشداوریها مردود شناخته می‌شود. این قبیل نقدها، بیشتر به یک نوع فریبکاری ناشیانه شباهت خواهد داشت. همچنانکه نقد آمرانه و تهاجمی نیز نمی‌تواند به خوانندگان اثر علمی، رضایت خاطر بیخشد.
- ۹ - صدور احکام برگشت ناپذیر و مطلق‌گرا، شایسته نقد سالم علمی نمی‌باشد.
- ۱۰ - منتقد هر اثر علمی، باید همواره خود را از تشکیل پرونده به خالق اثر دور نگهدارد. در غیر این صورت، در نقش یک بازجو درمی‌آید و نقد مبتدل به جامعه عرضه می‌دارد. روشن است که نقد عاطفی نیز نمی‌تواند خوانندگان اثر را راضی کند. در واقع، وظیفه هر منتقد، قضاوت عادلانه و بی‌طرفانه اثر علمی می‌باشد. اگر هر اثر علمی با انصاف نگریسته شود آن اثر سال به سال صافتر می‌شود.
- ۱۱ - در هر نقدی، جملات ساده و روان، می‌تواند مفاهیم علمی را به سرعت به ذهن خواننده منتقل کند. آنچه که در بالا گفته شد دلیل بر این نیست که هر سکه قلبی که به بازار جغرافیا می‌آید آن را رواج دهیم. این را نیز بسخاطر بسپاریم آنهایی که نقدی با شرایط فوق به آثار جغرافیایی می‌نویسند حتماً از سر حرمت و دلسوزی و احساس مسئولیت وجدانی، اخلاقی و علمی است. زیرا برداشت درست و هوشمندانه از هر اثر، افق‌های تازه علمی در جامعه می‌گشاید و ارزشهای علمی را پایدار می‌سازد. امید آنکه، چراغ انصاف و شرافت علمی، در خانه جغرافیا همواره روشن بماند.

حسین شکونی



صدسالگی انجمن جغرافیایی انگلستان

(به مناسبت تجدید حیات انجمن جغرافیادانان ایران)

در ساعات پایانی اولین سمینار بررسی مسائل آموزش جغرافیا در ایران که روزهای ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ به همت دانشگاه تربیت معلم، مجموعه کرج، با موفقیت چشمگیری برگزار شد اساسنامه جدید انجمن جغرافیادانان ایران در مجمع عمومی جغرافیادانان به تصویب رسید. در همان جلسه ۹ نفر اعضای شورای انجمن هم انتخاب گردیدند و به این ترتیب انجمن جغرافیادانان ایران بعد از گذراندن یک دوره فترت طولانی مجدداً پا به عرصه وجود گذاشت تا نقش بسیار مهم خود را در نوسازیهای ایران بعد از انقلاب اسلامی به نحوی شایسته و مطلوب با کمک جمیع جغرافیادانان ایفا نماید.

انجمن جغرافیادانان ایران در نتیجه تشکیل اولین کنگره جغرافیادانان که به ابتکار گروه آموزش جغرافیا در دانشگاه تهران و مساعدت اولیای آن دانشگاه در مهرماه ۱۳۵۲ برگزار گردید به وجود آمد. مصوبات آن کنگره که در نوع خود اولین در ایران بود بصورت قطعنامه مفصلی منعکس گردید که فصل دوم آن مربوط به انجمن و به شرح زیر بود.

«فصل دوم - در تشکل جغرافیادانان ایران:
۴ - کنگره شعف خود را از تدوین اساسنامه انجمن جغرافیادانان ایران که در همین کنگره تحقق یافته است اعلام داشته یقین دارد این انجمن با شاخه‌ها و شعب خود در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی جبران تفرق و پراکندگی قوا را در گذشته می‌نماید و آرزومند است فرد فرد جامعه جغرافیادانان ایران دین خود را نسبت به آن ادا کرده در برومند ساختن آن کوشا باشند.

۵ - کنگره، انجمن نویناد جغرافیادانان ایران را مظهر تمایلات علمی و منافع صنفی جغرافیادانان معاصر دانسته و وجود آن را محترم و مفتخر می‌شمارد. از این رو با اعتماد به توجیهات وزارت علوم و آموزش عالی انتظار حمایت قاطع از هدفهای آن را دارد.

۶ - کنگره به همه انجمنهای علمی که به

نحوی بسا جغرافیا سروکار دارند درود می‌فرستد و همکاری و معاضدت آنها را آرزومند است.»

تشریفات ثبت انجمن جغرافیادانان ایران چندماهی به طول انجامید و بالاخره انجمن به استناد ماده ۸ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت مؤسسات غیرتجارتی در تاریخ ۱۳۵۳/۴/۲۵ تحت شماره ۱۵۲۱ به ثبت رسید و خلاصه‌ای از اساسنامه ۴۲ ماده‌ای آن در روزنامه رسمی کشور تحت شماره پ ۲۹۶۶ - ۸۳۵۵۵۸ اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی منتشر گردید و انجمن موجودیت رسمی و قانونی پیدا کرد.^۲

انجمن جغرافیادانان ایران مانند بسیاری از انجمن‌های علمی دیگر که در کشور ما به وجود آمده‌اند در سالهای اول وجود خود با مشکلات متعدد مواجه بود که از آن جمله می‌توان نداشتن

پس از ثبت رسمی اساسنامه انجمن جغرافیادانان ایران در دومین روز از دومین کنگره سالانه جغرافیادانان که در دانشگاه تبریز برگزار گردید (۲۵ شهریور ۱۳۵۳) اعضای اصلی و علی‌البدل و بازرسان شورای انجمن برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند و از آن پس رسم بر این شد که شورای انجمن در فواصل کنگره حداقل چهار جلسه، تشکیل جلسه دهد و این رسم تا روزهای انقلاب بزرگ اسلامی همواره رعایت گردید. درباره تشکیل کنگره‌ها هم تصمیم چنین شد که کنگره جغرافیادانان ایران سالی یک‌بار تشکیل شود و دانشگاههای تهران و شهرستانها که دارای گروه آموزش جغرافیا هستند به تناوب میزبان کنگره باشند. از آن پس جلسات کنگره‌های جغرافیادانان ایران به شرح زیر بود:

در همین مدت انجمن جغرافیادانان ایران

- اولین کنگره در دانشگاه تهران مهر ۱۳۵۲
- دومین کنگره در دانشگاه تبریز شهریور ۱۳۵۳ انتخاب اولین اعضای شورا
- سومین کنگره در دانشگاه ملی شهریور ۱۳۵۴
- چهارمین کنگره در دانشگاه فردوسی شهریور ۱۳۵۵ انتخاب اعضای جدید شورا
- پنجمین کنگره در دانشگاه تربیت معلم شهریور ۱۳۵۶
- ششمین کنگره در دانشگاه اصفهان شهریور ۱۳۵۷ انتخاب اعضای جدید شورا

موفق شد اعضای خود را به حدود ۲۰۰ تن برساند که همه با علاقمندی در فعالیتهای انجمن مشارکت داشتند و در پرداخت حق عضویت خود نیز کوتاهی نداشتند بطوری که در آغاز انقلاب انجمن بیشتر از یک میلیون ریال موجودی در حساب خود داشت.

انجمن همچنین موفق شد سه شماره از مجله «جغرافیا ارگان انجمن جغرافیادانان ایران» به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر سازد و در اغلب موارد دانشگاهها هم گزارشاتی از کنگره‌های سالانه جداگانه منتشر ساختند.

در روزهای اول بعد از انقلاب عظیم اسلامی ایران و هم‌زمان با بسته شدن دانشگاهها انجمن جغرافیادانان ایران هم مانند سایر انجمنهای علمی دچار تعطیل و توقف شد

مرکز و محل ثابت و اعتبار کافی برای نشر مجله و ایجاد ارتباط با مراکز دیگر جهان را نام برد. از آنجا که انجمن جغرافیادانان در اثر اقدامات اولی دانشگاه تهران وجود خارجی پیدا کرده بود محل آنهم در تمام سالهای قبل از انقلاب در مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران و یا در گروه آموزش جغرافیا در آن دانشگاه بود. انجمن جغرافیادانان با تمام مشکلات موجود در یک امر بی‌نهایت موفق بود و آن برگزاری مرتب و منظم کنگره‌های سالانه جغرافیادانان ایران بود که در واقع مهمترین اثر وجودی انجمن بشمار می‌رفت و در عین حال بزرگترین انگیزه جغرافیادانان برای توجه به تحقیقات و ارائه گزارشات تحقیقی در کنگره‌ها بود.

ولی برخلاف بسیاری از انجمنها که پس از سه چهار سال فترت توانستند فعالیت خود را از سر گیرند انجمن جغرافیدانان ایران دچار یک فترت اسفناک و طولانی گردید. در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۶۲ جلسه عمومی فوق العاده انجمن به دعوت شورای وقت در محل آن روز مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران تشکیل گردیده و انتخاباتی مطابق اساسنامه موجود صورت گرفت ولی شورای منتخب در آن جلسه متأسفانه موفق نشد که تشریفات قانونی لازم را در طول ده سال که از تاریخ جلسه عمومی فوق العاده می گذشت انجام دهد با وجود این جای خوشوقتی است که گروههای آموزشی جغرافیا در دانشگاههای تهران و اصفهان موفق شدند هفتمین و هشتمین کنگره جغرافیادانان ایران را در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ به ترتیب در آن دانشگاهها برگزار کنند که این امر نشانی بارز از مداومت حیات انجمن جغرافیادانان ایران به حساب می آید.

این بود تاریخچه انجمن جغرافیادانان ایران که برای اطلاع جغرافیادانان جوان در اینجا به اختصار هر چه تماثر نگاشته شد و اکنون که اعضای جدید شورا برگزیده شده اند آرزوی همه جغرافیادانان این است که شورای انجمن بتواند هر چه زودتر تشریفات قانونی لازم را پشت سر گذارده و فعالیتهای جدی خود را در راه اشاعه و ترویج و تقویت دانش جغرافیا آغاز نماید.

اما انجمن جغرافیایی انگلستان (Geographical Association) که امسال صدمین سال فعالیت و حیات علمی خود را جشن گرفته بعد از انجمن شاهنشاهی جغرافیایی انگلیس که ۱۶۲ سال پیش از این بوجود آمده قدیمیترین انجمن و از نظر علمی مسهمترین مرکز تحقیقات جغرافیایی و عمده ترین مرکز تحولات آموزشی جغرافیا در صد سال اخیر است. این انجمن در ۱۸۹۳ با ابتکار و همت هالفورد مکیندر (Halford

Makinder) در دانشگاه اکسفورد پا به عرصه وجود گذاشته است. هالفورد مکیندر همان جغرافیادان مشهوری است که بخاطر فرضیههای ژئوپولیتیکی خود در محافل علمی شناخته شده و افکار او در تحولات سیاسی نیمه اول قرن حاضر تأثیر بسزایی داشته است. او اول کسی است که در ۱۸۸۷ در جهان علمی انگلستان به عنوان معلم مستقل جغرافیا در سطح دانشگاهی در دانشگاه اکسفورد برگزیده شده است و می توان گفت که تمام تحولات این علم چه از نظر آموزشی یعنی به وجود آمدن مدارج کارشناسی، و کارشناسی ارشد و دکترای جغرافیا در دانشگاه، و چه از لحاظ گسترش یعنی تشکیل کرسیها و گروهها و دانشکدههای جغرافیا و بالاخره از نظر تکامل نظری و عملی بعد از او و احتمالاً در دنباله اقدامات او و از جمله تأسیس همین انجمن جغرافیایی وجود پیدا کرده است.

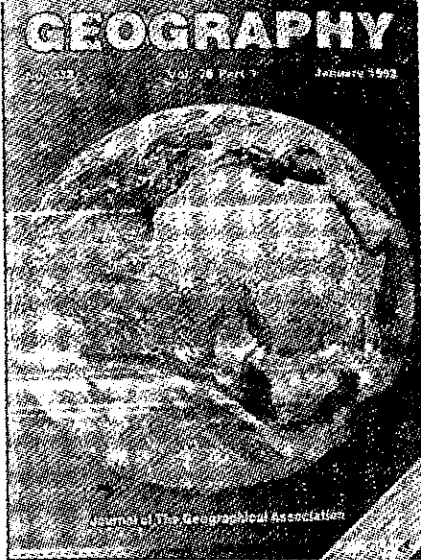
انجمنی که مکیندر مؤسس اولی آن بود در بدو تأسیس ۱۱ نفر عضو داشت که تمام آنها اهل علم و معرفت و احتمالاً معلم جغرافیا در مدارس متوسطه آن زمان بودند اما بعد از تأسیس انجمن و همکاری با مکیندر اغلب آنها صاحب نام و اعتبار علمی در رشتههای مختلف علوم وابسته به جغرافیا گردیدند و از آن جمله است هربرتسون (Herbertson) که در تاریخ تقسیمات جهان به مناطق اقلیمی مقام شامخی دارد.

در سالهای اول تأسیس رشد این انجمن به کندی صورت می گرفت زیرا علم جغرافیا را عامه در قالب اکتشافات جغرافیایی می شناختند که انجمن شاهنشاهی جغرافیایی انگلستان بزرگترین حامی و مشوق آن به شمار می رفت. در آن سالها انجمن جغرافیایی در معرفی جغرافیا بصورت یک علم از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد و از سال ۱۹۰۱ که اولین فصلنامه خود را تحت عنوان معلم جغرافیا (Geographical Teacher) منتشر ساخت در واقع جغرافیا را به عنوان یک علم

مستقل در سطح دانشگاهی معرفی می کرد. جنگ اول جهانی خدمت بزرگی به نشان دادن اهمیت جغرافیا کرد و از سالهای بعد از آن جنگ بود که فعالیت انجمن به موازات با رسمی شدن تدریس جغرافیا در دانشگاهها و به وجود آمدن کرسی علم جغرافیا در دانشگاهها گسترش پیدا کرد.

در سال ۱۹۱۷ مرکز انجمن از اکسفورد به دانشگاه شمال ویلز در ابريستویت (Aberystwith) انتقال یافت و این بخاطر آن بود که هربرت جان فلور (Herbert John Fleure) سردبیر افتخاری فصلنامه انجمن استاد جغرافیا در دانشگاه شمال ویلز بود. همین که در سال ۱۹۳۰ این استاد شریف و جغرافیادان شهیر و گرانقدر تصدی کرسی جغرافیا را در دانشگاه منچستر بر عهده گرفت مرکز انجمن هم به منچستر انتقال پیدا کرد و تا سال ۱۹۵۰ در آن شهر بود و از آن سال به مرکز فعلی و ثابت خود در شفیلد انتقال یافته است.

انجمن جغرافیایی که در بدو تأسیس فقط با ۱۱ عضو تشکیل شده بود در پایان سال ۱۹۹۲ دارای ۱۰۹۳۱ نفر عضو رسمی بوده که در ۶۵ شاخه شهرستانی آن عضویت داشتند. به جرات می توان گفت که در حال حاضر کلیه اعضای هیئت های علمی تحصیل کرده جغرافیا در دانشگاههای انگلستان و کلیه معلمین جغرافیا در مدارس متوسطه و دیگر موسسات جغرافیایی بعلاوه صدها جغرافیادان در سراسر جهان عضویت این انجمن را دارا می باشند. انجمن از طریق ۶۵ شاخه خود در شهرستانها یا شهرهای بزرگ کشور همواره اعضای خود را فعال نگاه می دارد زیرا کلیه این شاخهها جلسات سخنرانی ماهانه دارند و گردشهای علمی در سطوح مختلف ترتیب می دهند اما خود انجمن سالی یک بار کنفرانس بزرگی با مشارکت اعضای علاقمند در لندن ترتیب می دهد که در آن رییس و نواب رییس و خزانه دار و دیگر پایوران انجمن که



کوتاه و حدود ۳۰ نقد کتاب دیده می‌شود^۱ فصلنامه تدریس جغرافیا (Teaching Geography) که از سال ۱۹۷۵ منتشر می‌شود، شامل مباحثی درباره تدریس جغرافیا در مدارس می‌باشد.^۲ جغرافیای ابتدایی (Primary Geography) که مخصوص نوآموزان است و بالاخره^۳ اخبار جغرافیایی (Geographical Newsletter) که آنهم اخبار گوناگونی را به اطلاع علاقمندان به جغرافیا می‌رساند.

ب: انتشارات اتفاقی: که بیشتر از کتب درسی یا راهنماهای آموزشی و بالاخره جزوه‌هایی درباره مباحث مختلف جغرافیایی تشکیل می‌شود که انجمن به صورتی ارزاتر از بازار معمولی برای اعضای خود فراهم می‌سازد تاکنون صدها عنوان از این نوع کتابچه‌ها بوسیله انجمن چاپ و توزیع شده و تعداد آن را بطور کلی می‌توان سالی ۲۰ تا ۲۵ نشریه دانست.

۳- کمیته ثابت امور مالی و اداری که عمده وظایف آن جمع‌آوری درآمدها و رسیدگی به هزینه‌ها و بطور کلی نظارت در مدیریت امور مختلف انجمن است. از مسائل جالب مربوط به وظایف این کمیته ثابت این است که حق عضویت سالانه که در سالهای اول فعالیت انجمن ۱۲ شیلینگ یا کمی بیشتر از نیم پوند بوده حالا به ۵۰ پوند در سال یا کمی کمتر از ۱۰۰ برابر رسیده و بهای تک شماره فصلنامه که در آن روزها تنها یک شیلینگ بوده حال به ۱۲ پوند یا ۲۴۰ برابر افزایش یافته است^۴ در چنین شرایطی انجمن جغرافیا در سال ۲۴۰۰۰۰ پوند درآمد حق عضویت و ۱۲۰۰۰۰ پوند درآمد انتشارات و حدود ۵۰۰ پوند بهره ۲۰۰۰۰۰ پوند وجود ذخیره دارد.

اما آنچه در این انجمن به مناسبت صدمین سال تاسیس آن انجام شده به این شرح است:

۱- نشریه‌های مخصوص: از هر یک از چهار نشریه ادواری انجمن یک شماره به صدمین سال تخصیص یافته که در آن تاریخچه مختصر انجمن همراه با شرح حالهایی از افراد

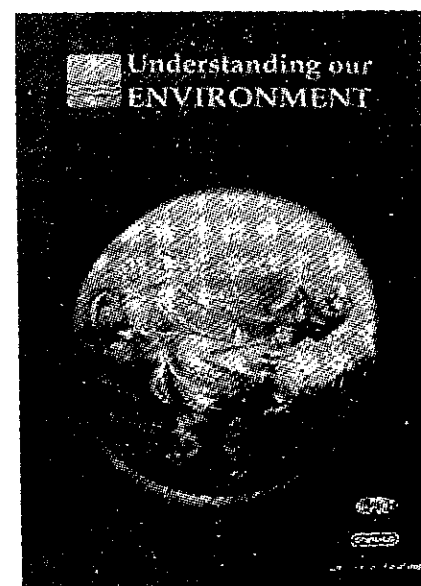
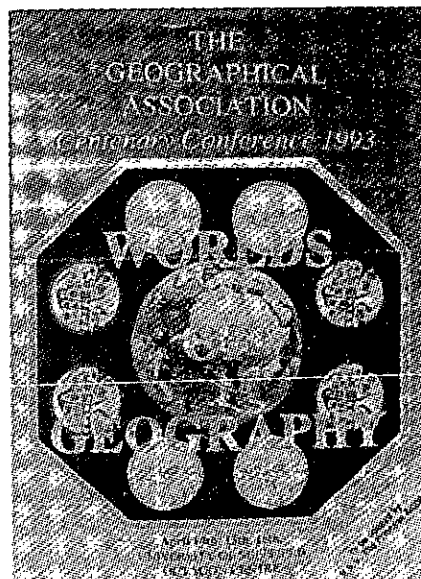
انجام وظیفه بیشتر آنها افتخاری است انتخاب می‌شوند. اولین کنفرانس سالانه انجمن جغرافیایی در سال ۱۸۹۴ یعنی در اولین سالروز تاسیس آن در اکسفورد تشکیل شده و صدمین کنفرانس در ماه آوریل گذشته در شهر شفیلد با تشریفات خاص برگزار گردیده است. انجمن جغرافیایی وظایف مختلف تحقیقاتی و آموزشی و اکتشافی خود را از طریق کمیته‌های ثابت و گروه‌های کار موقت انجام می‌دهد. مهمترین کمیته‌های ثابت آن عبارتند از:

۱- کمیته ثابت آموزش جغرافیا که خود دارای چندین بخش مربوط به آموزش جغرافیا در دبستانها، مدارس متوسطه، مدارس فنی و بالاخره دانشگاهها می‌باشد. این کمیته در واقع مهمترین بازوی قدرت معلمین جغرافیا در قبال دستگاههای رسمی و دولتی است و جغرافیدانانی که با تحولات برنامه‌های آموزشی انگلستان در سالهای ۱۹۸۰ و مقررات جدید آموزشی و مواد درسی آشنایی دارند بخوبی بر اقدامات این کمیته ثابت و تلاشهای پیگیر آن در بارور ساختن مواد درسی و ساعات درس جغرافیا در مدارس آگاهی دارند.

۲- کمیته ثابت انتشارات که وظیفه اصلی آن رتق و فتق امور مربوط به انتشارات انجمن است. انتشارات انجمن از دو نوع تشکیل می‌شود:

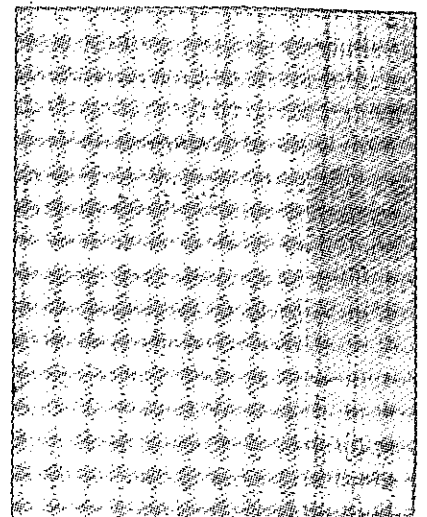
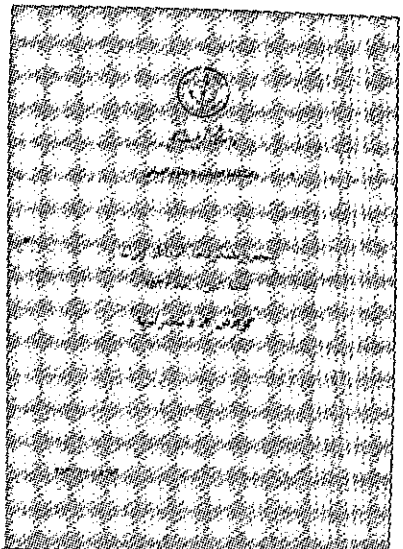
الف: انتشارات ادواری شامل^۱ «فصلنامه جغرافیا که از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۷ تحت عنوان معلم جغرافیا» و از آن سال تاکنون تحت عنوان ساده «جغرافیا» (Geography) هر سال چهار نوبت منتشر شده و آخرین شماره آن که به مناسبت صدمین سال انجمن با زیبایی صوری و معنوی استثنایی تهیه شده مربوط به آوریل ۱۹۹۳ شماره مسلسل ۳۳۹ و دومین بخش از جلد ۷۸ بوده است.

در هر شماره این نشریه معمولاً حدود ۱۰ مقاله علمی مفصل و ۱۰ مطلب جغرافیایی



جغرافیا

شماره
انجمن جغرافیادانان ایران



موثر در پیشرفت امور انجمن و خاطراتی از
اعضاء پیر و جوان انجمن با زیبایی‌های چاپی
استثنائی منتشر شده است.

۲ - یادنامه «صد سال اول» که کتابی است
در حدود ۲۵۰ صفحه و بوسیله یکی از فعالترین
رؤسای انجمن تدوین گردیده است.

۳ - جشن صدمین سال انجمن جغرافیایی
اکسفورد، مرکز اول تاسیس انجمن که بمدت
سه روز همراه با ضیافتها و بازدیدها و
سخنرانیها از دوم تا چهارم ژوئیه ۱۹۹۳
برگزار شده است.

۴ - صدمین کنفرانس سالانه انجمن
جغرافیایی که باشکوه و جلال کم نظیری از ۱۴
تا ۱۶ آوریل ۱۹۹۳ در شهر شفیلد که مرکز
دائمی انجمن است برگزار گردیده است. این
کنفرانس که بوسیله دختر ملکه انگلستان
افتتاح شده شامل دهها ضیافت و سخنرانی و
کارگاه و بازدید و مسافرتها کوتاه علمی و
نمایشگاههای کتاب و نقشه و ادوات آموزشی
مدرن بوده که باشکوهی بیشتر از معمول و
متداول ترتیب داده شده است.

۵ - یادگاریها - در طول کنفرانس
صدمین سال تاسیس انجمن جغرافیایی اقلام
متعددی از اجناس با علامت انجمن تهیه شده و
در نمایشگاهها به فروش رسیده است که از آن
جمله انواع مداد، خودکار، خط کش، نقاله،
کتابچه یادداشت، کتابچه تلفن، انواع تقویم،
ظروف چینی (بشقاب، زیرسیگاری، سینی،
گلدان) و سفال، حوله، انواع پیراهن، پولور،
کراوات، کیف مدرسه، کیف مسافرتی و امثال
آن بوده است.

۶ - کتاب ارزان - در روزهای کنفرانس
بسیاری از ناشران کتب جغرافیایی و اطلسها
و نقشه‌های جغرافیایی انتشارات خود را با
تخفیف‌هایی که گاهی تا ۵۰٪ قیمت بازار بود
بفروش می‌رسانند و این امری بود که با توجه
به گرانی کتاب در انگلستان بسیاری از
علاقمدان به کتاب‌راشاد و خرسند می‌ساخت.

در پایان لازم می‌داند متذکر شود که اکنون
از مهرماه ۱۳۵۲ یا تاریخ تاسیس انجمن
جغرافیادانان ایران بیست سال می‌گذرد و بجا
خواهد بود گروه‌های آموزش جغرافیا در
دانشگاه تبریز که قرار است در سال آینده
میزبان نهمین کنگره جغرافیادانان ایران باشند
بسواظر اثبات مداومت حیات انجمن
جغرافیادانان ایران جشن بیستمین سال تاسیس
آن انجمن را هم منظور نظر داشته و جلساتی یا
ضیافت‌هایی را هم زمان با نهمین کنگره به این
امر تخصیص دهند و از این که نهمین کنگره
جغرافیادانان ایران با بیست و یکمین سال روز
تاسیس انجمن جغرافیادانان ایران هم زمان
است نگران نباشند چون در محافل آکادمیک
جهان بارها چنین شده است که با یکی دو سال
اختلاف مجالس یادبود و جشن‌هایی برپا
کرده‌اند.

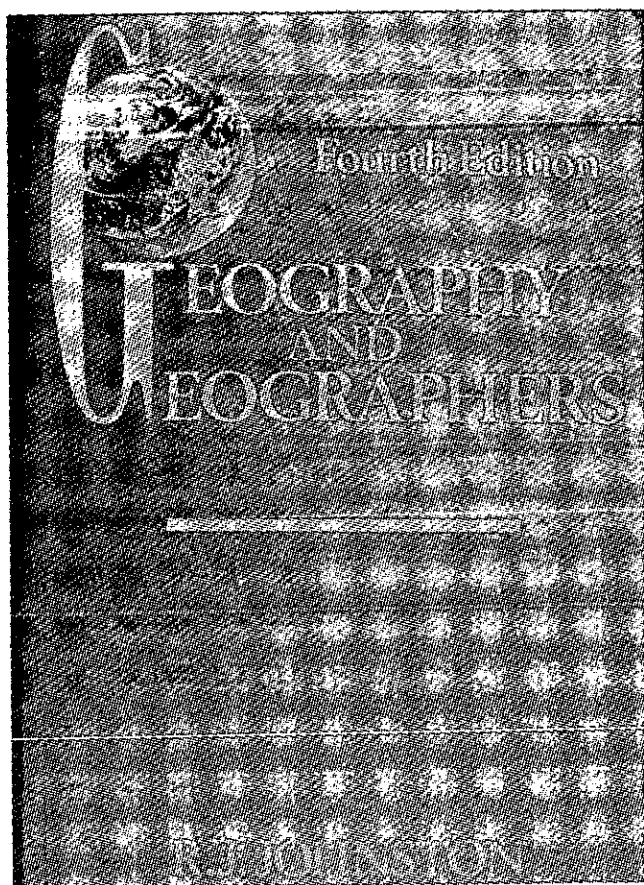
زیرنویسها

۱ - در این جا شرح کوتاهی درباره انجمن
جغرافیادانان ایران برای اطلاع کسانی که ممکن است
از سوابق آن بی‌خبر باشند نگاشته می‌شود.

۲ - گنجی، محمدحسن، جغرافیا در ایران از
دارالفنون تا انقلاب اسلامی، مؤسسه چاپ و
انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷، ص
۳۸۹.

۳ - همو، ص ۳۵۶.

۳ - در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۷ شمسی مطابق با
۱۹۳۳ - ۱۹۳۸ میلادی که این نویسنده در دانشگاه
منچستر مشغول تحصیل در رشته جغرافیا بود تصدی
کرسی جغرافیا و مدیریت گروه آموزش جغرافیا با
پروفسور فلور (سردبیر فصلنامه جغرافیا) بود و او
قبل از مراجعت من به ایران به من پیشنهاد کرد که به
عضویت مادام‌العمری انجمن جغرافیایی درآیم. و من
این پیشنهاد را پذیرفته با پرداخت ۱۰ پوند که در آن
زمان برابر با حق اشتراک ۱۵ سال می‌شد به عضویت
مادام‌العمری انجمن درآمدم و از همان سال تاکنون
سالی چهار شماره فصلنامه را دریافت کرده و از
طریق آن ارتباط خود را با تحولات علمی در جهان
جغرافیا حفظ کرده‌ام و ۵۰ دوره سالانه فصلنامه را از
برازشترین ذخائر کتابخانه خود می‌دانم.



۷ - گسترش روش علمی

گسترش اولیه مطالعات سیستماتیک جغرافیای انسانی که از روش مثبت‌گرای علمی بهره می‌جست، در ایالات متحده به نحو بارزی بر مبنای جغرافیای اقتصادی و جنبه‌های اقتصادی جغرافیای شهری تأکید داشت. این امر بی‌شک منعکس‌کننده سيطرة نسبی علم اقتصاد در میان علوم اجتماعی بود که مدلی را برای تقلید و کپی برداری در اختیار جغرافیدانان قرار می‌داد؛ مدلی که نه تنها رشته علمی آنان را به پیش می‌راند، بلکه ضمناً سبب حرکت این علم در راستای فایده بخشی به دنیای تجارت و سیاست می‌شد. البته سنت دیرینه کنار عملی (تجربی) در جغرافیای انسانی، به جز موارد معدود استثنایی تحقیق در حوزه‌های سیستماتیک، عمدتاً عبارت بود از آزمون آماری پیش فرضهای نسبتاً ساده، بدون توجه کافی به مدل‌سازی ریاضی یا به تحریر درآوردن شوربهای فرمولوار.

جغرافیا و جغرافیدانان (۷)

نویسنده: پروفیسور رونالد جانستون
ترجمه: دکتر عباس سعیدی
دانشگاه شهید بهشتی

پرداختند؛ ماریل^{۱۳}، موریل^{۱۴} و نایستون^{۱۵} الگوهای جابجایی را به بررسی کشیدند؛ و وارنتس^{۱۶} به ادامه کار درباره جغرافیای کلان پرداخت. طی همین دوره، کنفرانسهای متعدد و مدارس تابستانه برای آموزش جغرافیدانان در فنون کمی برپا شد و جغرافیدانان آمریکایی به عنوان طلایه داران کمیسیون روشهای کمی اتحادیه بین المللی جغرافیدانان مطرح شدند.

تحول در جغرافیای آمریکا

پس از مطرح شدن «انقلابهای کمی و نظری» برتون^{۱۷} در پاره‌ای زمینه‌های تخصصی در میان دانشمندان جغرافیای انسانی آمریکا، یکی از اولین وظایف «انقلابیون» عبارت بود از تبلیغ «آئین جدید» خود در سرتاسر قلمرو این علم از طریق متقاعد کردن دیگران از منافع کمی کردن و روش علمی مربوط به آن می‌توانست برای زمینه‌های تخصصی‌اش به ارمغان آورد. یکی از قطعات اصلی این توصیه عبارت بود از گزارش آکادمی ملی علوم / کمیته ملی تحقیقات (۱۹۶۵) درباره علم جغرافیا که به منظور تعیین و تبیین اصول اساسی تحقیق در این علم فراهم آمده بود. این بار به منظور برقراری تعادل با گذشته این علم که بر «تحلیل تجربی - استقرایی» توجه داشت، بیشتر بر کار «نظری - قیاسی» تاکید داشتند و استدلال خود را بر چهار قضیه استوار کرده بودند:

(الف) پیشرفت علمی و پیشرفت اجتماعی اگر هم یکی نباشند، به نحوی تنگاتنگ با یکدیگر در ارتباط هستند؛

(ب) فهم کامل و صحیح نظام جهانی شامل انسان و محیط طبیعی او یکی از چهار یا پنج مسأله اساسی در تمامی دانش بشری است؛ (ج) نیاز اجتماعی به آگاهی از ارتباطات فضایی انسان و محیط طبیعی با مسکونی‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن جهان، نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه افزایش می‌پذیرد و ممکن است در آینده نزدیک به مرحله بحرانی خود برسد؛ در آخر،

(د) پیشرفت در هر یک از شاخه‌های علمی، تمامی شاخه‌های دیگر را نیز در بر می‌گیرد، زیرا دانش در کلیت خود مقوله‌ای هم‌بنیاد است. نیاز اجتماعی به آگاهی از روابط فضایی به معنای نیازی عملی و روزمره و فوری است. همراه با بالا رفتن تراکم جمعیت و افزایش تراکم کاربری - زمین، نیاز به مدیریت کارآمد فضا هر چه بیشتر به صورت امری ضروری مطرح می‌شود.»

و از آنجا که در نظر اعضای این کمیته^{۱۸}، جغرافیا «به مطالعه نحوه پراکندگی فضایی بر سطح زمین می‌پردازد»، می‌توان گفت «مطالعات جغرافیایی اموری غیر قابل جایگزین در حمایت علمی از مدیریت کارآمد فضا به شمار می‌رود». بدینسان، شیوه علمی مثبت‌گرا به

همزمان با این گونه روندها در جغرافیای انسانی، انگیزش تعیین‌کننده‌ای برای دانشمندان این علم مطرح شد و آن عبارت بود از ظهور رشته علمی نوینی در ایالات متحده به نام دانش منطقه‌ای. این دانش تا حد زیادی محصول کوششهای دانشمندی سنت شکن به نام والتر ایزارد^۱ بود. ایزارد اقتصاددانی بود که به منظور فراهم آوردن شالوده نظری استوارتری نسبت به گذشته در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، اجزاء و عناصر فضایی را در مدلهای خود دخالت داد. آنگونه که از دو کتاب اولیه ایزارد (۱۹۵۶ و ۱۹۶۰) مستفاد می‌شود، دانش منطقه‌ای عبارت بود از علم اقتصاد به اضافه تاکید بر فضا؛ اما جامعه دانش منطقه‌ای - در عمل - بیشتر دانشمندان جغرافیای کاربردی را به سوی خود جلب نمود تا اقتصاد دانان را. برخی معتقدند، دانش منطقه‌ای و جغرافیای اقتصادی را نمی‌توان به سادگی از یکدیگر متمایز ساخت؛ دانش منطقه‌ای را می‌توان آشکارا با توجه به تمرکز و تاکید بیشتر آن بر مدلهای ریاضی و تئوری سازی اقتصادی مشخص نمود، حال آنکه آثار جغرافیایی بیشتر مبتنی بر کار تجربی (عملی) و کمتر متکی به زبان نظری و فرمولوار بوده است. (در اصل ایزارد در سال ۱۹۵۶ جغرافیدانان را افرادی به شمار می‌آورد که مدلهای کارشناسان دانش منطقه‌ای را مورد آزمون تجربی قرار می‌دهند). در گذر زمان، علائق کارشناسان دانش منطقه‌ای گسترش یافت، لیکن شالوده محکم و نظری آن در جا زده است.

تاکید بر روشهای آماری در بسیاری از آثار جدید جغرافیای انسانی در آمریکا تا حدی به تجدید روابط آن با جغرافیای طبیعی منجر شد. (یکی از دانشمندان پیشگام «جغرافیای کمی» در دهه ۱۹۶۰، لسلی کاری^۲ بود که در اصل تحصیلات اقلیم شناسی داشت). مقالات متعدد جغرافیای طبیعی در مجلات درجه اول منتشر شد، تعداد بیشتری از کارشناسان جغرافیای طبیعی در گروههای آموزشی دانشگاهها به کار گمارده شدند، زمین‌شناسی نظیر کروماین^۳، لئوسولد^۴، شوم^۵ و ولمان^۶ سرچشمه‌های اصلی ایده‌های کمی شدند و توجه عمومی به آموزش دانشجویان کارشناسی ارشد معطوف شد. توجه به این گونه فرایندها به صورت مقالات عرضه شده در کنفرانس ۱۹۶۰ درباره جغرافیای کمی متجلی شد که خود به انتشار دو جلد کتاب (گاریسون و ماربل، ۱۹۶۷) درباره توسعه روشها، یکی در زمینه جغرافیای انسانی و دیگری در باب جغرافیای طبیعی منتهی شد. به عنوان نمونه، بری^۷ در کتاب نخست به معرفی مجموعه روشهای تحلیل عوامل به عنوان شیوه ادغام و تنظیم ماتریسهای پیرامنه داده‌ها پرداخت؛ دیسی^۸ الگوهای خطی را مورد بررسی قرار داد و بکمن^۹ به ارائه نحوه استقرار بهینه راهها پرداخت؛ رابینسون^{۱۰} کار خود را درباره مقایسه آماری نقشه‌ها ادامه داد؛ میفیلد^{۱۱} و تامس^{۱۲} به گسترش تحلیل الگوهای مکان مرکزی

جغرافیدانان فروخته شد و جغرافیا به منظور دستیابی به جلب حمایت مالی برای تحقیقات خود به استقرار علمی فروخته شد.

این کمیته به منظور نشان دادن تواناییهای علم جغرافیا به عنوان «علمی مفید»، چهار زمینه را انتخاب و عرضه نمود. نخستین زمینه عبارت بود از جغرافیای طبیعی. دوم جغرافیای فرهنگی بود که «تفاوتهای موجود از یک مکان به مکان دیگر را بر حسب شیوه‌های زندگی اجتماعات انسانی و درجهٔ خلاقیت آنها در زمینه پدیده‌های ساخته دست بشر یا پدیده‌های دگرگون شده توسط او، بررسی می‌کرد». منظور که گفته می‌شد، نکته اساسی در این میان عبارت بود از تاکید بر نحوه گسترش چشم‌انداز و نحوه پراکنش پدیده‌های فرهنگی خاص در عرصه‌های فضایی و زمانی: بر این مبنایا، به کارگیری فنون تازه برای بررسی ویژگی و میزان پراکنش عناصر اصلی فرهنگی و نحوه استقرار الگوهای فضایی حاصل از مجموعه‌های فرهنگی به عنوان شاهراه ترقی تلقی می‌شد. زمینه سوم جغرافیای سیاسی بود و این کمیته کار دربارهٔ مرزها و مدیریت منابع را پیشنهاد می‌کرد. بالاخره، این کمیته مطالعات مربوط به ثوری استقرار را به عنوان چهارمین زمینه مشخص ساخت: ملغمه‌ای از کار در زمینه جغرافیای اقتصادی، شهری و جغرافیای حمل و نقل که مطابق آن، «گفتگو» میان زمینه‌های مطالعات تجربی و نظری رشد بیشتری یافته بود و «توان بالقوه دیدگاهی متعادل را در ارتباط با زمینه‌های مطالعاتی جغرافیایی آشکار می‌ساخت». ثوری استقرار ایجاد می‌کرد کار در زمینه الگوهای فضایی، پیوندها و جریانهای موجود میان مکانها مطابق آن الگوها، پویایی الگوها و آماده‌سازی الگوهای بدیل از طریق مدل‌سازی که راه‌حلهای مناسب و کارآمدی ارائه می‌داد، پیگیری شود.

در سیر پیشرفت علم جغرافیا،

«فرصت مناسبی که توسط کارگزاران ثوری استقرار مطرح می‌شد عبارت بود از امکان هماهنگ کردن کار خود با سایر جغرافیدانان به هنگام مطالعه شبکه فضایی پدیده‌های سیاسی، فرهنگی و طبیعی..... این امر از طریق پراکنش متزاید و دایمی فنون و مفاهیم به سایر جغرافیدانان و ایجاد ارتباط در تبیین مسایل تحقیق، قابل حصول است. نتیجه عبارت خواهد بود از شدت بخشیدن به تعارض موجود میان مطالعات تجربی - استقراری با نگرشهای نظری - قیاسی در علم جغرافیا..... آزمون ثوری در قالبهای گوناگون تجربی به گسترش همه‌جانبه و پالایش ثوریهای مختلف منجر خواهد شد. این موضوع ضمناً به ایجاد پیوند میان پیشرفتهای علم جغرافیا با مسایل محلی به نحوی سریع‌تر و موثرتر یاری خواهد رساند»

در نظر این عده، متدولوژی علمی قیاسی - نظری برای

پیشبرد تحقیقات جغرافیایی امری اساسی به شمار می‌رفت و هر یک از جغرافیدانان به منظور پیش بردن این امر می‌توانند نقشی بر عهده داشته باشند، زیرا:

«جغرافیدانان برای یکدیگر مرده ریگی می‌گذارند که باید بر روی آن سرمایه‌گذاری شود. آنهایی که به مطالعه بخش خاصی از زمین (جغرافیای ناحیه‌ای) علاقمند بوده‌اند، زمینه‌های مناسبی برای تفسیر و تبیین مجموعه‌های طبیعی - فرهنگی موجود در مناطق مورد مطالعه خود، به دست می‌دهند. به همین طریق پژوهندگان بخش دیگری از زمین مطرح می‌شوند (جغرافیای تاریخی) و بدینسان، زمینه‌های مناسب دیگری برای تفسیر و تبیین نحوه تحول و تکوین تاریخی یک منطقه فراهم می‌آید. این دو گروه پیروانی دارند که در زمینه خاصی آموزش دیده‌اند و قادرند به شیوه‌ای منظم‌تر به مشاهده تجربی و مطالعه میدانی درباره مسایل دست یازند و درستی یافته‌ها و نتایج کلی فراهم آمده از مطالعات سیستماتیک را با آزمونهای تجربی خود مورد ارزیابی قرار دهند....

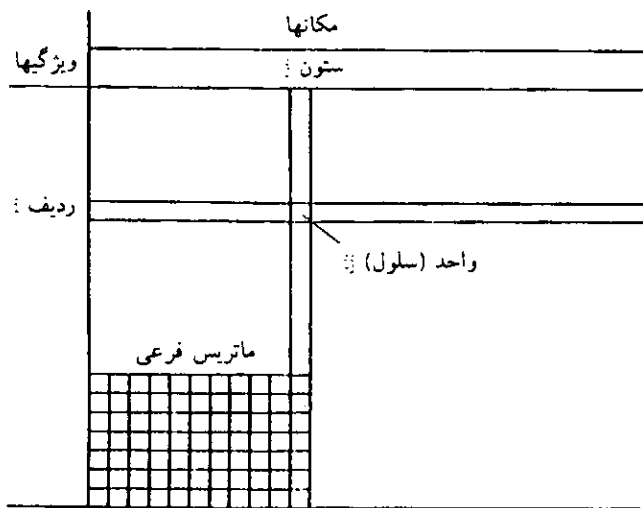
کارشناس جغرافیای ناحیه‌ای یا جغرافیای تاریخی که به فنون مشاهده تجربی و مطالعه تاریخی به درستی و دقت احاطه داشته باشد، قادر است خود را عنصری مفید و ضروری جلوه دهد، البته اگر مسیر حرکت مجموعه یافته‌های کلی را درک کند و کار خود را به درستی به حواشی در حال رشد آن پیوند دهد».

به این ترتیب، تقسیم کار معینی پیشنهاد می‌شد که «متفکرین» نظری - قیاسی و «کارگزاران» تجربی - استقراری را در بر می‌گرفت: تقسیم کاری که ظاهراً از لحاظ تعیین جایگاه افراد عادلانه نبود و توسط بعضی مردود شناخته می‌شد.

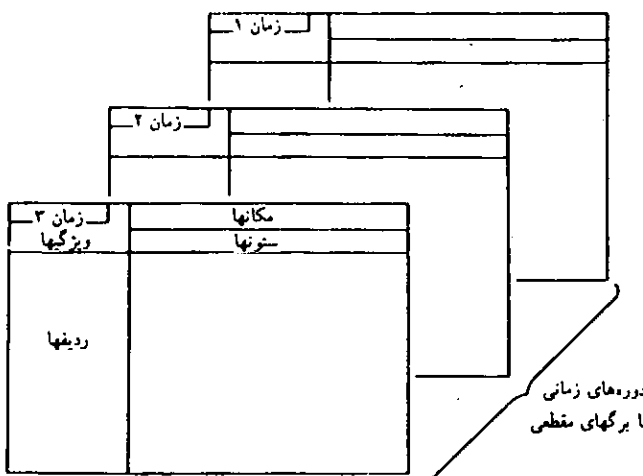
گزارشی تقریباً مشابه برای کمیته علم و خط‌مشی عمومی آکادمی ملی علوم و کمیته خط‌مشی و مسایل شورای تحقیقات علوم اجتماعی فراهم آمد که پنج سال پس از گزارش اول منتشر گردید. این گزارش نیز حاصل کار یک کمیته بود.^{۱۱} در این گزارش، جغرافیای انسانی چنین تعریف شده بود: «مطالعه نحوه سازمان‌پذیری فضایی که به صورت الگوها و روندها تجلی می‌یابد» و روابط افراد - محیط و چشم‌اندازهای فرهنگی را در بر می‌گیرد و همچنین ارتباط برنامه‌ریزی و سایر ملاحظات سیاست‌گذاری را بیان می‌کند: بیشتر قسمتهای این گزارش طوری فراهم آمده بود تا سرشت جغرافیای انسانی را به نمایش بگذارد. این مساله چنین مطرح شده بود:

«که فرصتهای بسیاری برای گسترش و بهبود تحقیقات جغرافیایی وجود دارد. اگر جغرافیا بنا دارد بر الگوهای دایم‌التغییر نحوه سازمان‌پذیری فضایی جامعهٔ امریکا تأثیری قسوی و معنی‌دار بگذارد، سپری کردن این روند توسعه الزامی است.

داشت. این امر توسط بری در سال ۱۹۶۴ چنین توصیف شده است که دیدگاه جغرافیدان بر عامل فضا با توجه به نحوه پراکندگی، ادغام، کش متقابل، سازمان‌پذیری و روندهای جاری متکی است. تمامی داده‌های مربوط به آن را می‌توان از طریق یک ماتریس مقوله‌بندی کرد (نمودار شماره ۱) که مطابق آن مکانهای مختلف به صورت ردیفها و ویژگیها به صورت ستونهایی ارائه می‌شوند: بدینسان، هر واحد (سلول) گویای یک واقعیت جغرافیایی خواهد بود. بری سپس پیشنهاد می‌کرد، با تأکید بر عناصر گوناگون این ماتریس می‌توان پنج نوع مختلف بررسی جغرافیایی را مشخص ساخت: مطالعه یک ردیف معین (یک مکان) یا یک ستون خاص (یک ویژگی)؛ مقایسه دو یا چند ردیف (مکان) یا ستون (ویژگی)؛ یا مطالعه و بررسی ردیفها و ستونها به



مأخذ: بری، ۱۹۶۴
نمودار شماره ۱ - ماتریس جغرافیایی: هر واحد - □ - یک واقعیت جغرافیایی را در بر می‌گیرد - مقدار فرضی مشخصه □ در مکان □



مأخذ: بری، ۱۹۶۴
نمودار شماره ۲ - بعد سوم ماتریس جغرافیایی

- که این امر خود به شش نتیجه منتهی خواهد شد:
- ۱ - همکاری بیشتر در میان علوم اجتماعی؛
 - ۲ - تعدیل کمبود نیروی کار انسانی در جغرافیا؛
 - ۳ - برپایی مراکز آموزش و تحقیق در زمینه نقشه‌برداری؛
 - ۴ - پیشبرد سنجش از دور و توسعه پایگاههای اطلاعاتی مربوط به آن؛
 - ۵ - حمایت بیشتر از مطالعات و بررسیهای نواحی خارج از کشور؛
 - ۶ - تنظیم برنامه‌هایی برای «تقویت آموزش ریاضی به جغرافیدانان».

جغرافیای انسانی به عنوان جزء ارتباط‌دهنده علوم اجتماعی معرفی می‌شد که دائماً در زمینه ابزار تحلیلهای خود بر نحوه سازمان‌پذیری فضایی تأکید داشته و مهارتهای خاصی در زمینه نقشه‌برداری و تأمین داده‌ها عرضه می‌داشت.

یکی از زمینه‌های سیستماتیک جغرافیا که در آغاز به واسطه اعمال شیوه‌های جدید مطرح شد، آن بخش از جغرافیای شهری بود که به ساختار فضایی درونی شهرها می‌پرداخت. تا دهه ۱۹۶۰ در این زمینه مطالعات چندانی صورت نگرفته بود، مگر در زمینه انواع کاربری زمین (به ویژه حوزه تجاری مرکزی) و ارتباط الگوی مراکز خرید حومه به منظور اثبات تئوری مکان مرکزی؛ در این راستا، به محتوای انسانی حوزه‌های سکونتی اصولاً توجهی نمی‌شد، شاید به این علت که جغرافیا را علم مکانها به حساب می‌آوردند و نه علم افراد انسانی. آگاهی از این امر بدیهی که «این افراد انسانی هستند که در شهرها زندگی می‌کنند» به تریغیب علاقه به حوزه‌های سکونتی انجامید که البته انگیزش زیادی در این ارتباط توسط مکتب اکولوژی شهری جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو در میان جغرافیدانان پدید آمده بود. شیوه‌های تحلیل حوزه اجتماعی محبوبیت یافت و این فنون در جاهای دیگری نیز به کار گرفته شد: بدینسان، شکل جدیدی از جغرافیای شهری ابداع شد که هنجارهای خود را از مکتبهای کارکردگرایان جامعه‌شناسی وام گرفته بود. در این چهارچوب، جامعه از طبقات اجتماعی - اقتصادی تشکیل می‌شود که سرشت و نحوه ترکیب آن وسیعاً مورد پذیرش عام است و این طبقات درباره نحوه تخصیص و کاربری زمین میان گروههای رقیب به توافقهایی جمعی می‌رسند. این نوع جغرافیای شهری در عمل به صورت شاخه‌ای سیستماتیک و مجزا از علم در آمد؛ افراد معدودی در چهارچوبهای آن و نیز همچنین در سایر جنبه‌های جغرافیای شهری دست به تحقیق زدند.

این مبحث توسط کسانی که می‌کوشیدند مستدولوزی جدید را در میان جغرافیدانان گسترش دهند، رشد یافت که به طور کلی بر مجموعه‌ای عام از فرایندهای مربوط به مسایل جغرافیایی تمرکز

جنبه‌های مطالعاتی علم جغرافیا به کار رفت و نهایتاً به یک مجموعه روش‌شناسانه منتهی شد که پیش از آن در زمینه‌های گوناگون تخصصی مطالعات سیستماتیک ناشناخته بود.

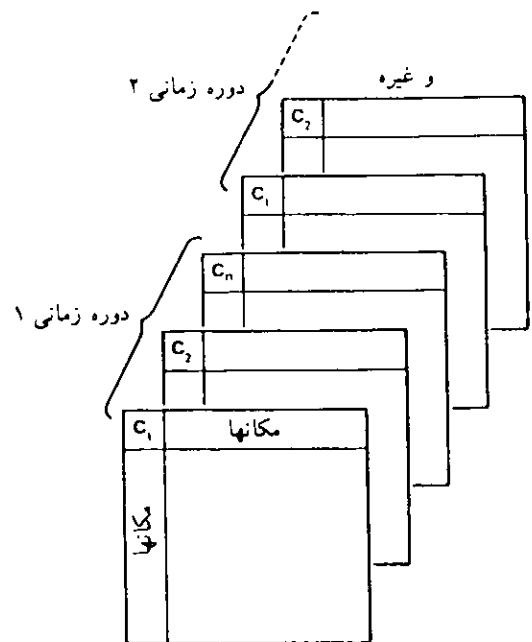
این روند گسترش در دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده به زمینه‌های تخصصی رشته‌های علمی متعددی سرایت کرد و تا اواسط دهه ۱۹۶۰ بهره‌گیری از شیوه‌های آماری به منظور آزمون پیش‌فرضها رواج یافت. این شیوه‌ها در واقع روشهایی بودند که به این تخصصها یکپارچگی می‌بخشیدند و هر کدام برحسب جوهره خود به صورت شاخه‌ای معین و قابل تفکیک در میان مطالعات جغرافیایی، شخصیت می‌یافتند. اُفت علاقه به مطالعاتی که هدف از آن ادغام یافته‌های تخصصهای گوناگون در یک سنتز منطقه‌ای بود، علیرغم کوششهای بری و دیگران نشانه آن بود که جغرافیای انسانی با توجه به فرایندهای جاری، با وجود جوهره‌ای مرکزگرا، شاهد گرایش مرکزگرایز است.

از آنجا که شیوه علمی مثبت‌گرا و فنون آماری به طور وسیعی بیش از آنچه که در جغرافیای انسانی مطرح باشد، به کار گرفته می‌شد، بنظر می‌رسد گرایش اول ظاهراً مهمترین گرایش به شمار می‌آید.

زیرنویسها:

صورت توأمان. با اضافه کردن ماتریسهای دیگر که هر کدام برای یک دوره زمانی در نظر گرفته می‌شوند (نمودار شماره ۲)، این امکان فراهم می‌آید که براساس پنج مطالعه پیشین، پنج نوع بررسی دیگر با تمرکز بر دگرگونیهای زمانی به انجام رسانند. بدینسان، او نتیجه می‌گیرد جغرافیای سیستماتیک و جغرافیای ناحیه‌ای هر کدام بخشی از یک مقوله واحد هستند. در واقع، تکرار همان بحثهای هارتسهورن - که هیچکدام به خودی خود و به تنهایی کارآمد نیستند.

ماتریسهای بری صرفاً به ویژگیهای مکانها اشاره دارد و ماتریسهای دیگری را می‌توان به کار گرفت (نمودار شماره ۳) که جریانهای بین مکانها را نشان می‌دهند؛ یعنی هر ماتریس برای یک نوع از جریان در یک دوره زمانی خاص. بری همین امر را خود به کار گرفت، هر چند آن را در کوشش خود به منظور ارتباط دادن فرایندها در جهت منطقه‌ای کردن کارکردی و ظاهری فرموله نکرده بود تا بتواند تئوری عامی در زمینه رفتار فضایی ارائه دهد. تئوری تجربی بری توسط خود او در سال ۱۹۶۶ در ارتباط با بررسی وسیع نحوه سازمان‌پذیری فضایی کشور هندوستان به کار گرفته شده بود. فنونی که او در این اثر به کار برد، در دهه ۱۹۶۰ با امکان دسترسی به کامپیوترهای سریع‌العمل در زمینه پردازش ماتریسهای اطلاعاتی بسیار پر دامنه، در امور آکادمیک دانشگاهی به آسانی قابل استفاده بود؛ اگر چه استفاده از این فنون همه‌گیر نشد. این فنون، عنوان کلی اکولوژی مبتنی بر عامل را به خود گرفت و به طور وسیعی در بسیاری از



مأخذ: براساس کلارک، دیویس و جانستون، ۱۹۷۴

نمودار شماره ۳ - ماتریسهای جریان جغرافیایی، هر مورد برای یک دوره زمانی

- 1 - Walter Isard
- 2 - Leslie Curry
- 3 - Krumbein
- 4 - Leopold
- 5 - Schumm
- 6 - Wolman
- 7 - Berry
- 8 - Dacey
- 9 - Beckmann
- 10 - Robinson
- 11 - Mayfield
- 12 - Thomas
- 13 - Marble
- 14 - Morrill
- 15 - Nystuen
- 16 - Warntz
- 17 - Burton

۱۸ - اعضای این کمیته عبارت بودند از:

E.A. Ackermann, B.J.L. Berry, E.J. Taaffe, S.B. Cohen, R.A. Bryson, W.L. Thomas, M.G. Wolman.

۱۹ - این کمیته متشکل از افراد زیر بود:

E. J. Taaffe, I. Burton, N. Ginsburg, P.R. Gould, F. Luckermann, P.L. Wagner 20 - CBD = Central Business District

شیوه‌های

دخالت دولت در بازار زمین شهری

بیشتر در بازار آینده از عرضه و فروش زمین خودداری کنند. بنابراین از آنجا که در بازار کنترل نشده مالکان خصوصی نسبت به خسارتی که به کل جامعه وارد می‌آورند بی‌توجهند و مکانیزم بازار زمین خود بخود منافع عموم را دربر نخواهد داشت، دخالت دولت‌ها در بازار زمین و کنترل یا هدایت عملکرد آن ضروری خواهد بود این دخالت می‌تواند به شکلهای ذیل صورت بگیرد:

- ۱ - تصویب مقررات مربوط به کاربری اراضی شهری (Land use Regulations)
- ۲ - مالیات بندی (Taxation)
- ۳ - دخالت مستقیم (Direct Action)

۱ - دخالت بصورت مقررات کاربری اراضی شهری

اکنون در تمام کشورها دولت‌ها مستقاعد شده‌اند که برای تأمین منافع عموم جامعه لازم است نحوه استفاده از زمین شهری را کنترل نمایند. عمده‌ترین دلیل برای دخالت دولت معمولاً نیاز به زمین برای احداث خیابانها و گذرگاهها، تأمین تسهیلات و امکانات شهری و خدمات عمومی، یا جلوگیری از بلااستفاده رها

تمام فعالیت‌های بشری نیازمند استفاده از زمین است زمین خواه جهت تأمین مسکن، خطوط ارتباطی و تأسیسات عمومی مورد استفاده قرار گیرد و خواه در مصارف کشاورزی یا صنعتی، نقش کاملاً کلیدی را بر عهده دارد زمین دارای یک سری ویژگیهای بینظیر بشرح زیر است که آنرا از سایر کالاها متمایز می‌سازد:

۱ - از نظر مقدار محدود است و بجز موارد کاملاً استثنایی پسروی دادن آب دریا، بر مقدار آن افزوده نمی‌شود.

۲ - زمین از نظر فیزیکی از بین نمی‌رود.

۳ - زمین قابل جا به جایی نیست.

۴ - زمین در بیشتر کشورها برای سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این ویژگیها باعث می‌شود که قانون عرضه و تقاضا به همان کیفیتی که در مورد سایر کالاها عمل می‌کند در مورد زمین صادق نباشد به این مفهوم که در مورد سایر کالاها افزایش تقاضا منجر به افزایش عرضه می‌گردد در حالیکه در مورد زمین شهری، افزایش تقاضا الزاماً بمعنی افزایش عرضه نخواهد بود. چرا که مالکان زمین ممکن است در انتظار سود

دکتر محمدرضا دلال‌پور محمدی
استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی
شهری دانشگاه تبریز

شدن قطعات زمین در شهرها می‌باشد. اهداف دیگر دخالت دولت می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

۱ - بالا بردن کارایی به وسیله جهت دادن نوسازی و بهسازی شهری به سوی اهداف بهتر و مناسبتر.

۲ - جلوگیری از توسعه بی‌رویه شهری و اشغال غیر ضروری زمینهای کشاورزی.

۳ - بدست آوردن اقتصاد تجمع و کاهش هزینه تأمین خدمات اجتماعی^۱.

علاوه بر این عده‌ای اظهار کرده‌اند که هدف عمده دولت از کنترل کاربری زمین عبارتست از: اطمینان خاطر از اینکه زمین بطور کافی عرضه و با قیمت قابل برآورد در اختیار تمام فعالیتهای ضروری شهری از جمله مسکن، تجارت، خدمات، فضای سبز و نیازهای عمومی از جمله شبکه ارتباطات، بیمارستان‌ها و غیره قرار می‌گیرد و مکان‌یابی این فعالیت‌ها مخصوصاً از جهت تأمین دسترسی‌ها کاملاً منظور شده است.^۲

کنترل کاربری اراضی که شامل کنترل استفاده (land use) عمران (Development) و همچنین تفکیک قطعات زمین (Subdivision) می‌باشد به دو صورت عملی می‌گردد:

۱ - کنترل منفی (Negative Control)

۲ - کنترل مثبت (Positive Control)

کنترل منفی عبارتست از ایجاد مانع برای مالک زمین برای انجام دادن برخی از امور.

کنترل مثبت عبارتست از وادار کردن مالک به انجام یک سری اقدامات معین.

قبل از اینکه اشکال مشترک و پذیرفته شده مقررات و قوانین کاربری اراضی شهری را مورد بحث قرار دهیم، ابتدا به اهداف اولیه و اساسی این نوع کنترل در ارتباط با کاربری‌های مهم اشاره می‌کنیم.

اهداف کنترل کاربری زمین مسکونی (The objectives of Residential land use control)

کاربری مسکونی برای نواحی به کار

می‌رود که بالاترین استفاده از زمین به احداث واحدهای مسکونی اختصاص داده شده است، اهداف اساسی کنترل کاربری زمین مسکونی را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱ - حصول اطمینان خاطر از اینکه توسعه نواحی مسکونی در جاهائی که برای سکونت مناسب است صورت می‌گیرد و فضای کافی برای استقرار خدمات ضروری دیگر وجود دارد.

۲ - حصول اطمینان از اینکه استفاده مناسب از فضا صورت گرفته و هیچ قطعه‌ای بلااستفاده رها نمی‌شود.

۳ - ایجاد تراکم مناسب و جلوگیری از ازدحام با مشخص کردن وسعت و اندازه ساختمانها.

۴ - کنترل کیفیت طراحی ساختمانها مانند تأمین نور و هوای لازم در برابر دیوارهای بلند، تنظیم فاصله بین دیوار ساختمانها، محافظت از فضای سبز، محدود کردن خطرات فیزیکی، محافظت در مقابل سر و صدا، آلودگی هوا و نظایر آن.^۳

اهداف کنترل کاربری زمین تجاری (The objectives of commercial land use control)

بعضی از اهداف کنترل کاربری زمین تجاری نظیر تضمین طراحی مناسب ساختمانها، استفاده کافی از فضا، اختصاص زمین به فعالیت تجاری مناسب و نیازهای جانبی، شبیه‌اهداف کنترل زمین مسکونی می‌باشند.

مکان‌یابی‌های مناسب از نقطه نظر دسترسی، ترتیب و نظم در استقرار مغازه‌ها، جلوگیری از عبور و مرور کامیونها و وسائط نقلیه سنگین در مسیرهای پررفت و آمد شهری و اطمینان از اینکه توسعه تجاری امنیت خیابانها را به خطر نمی‌اندازد از اهداف دیگر کنترل کاربری تجاری هستند.

اهداف کنترل کاربری زمین صنعتی (The objectives of Industrial land use Control)

هدف اولیه در کنترل نحوه استفاده از زمین

برای کاربری صنایع، یا تعیین مکان مناسب برای توسعه صنعت و محافظت از نواحی مجاور مسکونی و تجاری است. این امر مستلزم اجرای محدودیت‌هایی در ارتباط با سر و صدا، خطرات، شلوغی ترافیک و غیره می‌باشد.

محل استقرار صنایع باید دور از موانع توپوگرافی و برخوردار از خطوط حمل و نقل، و نزدیک به منبع نیروی انسانی باشد. بالاخره از این که زمین اختصاص یافته به صنایع مشخصاً در اختیار کارخانجات قرار گرفته است باید اطمینان خاطر حاصل کرد.

۱ - اشکال عمومی مقررات کاربری زمین (The common forms of land use Regulations)

عمده‌ترین مقررات کنترل کاربری زمین که به صورت مجزا یا به صورت بخشی از فرایند برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از:

۱ - برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (Urban land use planning)

۲ - کنترل توسعه و عمران (Development Control)

۳ - منطقه‌بندی (Zoning)

۴ - مقررات تفکیک زمین (Subdivision Regulations)

۵ - مقررات ساختمانها (Building Regulations)

الف: برنامه‌ریزی کاربری اراضی

برنامه‌ریزی در چارچوب مفهومی آن عبارت است از اختصاص منابع محدود و مشخص برای دستیابی به پاره‌ای اهداف تعیین شده در قالب زمانی مشخص، بنابراین برنامه‌ریزی کاربری اراضی عمدتاً فعالیت‌های دولتی را دربر می‌گیرد.

استفاده عمومی از عنوان برنامه‌ریزی در شهر به فرایند تصمیم‌گیری درباره محیط فیزیکی و ارزیابی چگونگی تأثیراتی که این

تغییرات به دنبال خود در زندگی مردم و محیط شهری در رابطه با اهداف تعیین شده می‌گذارد اطلاق می‌شود. سپس برنامه به وسیله ابزار قانونمندی که در بالا شرح داده شد به اجرا گذارده می‌شود.

مفاهیم عمومی و استفاده شده از برنامه‌ریزی کاربری زمین در حال حاضر عبارتند از طرح‌های جامع (Comprehensive planning) و طرح‌های استراتژیک یا ساختاری (Strategic or structure planning).

برنامه‌ریزی جامع به برنامه تدوین شده‌ای اطلاق می‌شود که به منظور بالا بردن نفع عمومی و تضمین پیوستگی توسعه، هر عمرانی را که نیازمند زمین هست مشخص کرده و در قالب زمانی معین چگونگی عملی شدن آن را معلوم می‌دارد. در تدوین طرح‌های جامع روند شهرنشینی تدریجی و تأمین پروژه‌های زیربنایی و تصمیمات سرمایه‌گذاری قابل کنترل ملحوظ می‌گردد. این وضعیت تاحدی در کشورهای پیشرفته به واقعیت نزدیک‌تر است یعنی جایی که اساساً هدف عمده برنامه‌ریزی، حفظ نظام ایجاد شده است؛ لذا در کشورهای در حال توسعه که با رشد جمعیت سریع جمعیت و افزایش روزافزون تقاضا برای خدمات و تسهیلات زیربنایی از یک طرف و محدودیت امکانات سرمایه‌گذاری از طرف دیگر مواجه هستند، برنامه‌ریزی سنتی از این نوع به صورت یک فعالیت مجزا شده‌ای درمی‌آید که تأثیر خیلی کمی بر تصمیم‌گیری‌های مستمر دارد. بعلاوه این روش از ابزار مؤثر اجرایی بی‌بهره است. منطقه‌بندی و استفاده از نیروی پلیس معمولاً تنها روش‌هایی است که طرح جامع برای اجرای اهداف خود به آنها متوسل می‌شود.

فرایندی که با تقاضای کشورهای در حال توسعه تناسب بیشتری دارد برنامه‌ریزی استراتژیک یا ساختاری است. در اجرای این روش مسائل بحرانی و حساس سنجیده شده و اولویت‌های سرمایه‌گذاری برای تسهیلات

زیربنایی مشخص و ناحیه‌ای که توسعه در آنجا باید عملی شود تعیین می‌گردد.

در این روند برنامه‌ریزی نه تنها توسعه فعلی و آتی شهر منظور می‌گردد، بلکه بازسازی و بهبود کیفیت سکونت در نواحی قدیمی شهر نیز مسدود و عملی خواهد شد. رابرتس (Roberts 1985)^۱ معتقد است که در برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی و عمل توأم صورت می‌گیرد. این نوع برنامه‌ریزی نیاز به جمع‌آوری اطلاعات جامع نداشته و می‌تواند با انعطاف‌پذیری کامل نیازهای شهری را جوابگو بوده و در جهت دهی توسعه و الگوهای کاربری اراضی شهری کاملاً مؤثر افتد.

ب - کنترل توسعه (Development Control)

کنترل توسعه شامل فرایندی است که برحسب اهداف برنامه و توسعه ضامن هدایت توسعه می‌باشد.

علاوه بر آن روش کنترل توسعه با فراهم آوردن مقررات مربوط به جزئیات توسعه که برنامه توسعه Development plan از ارائه آن ناتوان است، نتایج مطلوب‌تری را سبب می‌شود.

این نوع کنترل در کشور بریتانیا به صورت سیستماتیک به وسیله قانون برنامه‌ریزی شهری و روستایی که در سال ۱۹۴۷ تصویب شده عملی گردید.

سیستم کنترل توسعه در دو سطح به صورت کارایی عمل می‌کند. ابتدا طرح اولیه و مشخصات توسعه مطلوب یک منطقه توسط مسئولین محلی به صورت مدارکی که برنامه توسعه (Development plan) نامیده می‌شود ارائه می‌گردد. تهیه چنین برنامه‌ای از وظایف قانونی مسئولین محلی است. اضافه بر آن براساس قانون سال ۱۹۷۱ مقامات محلی می‌توانند در حوزه فعالیت عمرانی را تحت نظارت داشته و در صورت مغایرت با برنامه

توسعه، از عملی شدن آن جلوگیری نمایند. در چنین سیستمی توسعه و کار عمرانی به هر مقیاس که باشد، نیاز به کسب مجوز از مقامات مسئول محلی دارد. مقامات محلی قدرت دارند که با ملاحظه نقاط ضعف و قوت طرح‌ها آنها را تصویب، رد و یا به صورت مشروط قبول کنند. همچنین نوع دیگری از کسب مجوز پیش‌بینی شده است که آنرا مجوز خلاصه یا (Outline planning permission) می‌گویند. فلسفه مجوز خلاصه این است که به منظور جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه برای تهیه طرح تفصیلی، ابتدا اهداف و چهارچوب کلی طرح‌های توسعه توسط افراد یا مقاطعه کاران تسلیم مقامات مسئول محلی می‌شود و در صورتی که با کلیات آن موافقت شد اقدامات بعدی انجام می‌گردد.

کنترل توسعه روش کاملاً انعطاف‌پذیری است زیرا برنامه توسعه به تنهایی هیچ چارچوب تعهدآوری ایجاد نکرده و دست‌مقامات محلی را برای هدایت توسعه باز گذارده است.

ج - کنترل بوسیله منطقه‌بندی (Zoning Control)

منطقه‌بندی بصورت ویژه به استفاده از زمین مربوط می‌شود و اساساً بمنزله ابزاری است که کاربری‌های مجاز را مشخص کرده اطمینان حاصل می‌کند که کیفیت استفاده از اراضی در هر مجموعه شهری با یکدیگر متناسب بوده و فضای کافی برای هر نوع توسعه وجود دارد.

منطقه‌بندی امکان کنترل تراکم در هر ناحیه را فراهم می‌آورد. بنابراین امکان سرویس دهی و تأمین نیازهای عمومی نظیر خیابانها، مدارس، فضای سبز و سیستم تسهیلات زیربنایی را برای هر مجموعه مسکونی میسر می‌سازد. منطقه‌بندی از دو عنصر تشکیل می‌شود:

۱ - نقشه‌های منطقه بندی

(Zoning plan (map))

۲ - مقررات مکوب (Zoning ordinance)
اغلب مقررات و دستورالعمل‌های منطقه‌بندی به تشریح جزئیات پرداخته و مشخص می‌کنند کدام کاربریها در چه بخشی مجاز و در چه بخشی ممنوع می‌باشد. بنابراین تنها تقاضا و یا پروانه‌ای تصویب می‌شود که با مقررات منطقه‌بندی تطابق دارند عموماً مقررات منطقه‌بندی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱ - مقررات منطقه‌بندی بر اساس درجه تراکم که از حداقل تراکم مانند واحدهای مسکونی تک خانواری شروع و به تراکم‌های وسیع مانند صنایع سنگین، ختم می‌شود. این نوع کنترل که بخش‌های خاصی را به کاربریهای مسکونی، تجاری و یا استفاده‌های صنعتی اختصاص می‌دهد ثابت کرده که تا حد زیادی غیر عملی است.

۲ - منطقه‌بندی بر اساس اندازه و وسعت ساختمانها: این نوع کنترل که در مورد ساختمانهای مسکونی و تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد دارای سه هدف عمده می‌باشد:
الف: کنترل تراکم جمعیت، تولید و ترافیک.

ب: فراهم آوردن روشنایی و هوای مناسب.
ج: تأمین آسایش (خلوت) کافی، فضای باز.

۳ - منطقه‌بندی بر اساس ارتباط بین سطح زیربنای مورد نیاز در ساختمان و مساحت زمین (سطح اشغال).

۴ - منطقه‌بندی بر اساس نوع کاربریهای اصلی مانند مناطق مسکونی، تجاری و صنعتی.^۷

در سالهای اخیر در برخی کشورها روش جامعه‌تار اما انعطاف‌پذیرتری برای منطقه‌بندی مورد استفاده قرار گرفته است. تکنیک جدید بر توسعه همه جانبه پروژه‌های بزرگ تأکید دارد که بتواند گروهی از کاربریهای رقیب و خود یار را با انعطاف‌پذیری در کنار هم قرار دهد. این نوع منطقه‌بندی به طرق زیر صورت می‌گیرد:

الف - توسعه کاربریهای مختلط

(Mixed use Development)

ب - واحدهای برنامه‌ریزی شده

(Planned Unit Development)

د - کنترل بوسیله مقررات تفکیک قطعات زمین (Subdivision Control)

تفکیک عبارتست از قطعه‌بندی املاک خصوصی بر اساس مقررات و برنامه‌های توسعه که مورد تصویب قرار گرفته‌اند. مقررات کلی تفکیک در برگیرنده جزئیات اندازه و شکل قطعات زمین - عرض و طول آنها و همچنین چگونگی تأمین دسترسیها می‌باشد. با اجرای این روش همچنین ممکن است قطعات زمینی که احیاناً متعلق به مالکین خصوصی می‌باشند برای استفاده‌های عمومی اختصاصی یابند. مانند خیابانها، پارکها و غیره. در واقع هدف اساسی در چنین کنترلی عبارتست از حصول اطمینان از این که فعالیت‌های شهرسازی نیازهای جامعه به خدمات عمومی را تأمین می‌کند.

تفکیک قطعات زمین قبل از اینکه توسعه صورت گیرد یکی از اهرمهای اساسی در تعیین الگوهای ساخت محله می‌باشد. وقتی اندازه و شکل قطعات تعیین شدند، ویژگی اساسی کاربریهای زمین، الگوی خیابانها و خدمات عمومی تعیین می‌شوند. از سوی دیگر اندازه و شکل قطعات مشخص کننده کیفیت ساختاری و تراکم جمعیت می‌باشد.

ه - مقررات مربوط به ساختمانها

(Building Regulations)

مقررات مربوط به ساختمانها از رایج‌ترین اشکال کنترل توسعه زمینهای شهری است. بنای مقررات مربوط به ساختمانها عبارتست از اینکه ساختمانهای جدید باید با چه ضوابطی ساخته شوند، با کدام محدودیتها مواجه هستند و در بنای آنها از کدام مصالح ساختمانی باید استفاده شود. ضوابط و مقررات مربوط بر ساختمانها همچنین

چگونگی نگهداری و مرمت ساختمانهای موجود و قدیمی را مشخص می‌کنند.

الف - توسعه کاربریهای مختلط

(Mixed use Development)

ب - واحدهای برنامه‌ریزی شده

(Planned Unit Development)

همچنین ساختمانهایی که نباید احداث شوند، محدودیت‌هایی که در معماری و ناماسازی ساختمانها وجود دارد، ضوابطی که باید در رابطه با موقعیت و حریم ساختمان و ارتفاع و عمق آنها ملحوظ گردد، هدف از احداث ساختمان (کاربری آن) و حداقل استانداردهایی که باید رعایت شود موارد دیگری هستند که ضوابط و مقررات ساختمانی به تعریف و بیان آنها می‌پردازند.

هدف اصلی از اعمال ضوابط ساختمانی این است که اطمینان خاطر حاصل شود که از نظر اجتماعی و ایمنی ساختمان، حداقل استانداردهای قابل قبول رعایت می‌گردد. در گذشته سه دلیل مهم برای این قانونمندی ذکر شده بود:

۱ - محافظت در مقابل آتش سوزی؛

۲ - اطمینان خاطر از محکم بودن سازه؛

۳ - رعایت اصول بهداشتی.

امروزه کدها و مقررات ساختمانی نه تنها از نظر ایمنی موارد متعدد دیگری را ملحوظ می‌کنند بلکه در برگیرنده شرایط زیبایی ظاهری بناها نیز می‌شوند. ضوابط ساختمانی هر چند که خیلی مهم و اساسی هستند - مخصوصاً در جاهایی که ساخت و ساز توسط بخش خصوصی وسعت بیشتری دارد - مع الوصف محدودیت‌های آن را نباید نادیده گرفت. مشکلات فعلی عبارتند از: اعمال نفوذ مالکین ذینفع، استفاده اجباری از برخی مصالح ساختمانی و استفاده از ضوابطی که با پیشرفت تکنولوژیکی همگام نیستند. تدوین ضوابط معقول برای ساختمانها نه تنها به تجربیات محلی نیازمند است، بلکه باید بطور مداوم در معرض آزمایش و تجربه قرار گیرند.

اقتباس ضوابط ساختمانی سایر کشورها بدون هماهنگی و انطباق دادن با شرایط بومی و محلی کشور، از جهات آب و هوایی، اقتصادی و اجتماعی به هیچ وجه مطلوب نخواهد بود. حتی در داخل یک کشور اعمال ضوابط ساختمانی یکسان در مناطق مختلف آن بدون در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی، تفاوت‌های فرهنگی و غیره نتایج زیانباری را همراه خواهد آورد.^۸

۲ - مالیات پندی (Taxation)

در رابطه با ارزش زمین و مستغلات مالیات‌های متفاوتی وضع شده است. مادر اینجا به بیان دو نوع عمده مالیات می‌پردازیم که عبارتند از ۱ - مالیات بر دارایی

(Property Taxes) و

۲ - مالیات بر درآمد املاک

(Tax on land profit)

الف - مالیات بر دارایی (Property Taxes)

وضع مالیات‌های مختلف بر زمین و مستغلات هیچ گاه نتوانسته است به عنوان ابزار اساسی در رابطه با کنترل کاربری زمین عمل کند. چرا که هدف اصلی از این نوع مالیات تأمین درآمد برای شهرداریها بوده است.^۹ با وجود این، مالیات بر زمین و ساختمانها می‌تواند بموازات کمک به توزیع مجدد ثروت - هرگاه برای هر نوع کاربری زمین مالیات بخصوصی وضع شود - در رسیدن به برخی از اهداف برنامه‌ریزی نیز ابزار سودمندی باشد.

در گذشته ارزش زمین (Land Value) معیار و ملاک تعیین مالیات بر کل دارایی بود. بنابراین مالک زمین بایر به همان اندازه مالیات می‌پرداخت که مالک زمین دائر در شرایط یکسان پرداخت می‌نمود. برای ملاک قرار دادن ارزش زمین نه مستغلات و دارایی برای تعیین میزان مالیات دو دلیل به این شرح ذکر شده بود:

۱ - مالیات بردارایی و مستغلات که در برگیرنده مالیات ساختمان علاوه بر مالیات املاک می‌باشد موجب افزایش قیمت مسکن می‌شود در حالی که هرگاه مالیات فقط برای املاک وصول شود این مشکل وجود نخواهد داشت.

۲ - این کار مالکین را ترغیب می‌کند که زمین‌های خود را آباد کنند چرا که هرگاه زمین را بلااستفاده رها کنند به همان نسبت مالیات خواهند پرداخت که زمین دارای مستغلات باشد.^{۱۰}

ب - مالیات بر درآمد املاک (Tax on land profit)

مالیات بر درآمد زمین که اغلب حق مرغوبیت (Betterment levy) نامیده می‌شود مالیات بر افزایش قیمت زمین است که در اثر رشد شهری و تصمیمات برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری دولت صورت گرفته باشد.^{۱۱} سه نوع مالیات بر درآمد املاک می‌تواند وضع شود:

هرگاه هدف بازیافت هزینه‌های تاسیسات و خدماتی باشد که توسط شهرداری ایجاد شده‌اند مبنای دریافت مالیات افزایش قیمتی خواهد بود که در اثر این سرمایه‌گذاریها و تأمین خدمات عاید مالکان زمین شده است. منتهی از آنجا که محاسبه این افزایش قیمت‌ها نسبت به ارزش قبلی دشوار است معمولاً هزینه‌ها را براساس یک مبنای مالیاتی ساده مانند اندازه جلو خان یا مساحت زمین محاسبه نموده و از مالکان اراضی بصورت مالیات اخذ می‌نمایند.

شکل دوم اخذ مالیات بر درآمد املاک وقتی است که ملک مورد معامله قرار می‌گیرد و مبنای محاسبه آن تفاضل قیمت خرید و قیمت فروش می‌باشد. و شکل سوم آن وقتی است که تغییر در کاربری زمین منجر به افزایش قیمت گردیده و تحت عنوان حق مرغوبیت اخذ می‌گردد. لازمه وصول این نوع مالیاتها وجود

قوانین دقیق در رابطه با کاربری زمین می‌باشد.

۳ - دخالت مستقیم توسط دولت (Direct Action by public Authorities)

در اکثر شهرهای دنیا، افزایش فشار ناشی از رشد جمعیت و ضرورت تأمین مسکن، زمین مورد نیاز برای خدمات و تاسیسات عمومی از یکطرف و احتکار زمینهای بایر توسط مالکان خصوصی از سوی دیگر باعث شده که دولت‌ها نقش فعالی در فراهم کردن زمینهای مورد نیاز توسعه شهری ایفا کنند.

در مورد چگونگی تملک زمین توسط دولت و شهرداریها در کشورهای مختلف روشهای متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مهمترین آنها بشرح ذیل می‌باشند:

الف - ذخیره کردن زمین (Land Banking)

ذخیره کردن زمین به مفهوم خریداری و تملک زمینهایی است که در آینده برنامه‌ریزی شده و برای توسعه شهری مورد نیاز خواهند بود. هدف اساسی از این امر بدست آوردن زمینهای مناسب برای تأمین تسهیلات شهری قبل از افزایش قیمت آنهاست. این کار علاوه بر مقرون به صرفه بودن برای شهرداریها، دارای جنبه‌های مثبت زیر می‌باشد:

الف - آماده سازی زمین و خیابان کشی: قبل از اجرای پروژه‌هایی نظیر خانه سازی راحت تر و کم هزینه تر خواهد بود.

ب - این امر از تأخیری که معمولاً در اجرای پروژه‌ها در رابطه با مشکلات حل و فصل مالکیت اراضی به وجود می‌آید جلوگیری می‌کند.

ج - اگر این کار در سطحی وسیع و همراه با تکنیک‌های مناسب در رابطه با توزیع زمین توسط دولت صورت گیرد، تأثیر کاملاً مطلوبی در بازار زمین شهری خواهد داشت.

د - با مدنظر قرار دادن آهنگ رشد شهری و نیاز به زمین شهری، تصرف کردن و بدست

فهرست منابع:

1 - Courtney, J. M. (1983) "Intervention Through Land Regulation" in Urban Land Policy, Issues and opportunities, Dunkerley, H. B. (ed), Washington D. C: World Bank, P. 153 - 171.

2 - Rivkin, M. D. (1983) "Intervention Through Direct participation" in Urban Land Policy, Issues and opportunities, Dunkerley, H. B. (ed), Washington D. c, world Bank, p. 171 - 197.

3 - Breese, G. and whiteman, D. E. (1953) An Approach to urban planning, princeton, N. J, princeton university press.

4 - Roberts, M (1985) An Introduction to Town planning Techniques, London: Hutchinsson and co publisher Ltd.

5 - Keeble, L. (1969) principles and practice of Town and country planning, London. Publisher: The Estates Gazette Ltd.

6 - Leary, R. M. (1968) "Zoning" in principles and practice of Urban planning, Goodman, W. I and Freund, E. C. (ed), Washington D. C. International City Managers Association.

7 - Patterson, T. W. (1979) Land use planning Techniques of Implementation, New York: Van Nostrand Reinhold.

8 - U. N. (1975) Urban Land Use policies and Land Use Control Measures, New York: Vol VII, Global Review.

9 - Shoup, D. C. (1983) "Intervention Through Property Taxation and public Ownership" in Urban Land policy Issues and opportunities, Dunkerley, H. B. (ed), Washington D. C: World Bank, P. 132 - 152.

10 - Drabkin, D. (1979) Land Policy and Urban Growth, Oxford: pergamon Press Ltd.

11 - Kitay, M. Y. (1985) Land Acquisition in Developing Countries, Boston, MA: Gunn and Hain Publisher Inc.

12 - Archer, R. W. (1989) "Transferring the Urban Land Pooling / Readjustment Technique to the Developing Countries of Asia" in Town planning Review, 11 (3), P. 307 - 331.

13 - McAuslan, P. (1985) Urban Land and Shelter for the poor, London: International Institute for Environment and Development.

غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش دیگری است که شهرداریها برای حل و فصل مشکلات شهری توسعه و گسترش خدمات و تسهیلات به آن متوسل می‌شوند. شایان ذکر است که تبعیت توسعه شهری از یک طرح و برنامه منسجم از قبل تعیین شده و نظارت دقیق بر حسن اجرای چنین طرحهایی موارد فوق را محدود خواهد ساخت، اما به هر صورت گسترش شهرها و ضرورت بازسازی و بهسازی محلات قدیمی این امر را کاملاً ضروری می‌نماید.

د - ملی کردن اراضی شهری (Nationalisation of Urban land)

ملی کردن اراضی شهری یا نوع بخصوصی از اراضی شهری مانند اراضی موات (زمینهایی که سابقه عمران ندارند) یا زمینهای بایر (زمینهایی که در سه سال گذشته سابقه عمران نداشته‌اند) روش دیگری است که با اجرای آن دولتها مستقیماً وارد بازار زمین شهری شده و عملکرد آنرا کنترل می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ماهیت بی‌مانند زمین شهری و ضرورت دخالت دولت در کنترل و هدایت عملکرد بازار زمین شهری مورد بحث قرار گرفته از بین عاملانی که در بازار زمین شهری وجود دارند نظیر فروشندگان، خریداران، مقاطعه کاران، نقش بخش دولتی و شیوه‌های دخالت آن و اهدافی که باید تعقیب شوند اجمالاً مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعات به عمل آمده نشان داد که دخالت دولت در بازار زمین شهری نه تنها برای اجرای پروژه‌های عمرانی بلکه برای جامعه عمل پوشاندن به تصمیمات برنامه‌ریزی، تغییر کاربری زمین، مالکیت اراضی، وصول مالیات‌ها و عوارض کاملاً ضروری و حیاتی می‌باشد.

آوردن زمین (advance acquisition) از قبل، می‌تواند بعنوان ابزار سودمندی در کنترل کاربری زمین مورد استفاده قرار گیرد.^{۱۲}

ب - حوزه‌بندی زمین (Land pooling)

شکل دیگر تصرف زمین حوزه بندی یا اصلاح مجدد زمین (Land readjustment) نامیده می‌شود. در این روش دولت زمینهایی را که بصورت بی‌نظم و بدقواره تفکیک شده‌اند موقتاً بتصرف خود درمی‌آورد و پس از شبکه‌بندی منظم آنها و ایجاد تاسیسات و تسهیلات شهری به نسبت حدود مالکیت اولیه، به صاحبان آنها باز می‌گرداند. روش حوزه‌بندی معمولاً در بازسازی مناطق حاشیه‌ای شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند در حل و فصل مالکیت قطعات، تفکیک کارا و منظم قطعات زمین - تأمین کم هزینه زمین برای خدمات عمومی و کنترل عرضه زمین برای تأمین مسکن کمکهای مؤثری نماید.

در اصلاح و حوزه‌بندی، زمین به سه طبقه تقسیم می‌گردد:

۱ - زمین برای تسهیلات عمومی نظیر خیابانها، مدارس و غیره که در مالکیت بخش دولتی باقی می‌ماند و معمولاً ۱۵ تا ۲۵ درصد مساحت کل پروژه می‌باشد.

۲ - زمین‌هایی که توسط دولت به افراد فروخته می‌شود تا هزینه تاسیسات و خدماتی که فراهم شده تأمین گردد و مقدار آن در حدود ۱۵ تا ۲۵ درصد مساحت کل پروژه است.

۳ - زمین‌هایی که به مالکین اولیه بازگردانده می‌شود و مقدار آن بین ۵۰ تا ۶۰ درصد مساحت کل پروژه می‌باشد.^{۱۳}

ج - تصرف اجباری

(Compulsory Acquisition)

تصرف اجباری زمین که معمولاً در قبال معاوضه و یا پرداخت غرامت و برای اهدافی چون احداث خیابانها، پارک‌ها، مدارس و

ژئومرفولوژی مناطق خشک

دکتر محمود لاجوردی
دانشگاه شهید بهشتی

۱ - تعریف و کلیات:

«مناطق خشک که به سبب کمبود آب، خاک و پوشش گیاهی ناچیز توانایی حفاظت موثر از زمین در برابر تخریب عوامل اتمسفری را ندارند، مناطق خشک نامیده می‌شوند» تعریف بالا (منابع ۴) نه تنها برای مناطق بیابانی خشک بلکه برای مناطق نیمه خشک و کنار استپ‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در

ژئومرفولوژی مناطق خشک بخشی از ژئومرفولوژی اقلیمی است که به طور خلاصه و کلی از نگارنده در مجله رشد جغرافیا شماره ۱۰ سال سوم تابستان ۶۶ به چاپ رسیده است. اینک مهمترین بخش آن یعنی ژئومرفولوژی مناطق خشک که بررسی آن برای سرزمین مادارای ارزش فراوانی است بنظر شما می‌رسد.

این نوشتار بیشتر سعی شده که مناطق بیابانی و در رابطه با آن پروسه‌های شکل زائی^۱ بررسی گردد؛ مناطقی با ویژگی‌های خود: کمبود آب، نوسانات دمای روزانه و سالانه، تبخیر فراوان در روز، وزش باد و... در (شکل ۱) مهمترین مناطق مرفو کلیماً^۲ تیک خشک و بیابانی را می‌توان دید: صحرای آفریقا، کالاهاری، عربستان، ایران، ترکستان، مناطق مرکزی چین، مناطق مرکزی - باختری استرالیا، مناطق باختری ایالات متحده آمریکا و جنوب باختری قاره آمریکا (منابع ۱).

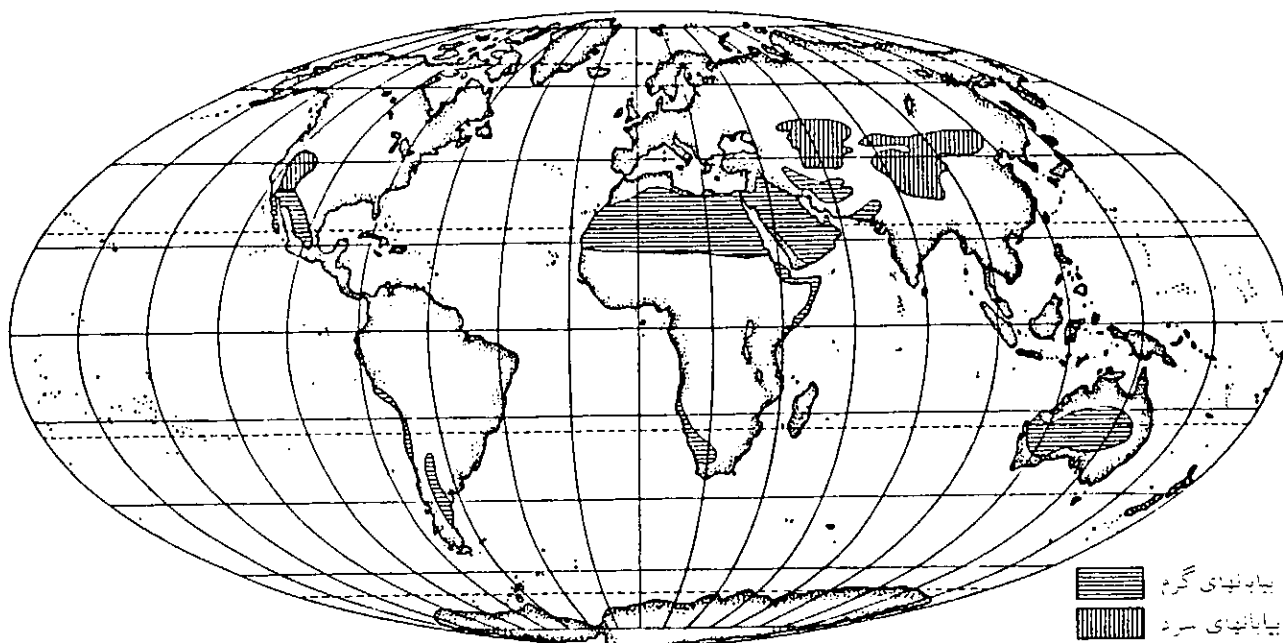
ژئومرفولوژی مناطق خشک در ارتباط با شرایط، عوامل و عناصر ویژه این مناطق مورد بررسی قرار می‌گیرد که در زیر به مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

۱ - ۱ - بارندگی:

ویژگی چشمگیر مناطق بیابانی کمبود فوق‌العاده بارندگی است که به ۲۵۰ میلی‌متر در سال نمی‌رسد. بارش باران به دو گونه: منظم، در مواقع بخصوصی از سال مانند مناطق باختری ایالات متحده که سبب بوجود آمدن پوشش گیاهی فصل می‌شود و نامنظم، در فواصل زمانی طولانی که سبب قطع موقت خشکسالی می‌گردد. نمونه بارندگی نامنظم در صحرای آفریقا است، جایی که گاه بیابان چند سال را بدون قطره‌ای آب سپری می‌نماید، فاصله طولانی بین دو بارندگی سبب نابودی رستنی‌ها و بطورکل خاک می‌گردد، آنگاه زمین در برابر بارانی ناگهانی و نامنظم و مخرب قرار می‌گیرد. بارندگی غالباً دارای شدت زیاد اما متمرکز و کوتاه مدت است. یساده‌آوری می‌گردد که تمرکز بارندگی در مناطق خشک بیشتر مربوط به فصول گرم است، درحالی‌که در مناطق نیمه مرطوب - رژیم مدیترانه‌ای - تمرکز بارندگی در فصول سرد می‌باشد (منابع ۲).

۱ - ۲ - دما:

بیابان‌های گرم با نوسانات شدید دمای روزانه که حداکثر آن در روز از ۶۰ درجه



شکل ۱- پراکنندگی مناطق مرفوکلیماتیک خشک بیابانها - از تریکارت. (منابع ۱)

بوجود می‌آورند. (شکل ۲) نمونه گویائی از وابستگی ژئومرفولوژی به ویژه شکل‌گیری آبراه‌ها به عناصر ساختمانی در دامنه‌های شرقی زاگرس را نشان می‌دهد (منابع ۲) نمونه یاد شده دربرگیرنده نکته‌های ابهامی است که تنها با بررسی ساختمانی و اقلیمی شرایط گذشته و حال می‌توان به آنها پاسخ داد.

وابستگی ژئومرفولوژی به زمین‌شناسی از یکسو و فرسایش زمین که در سال‌های اخیر در کشور ما مورد توجه قرار گرفته است از سوی دیگر، دامنه وسیعی از وابستگی ژئومرفولوژی و فرسایش به عناصر ساختمانی است که به صورت موردی و به همراه نتایج بسیار ارزنده در شرق کوه‌های زاگرس انجام شده است. (منابع ۹).

۲- بررسی‌های شکل‌زائی:

پیش از پرداختن به نقش آب و باد که عوامل اصلی در روندهای شکل‌زائی هستند ضروریست به چگونگی تخریب که توسط برسوسهای فیزیکی و شیمیایی صورت می‌پذیرد و در ارتباط با شرایط آب و هوایی

باشند. آن جا که شرایط اقلیمی اجازه دهد، گونه‌هایی بصورت علف و بوته رشد کرده و بنا بر این از فرسایش و تخریب سنگها جلوگیری می‌نمایند. جایی که خشکی هوا زیاد باشد از رستنی‌ها نیز اثری برجای نخواهد ماند و سنگی بدون پوشش موثر محافظ در برابر فرسایش و تخریب قرار می‌گیرند.

از آنچه تاکنون گفته شد پیداست که اقلیم در ژئومرفولوژی مناطق خشک، نقش اساسی را در روندهای شکل‌زائی بعهدہ دارد.

۱-۶- عناصر ساختمانی:

در میان این عناصر ویژگی‌های زمین‌شناسی، ناهمواریها از جمله لیتولوژی و وضعیت تکنونیک قابل توجه‌اند. مثلاً برونزدهای سنگی غالباً از نفوذ آب در زمین جلوگیری نموده سبب تبخیر آن می‌گردد. اما سنگ‌های متخلخل سبب نفوذ سریع آب شده و گاه می‌توانند بصورت سفره‌های زیرزمینی آب را در خود ذخیره نمایند. شرایط ویژه تکنونیک علاوه بر اینکه سبب ذخیره آب در زیر زمین می‌گردد، گاه خروج آب را از منطقه آسان نموده و در نتیجه خشکی بیشتری را

ساختی‌گراد فراتر می‌رود (در بیابان لوت دمای حدود ۶۰ درجه به ثبت رسیده است - منابع ۸) و حداقل آن در شب گاه به زیر صفر می‌رسد. بیابان‌های سرد با نوسانات قابل توجه دمای ستانه که بروودت هوا گاه از ۳۰- درجه سانتی‌گراد نیز پائین‌تر می‌رود.

۱-۳- رطوبت و تبخیر:

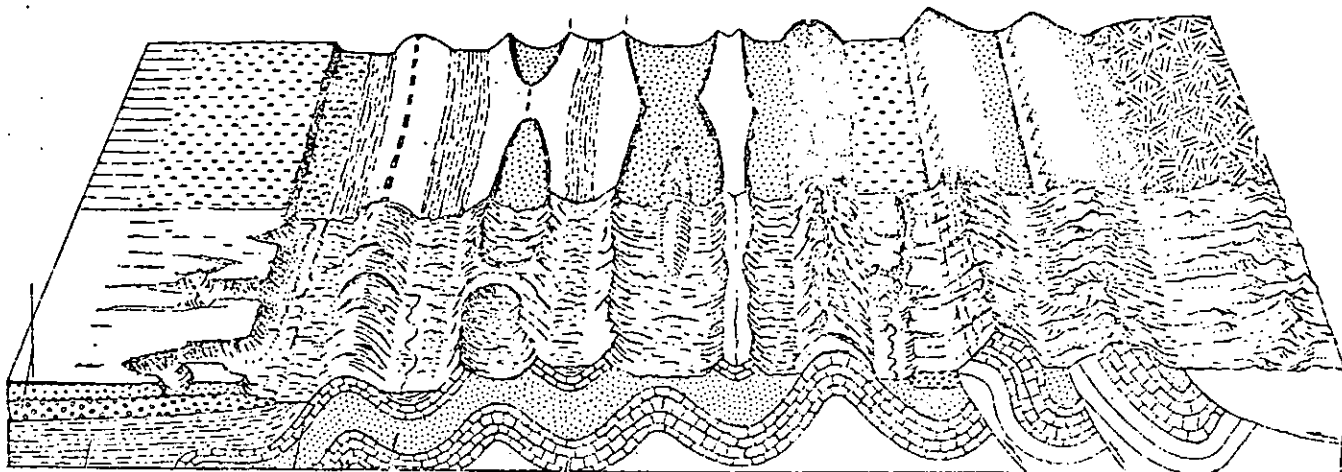
در مناطق خشک رطوبت نسبی بسیار پایین است، غالباً از ۵۰ تا ۶۰ درصد فراتر نمی‌رود؛ سبب اساس چنین وضعیتی، دمای زیاد و در نتیجه تبخیر شدید است.

۱-۴- باد:

بطور کلی باد در مناطق خشک دارای شدت و تناوب ویژه‌ای نسبت به مناطق نیمه خشک نیست (منابع ۲) محسوس بودن جابجائی و حرکات آشفته توده هوا بر روی زمین به سبب اختلاف شدید دمای زمین و هوای روی آن است. نبود یا کمبود پوشش گیاهی سبب پیوستگی باد، شدت و تاثیر آن می‌گردد.

۱-۵- پوشش گیاهی:

رستنی‌ها در برگیرنده گونه‌هایی هستند که توانائی پذیرش شرایط اقلیمی بیابانی را داشته



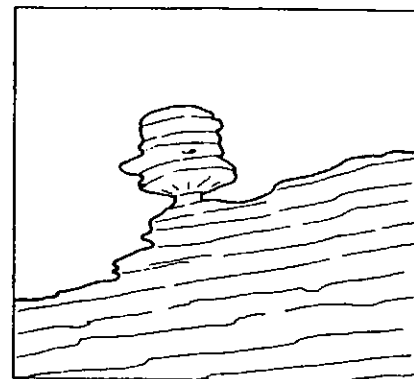
شکل ۲ - وابستگی عناصر ساختمانی به ژئومورفولوژی - کوههای زاگرس (منابع ۲)

است اشاره گردد:

- پروسه‌های فیزیکی:

عوامل مختلف اتمسفری در سیستم مرفوکلیماتیک خشک، غالباً سبب ایجاد چنین پروسه‌هایی است. در این مناطق شرایط اقلیمی و در نتیجه کمبود پوشش گیاهی و خاک، محیط مناسبی را برای رشد پدیده دما تخریبی^۲ بوجود می‌آورد که سبب پیدایش اشکال جالب توجهی می‌گردد (شکل ۳).

یخ‌زدگی - حتی در بیابان‌های گرم، هنگامیکه شرایط توپوگرافی و میزان دما اجازه دهد - عامل موثری در تخریب سنگ‌های گوناگون است. باید توجه داشت که آب در گذار از حالت مایع به جامد ۹٪ بر حجمش افزوده می‌گردد.



شکل ۳ - نمونه‌ای از پدیده دما تخریبی.

- پروسه‌های شیمیایی:

پروسه‌های شیمیایی دارای نقش فرعی اما غالباً وابسته به پروسه‌های فیزیکی هستند، بنابراین بهتر است از پروسه‌های فیزیکی - شیمیایی نام برد. نبود یا کمبود موجودات زنده گیاهی و جانوری در مناطق خشک از توسعه فعالیت‌های بیوشیمیایی جلوگیری می‌نماید.

مدت زمان کوتاه رطوبت سبب انحلال بسیاری از مواد بویژه نمکها می‌گردد، پروسه‌ای که غالباً در سطح زمین رخ می‌دهد و قشرهای آهکی، سیلیس و یا از جنس آهن و ... در سنگی برجای می‌ماند. در برخی موارد، آب غنی از نمکها در فرورفتگی‌ها تجمع نموده و سپس تبخیر آن سبب برجای ماندن پوسته سفید رنگی از املاح می‌گردد.

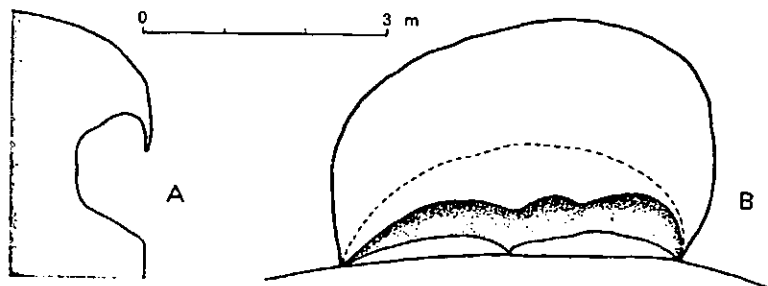
رطوبت، سبب هیدرولیز سنگ‌های

فلدسپاتی و یا سایر کانی‌ها می‌شود؛ به این ترتیب در بیابان شکل‌هایی مانند: حفره‌ها، سنگ‌هایی بشکل قارچ و انواعی از تافونی‌های^۱ فعال تشکیل می‌گردند (شکل ۴).

در سطح برخی از سنگ‌ها پوشش تیره رنگ و غالباً براقی نمایان می‌گردد که به آن ورنی بیابانی می‌گویند. جنس آن ورقه‌ای از اکسیدهای آهن و منگنز و منشأ آن از رسوب نمک‌ها یا از محلول‌هایی است که به سبب نیروی موئینگی سطح سنگ می‌رسند و یا بالاخره حاصل اکسید اسیون می‌باشد.

۲ - ۱ - عمل آب؛

در مناطق خشک، قطره باران در برخورد و با زمین دارای نیروی تخریبی زیادی است - به سبب نبودن پوشش گیاهی، شدت بارندگی و بزرگی قطره‌های باران - بطوری که خرد شدن و جابجائی مواد تخریبی با شدت بیشتری از



شکل ۴ - دو نمونه تافونی: A - تافونی دیواره‌ای B - تافونی زمینی.

سایر مناطق مرفوکلیماتیک صورت می‌پذیرد. هرز آب نیز در بیابان‌ها شدت زیادی دارد؛ بویژه در مناطق پرشیب و دامنه‌های وسیع، به سبب عدم امکان نفوذ و تبخیر قابل توجه، بر سرعت هرز آب افزوده شده و انرژی تخریبی زیادی کسب می‌نماید.

در مناطق خشک شبکه هیدروگرافی از پیوستگی زیادی برخوردار نیست، انواع شبکه بستگی به بارندگی و نوع زمین دارد (منابع ۱۰)

جریان آب نمونه این مناطق بارژیمی موقتی ولی گاه شدید، سبب تشکیل سیلابراه‌هایی می‌گردد که وادی^۵ نام دارد (شکل ۵) وادی با توجه به زمان و مکان نمایانگر شکلی از گذشته است که جریان آب آن را بوجود آورده است. در این مناطق اشکالی از پدیمینت^۶ - سطوحی با شیب کم در پای کوهها - با اینکه در مناطق پرباران فراوان‌ترند را باید مورد توجه قرار داد.

عمل مرفلزژیکی آب‌های جاری بستگی به نوع رژیم آبی - بر آبی و کم‌آبی - و سرعت

آب جاری دارد. آب با سرعت زیاد سبب فرسایش بستر و کناره‌ها می‌گردد و کاهش میزان آن سبب انباشت قابل توجه‌ای از رسوبات گوناگون می‌شود. شناسایی چنین رسوبات آبرفتی را می‌توان با گوشه‌دار بودن خرده سنگ‌ها و نیز نوعی بی‌نظمی در انباشت مشاهده نمود.

برعکس مناطق پرباران، آب‌های بیابانی غالباً به دریا راه پیدا نمی‌کنند بلکه در فرو رفتگی‌ها می‌ریزند و دریاچه‌ها و کولاب‌های موقتی را بوجود می‌آورند.

۲-۲- عمل باد؛

در مناطق مرفوکلیماتیک خشک به سبب کمبود پوشش گیاهی، باد دارای شدت بیشتری نسبت به سایر مناطق است. پروسه‌های شکل زائی وابسته به باد را باید در رابطه با سائیدگی سنگ‌ها، حمل مواد و بالاخره انباشت آنها مورد بررسی قرار داد. سائیدگی سنگ‌ها نه توسط باد بلکه بوسیله مواد همراه آن که عمدتاً منشاء تخریبی هوا زدگی و یا انباشت‌های آبرفتی دارند انجام می‌گیرد.

حمل مواد توسط باد به سه‌گونه زیر است:
- در تماس با سطح زمین، هنگامیکه مواد دارای دانه بندی درشت باشند مانند خرده سنگ‌ها،

- به صورت جهش، برای موادی از قبیل شن و ماسه،

- به صورت معلق، هنگامیکه مواد دارای دانه‌بندی ریز باشند، مانند لای و شن و ماسه ریزدانه.

- از آن جا که حمل مسود علاوه بر دانه‌بندی به شدت باد نیز بستگی دارد، بنابراین دانه‌بندی و شدت باد را باید در رابطه‌ای متقابل مورد بررسی قرار داد. باد می‌تواند مواد تخریبی را به صورت معلق در خود به مسافت زیادی حمل نماید، به عنوان نمونه: باد سالانه میلیون‌ها تن از ماسه‌های صحرای آفریقا را به سوی مناطق مدیترانه و اطلس حمل می‌نماید. نوعی از رسوبات بادی که در مناطق غیر خشک و نیز حاشیه بیابان‌ها انباشت می‌گردد لُس^۷ نام دارد. لُس‌های مناطق گرگان و دشت که قدمت آن‌ها به قبل از پیدایش انسان می‌رسد



شکل ۵ - زمین آهکی در صحرا که توسط وادی شکل گرفته است. ترسیم از روی عکس هوایی توسط شوارتز باخ. (منابع ۲).

به همراه سایر رسوبات که منشأ آن‌ها از مناطق خشک بیابانی است، زمین‌های وسیعی را در برمی‌گیرند که با توجه به شرایط مناسب اقلیمی کنونی خاک‌های حاصلخیزی را بوجود آورده‌اند (منابع ۱۱). مترادف با آب‌رفت، انباشت مواد توسط باد را می‌توان بادرفت نامید و علاوه بر دو عامل اساسی یعنی دانه‌بندی و شدت باد، چگونگی حمل مواد را که بیشتر به آن اشاره شد باید مورد توجه قرار گیرد.

۳ - چشم اندازهای بیابانی:

بیابان‌های گوناگون که در مناطق مختلف زمین پراکنده‌اند دارای چشم‌اندازهای ویژه خود هستند که در زیر به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌گردد:

— برجستگی‌های بیابانی غالباً وابسته به ساختمان لیتوژی و تکنیک منطقه هستند مانند: دامنه‌های شیب‌دار برون پوشش گیاهی، برونزدگی‌های سنگی یا پوشیده از مخروط افکنه‌ها، و بیابان‌های سنگی — سنگستان. نمونه جالب اشکال بیابانی همدا^۱ عبارتست از فلات وسیعی با سطحی گسترده از قطعه سنگ‌های گوناگون: آهکی، سنی، آذرین و ... که غالباً سطحی افقی یا شبه افقی را بوجود می‌آورند. در این بیابان‌ها (شکل ۶) می‌توان آثار پروسه‌های مرفوژیک که سبب بوجود آمدن پدیمت شده‌اند را دید (منابع ۳) بیابان‌های سنگی از مواد تخریبی — غالباً

توموکلاستیک — پوشیده شده‌اند، مواد بزرگتر و دانه درشت‌تر در سطح و دانه ریزها که همان بادرفت‌ها هستند در زیر قرار می‌گیرند.

همدا و سایر ناهمواری‌های بیابانی معمولاً توسط وادی‌ها در برگرفته می‌شوند، شیارهایی که به مرور زمان پهن‌تر شده و در تمام بیابان گسترش می‌یابند.

— در دامنه کوهستان سطح وسیعی بصورت پدیمت یا گلاسی بوجود می‌آید که می‌تواند از نوع فرسایشی، حمل یا انباشت باشد. پدیمت‌ها در ارتباط با یکدیگر سطح گسترده‌ای را بوجود می‌آورند که به آن پدیلن^۱ می‌گویند. گندوانای آفریقا را شاید بتوان نمونه قدیمی و گسترده دوره ژوراسیک یک پدیلن دانست.

— فرسایش آبی در مناطق کوهستانی سبب حمل مواد تخریبی به نقاط مسطح می‌گردد. آبرفتها و سیلرقتها و نیز مناطق پوشیده شده از موادی که حاصل تخریب آتسفری هستند و یا از انباشت آبرفت‌های قدیم برجای مانده‌اند در معرض وزش باد قرار می‌گیرند. به این ترتیب مواد ریزدانه از محل دور شده و مواد دانه درشت‌تر بصورت ریگزار — ریگستان — برجای می‌مانند و تشکیل بیابان‌هایی را می‌دهند که به آن رگ^۱ می‌گویند. هنگامی که پروسه یاد شده توسط آب صورت پذیرد، در این حالت بیابانی که از مواد آبرفتی بوجود می‌آید سریر^۱ می‌نامند (منابع ۲).

— نمونه قابل ذکر از وابستگی بیابان به

کوهستان را باید در فلات ایران مورد توجه قرار داد. بررسی رسوبات نشان می‌دهد که هر چه از کوه به سوی بیابان فاصله می‌گیریم، دانه‌بندی رسوبات که توسط آب حمل می‌گردند ریزتر است. تا اینکه در مناطق مسطح، فرورفته و مرکزی به دریاچه‌های موقتی و رسوبات بسیار ریز دانه برخوردار می‌نماییم.

آنچه که در ایران کویر نام دارد و در زبان مردم صحرا سبکا^{۱۲} یا سخا نامیده می‌شود بنام پلایه^{۱۳} نیز شناخته شده است که عبارتست از حوضه‌های خشک نمکی که از انباشت رسوبات ریز دانه تخریبی و تخریری به صورت لایه‌هایی متناوب، با توجه به رطوبت و خشکی محیط بطور گسترده، بیوسته یا بهمراه درز و ترک‌هایی چند وجهی و نیز گاه فرورفته بوجود آمده است.

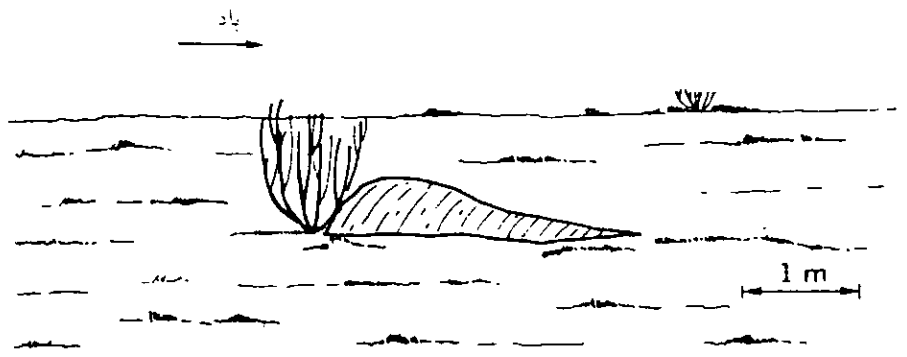
از پلایه‌های جالب ایران زمین که توسط تصاویر ماهواره‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌توان پلایه‌های قم، شیراز، تبریز را نام برد (منابع ۱۲). کویر را «زمین وسیع و شوره‌زار بیحاصل مانند کویر لوت و کویر نمک» نیز تعریف کرده‌اند (منابع ۱۳) که البته بهتر است بجای شوره‌زار از واژه نمکزار استفاده گردد، زیرا در کویر نمک‌های فراوانی یافت می‌شوند که الزاماً شور نیستند. منظور از بیحاصل، از نقطه نظر کشاورزی است، زیرا کسویرها و بیابان‌ها بویژه در کشور ما با توجه به منابع عظیم معدنی و نمکی — در صورت کاربرد دانش و تکنولوژی جدید — دارای ارزش‌های فراوانی هستند.

— هنگامی که انرژی حمل باد کاهش می‌یابد ماسه‌های بیابانی بر روی هم انباشت می‌شوند و تپه‌هایی بنام تلماسه^{۱۴} بوجود می‌آورند. تلماسه‌ها با توجه به عواملی همچون: جهت باد موانع و ... اشکالی گوناگون را ایجاد می‌نمایند مانند: نیکا^{۱۵} (شکل ۷) و بارخان^{۱۶} نیکا غالباً در مناطق استپی و نیمه بیابانی توسط مانعی از بوته گیاهی به وجود می‌آید و



شکل ۶ — همدا متشکل از سنگهای بازالتی واقع در صحرا — عکس از ولفگانگ مک‌لین. (منابع ۳).

از پوشش گیاهی؛ ۶۵ میلیون سال پیش دایناسورها که غالباً علف‌خوار بوده‌اند، در آنجا می‌زیسته‌اند و بعد زرافه‌ها، کرگدن‌ها، اسب آبی، کروکدیل‌ها و... که برخی از آن‌ها تا عصر حاضر - یعنی تازمانی که بیابان زایی و دگرگونی میکروکلیمای منطقه‌ای آغاز شد - وجود داشته‌اند. شن‌ها و سنگ‌های بیابان نیز دارای تاریخ ویژه خود هستند. بیابان آن طور که نام - بی‌آبی - آن نشان می‌دهد به مفهوم نبودن نیست، جهانی دیگر است، جهانی غنی از آثار گرانبهای گذشته مجموعه‌ای از میکروسیستم‌های حیاتی در طول زمان و با توازن غالباً ابتدایی، جاییکه پروسه تنازع بقا نقش اساسی را ایفا نموده است و دارای ابعادی از تمدن جدید است که تمدن غربی و شهری قادر به درک آن نبوده و مایوسانه آنرا لگدمال نموده است» (منابع ۵). در مناطق بیابانی آثار سیستم‌های مرفوکلیماتیک گذشته را می‌توان یافت، اشکالی که غالباً مربوط به دوره‌های سیلابی پله‌ایستوسن و نیز دوره‌های گرم و مرطوب گذشته می‌شوند - در ایران بیش از ۶۰ کویر وجود دارد (منابع ۷) که غالباً مربوط به دوره‌های یاد شده در بالا هستند - در بیابان‌هایی که در گذشته با بارندگی‌های زیادی همراه بوده‌اند، شبکه‌های هیدروگرافی تشکیل گردیده که بسیاری از آنها تا به امروز همچنان دست نخورده بر جای مانده‌اند. برای شناسایی آن‌ها باید به شکل بریدگی دره‌ها و بستر کنونی آن‌ها توجه داشته باشیم. آغاز تشکیل بسیاری از اشکال کنونی در



شکل ۷ - نیکا

برجستگی‌های طولی به موازات باد از یکدیگر جدا می‌گردند. نمونه بسیار جالب، گسترده و بینظیر یاردانگ را می‌توانیم در بیابان لوت که سطحی نزدیک به ده هزار کیلومتر مربع را در بر می‌گیرند و بنام کلوت شناخته شده است مورد توجه قرار دهیم (شکل ۹). بلندی کلوت‌ها در لوت به ده‌ها متر می‌رسد و جهت آن شمال باختری - جنوب خاوری یعنی در جهت باد غالب است که با شدت زیاد و به مدت دو تا سه ماه تابستان در این منطقه می‌وزد. در تشکیل کلوت‌های لوت علاوه بر باد نقش آب را در به وجود آوردن آن‌ها نباید فراموش کرد، به طوری که کلوت‌ها را می‌توان نوعی فرسایش آبی - بادی نامید (منابع ۸).

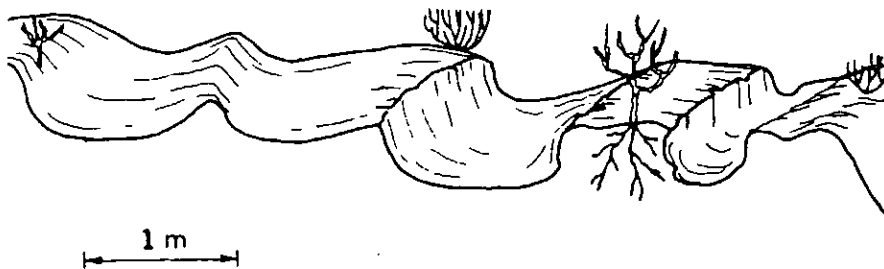
۴ - تاریخ بیابان:

بررسی بیابان‌ها به ویژه صحرای آفریقا نشان می‌دهد که: «صحرای قبل از بیابان سبز بوده است، غنی

ابعاد آن از چند متر فراتر نمی‌رود. بارخان بیشتر در بیابانهای سنگی و شنی دیده می‌شود؛ شکل آن کمانی و محدب در جهت باد است و بلندی آن به چندین متر می‌رسد. نوع دیگر تلماسه کمانی اما مقعر در جهت باد وجود دارد که به شکل نعل اسب است. چنانچه تلماسه به شکل S ماریچی باشد در زبان مردم صحرا به آن سیف^{۱۷} (شمشیر) می‌گویند. تداوم سیف‌ها شکل دندان‌داری به وجود می‌آورد که سیلک نامیده می‌شود و اشکال مرکزی از تلماسه‌ها شکل هرمی یا ستاره‌ای را قورد^{۱۸} می‌نامند. به طور کلی چنانچه تلماسه‌ها عمود بر جهت باد باشند آنها را عرض و چنانچه در جهت باد غالب قرار داشته باشند آن‌ها را طولی می‌گویند.

تلماسه‌ها چشم‌انداز بیابانی ویژه‌ای به صورت دریایی از امواج شنی بوجود می‌آورند که به زبان مردم صحرا ارگ^{۱۹} نامیده می‌شود. بسیاری از تلماسه‌ها متحرک هستند اما برخی نیز دارای ثبات نسبی در طول زمان می‌باشند و سنی نزدیک به سن انسان کنونی دارند.

- نوعی فرسایش مکانیکی توسط باد صورت می‌پذیرد که قابل مقایسه با نمونه‌های فرسایش رودخانه‌ای است. این نوع فرسایش سبب شکل‌گیری شیارها و دالان‌هایی بر روی رسوبات رسی - شنی می‌گردد؛ نمونه جالب آن یاردانگ^{۲۰} است (شکل ۸) که به صورت شیارهای موازی یا شبه‌موازی توسط



شکل ۸ - یاردانگ

۱۸ - Ghurd - واژه‌ایست بزبان مردم صحرا

۱۹ - Erg - واژه‌ایست بزبان مردم صحرا

۲۰ - Yardang - واژه‌ایست بزبان مردم ترکستان

منابع مورد استفاده:

1 - Panizza M. Elementi di Geomorfologia 1978 Bologna.

2 - Castiglioni G.B. Geomorfologia, UTET. Torino 1982.

3 - Herbert. L. Allgemeine Geomorphologie W.D. G 8 co Berlin 1968

4 - Tricart J. Cailleux A: Traité de geomorphologie vol 4.

5 - M. Baistrocchi. Antiche civiltá del Sahara. Milano, 1986.

۶ - ژان تریکار، اشکال ناهمواری در نواحی خشک ترجمه دکتر مهدی صدیقی - دکتر محسن بورکرمانی انتشارات آستان قدس.

۷ - ژنومرفولوژی کاربردی - دکتر حسن احمدی - انتشارات دانشگاه تهران

۸ - گزارش‌های جغرافیایی - شماره ۷ - آبان ۱۳۵۰ - دکتر فرج‌الله محمودی - موسسه جغرافیای دانشگاه تهران.

۹ - پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی رابطه ژنومرفولوژی با فرسایش...» سال ۱۳۷۱

نصرت‌الزمان علیکاهی - گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی.

۱۰ - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۹ سال ۱۳۶۷ دکتر محمود لاجوردی انتشارات آستان قدس.

۱۱ - گزارش زمین‌شناسی شور دره در حوزه آبخیز سد وشمگیر سال ۱۳۶۴ دکتر محمود لاجوردی سازمان جنگل و مراتع

۱۲ - رشد آموزش جغرافیا شماره ۹ سال ۱۳۶۶

۱۳ - فرهنگ ۶ جلدی دکتر محمد معین جلد سوم صفحه ۳۱۳۹.



شکل ۹ - تصویر ماهواره‌ای کلوت در بیابان لوت (از ارتفاع ۹۰۰ کیلومتری زمین). مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰۰

بیابان‌ها وابسته به دگرگونی‌های اقلیمی بویژه در زمان بعد از یخبندان گذشته یعنی زمان تشکیل سیلاب‌ها بوده است.

در گذشته نه چندان دور بیابان‌ها شرایط آب و هوایی متفاوتی را پشت سر گذاشته‌اند که در روندهای شکل‌زایی کنونی تاثیر فراوانی داشته‌اند.

آثار جنگل در بیابان‌های آریزونا و تگزاس، انواعی از گونه‌های گیاهی موجود در صحرا (منابع ۶) کشف تکه‌هایی از تخم شترمرغ در لوت مرکزی (منابع ۸) و... نمایانگر شرایط متفاوت گذشته است.

زیرنویسها

Morphogenetic - ۱

Morphoclimatic - ۲

Thermoclastic - ۳

۴ - Tafoni واژه محلی مردم جزیره کُرس

۵ - Ued-Vadi واژه‌ایست عربی که بزبان مردم صحرا انرژی گفته می‌شود.

۶ - Pediment واژه‌ایست انگلیسی معادل کلاسی فرسایشی در زبان فرانسوی.

۷ - Löss واژه‌ای آلمانی که بصورت Loess نیز نوشته می‌شود.

۸ - Hammada - Hamada واژه‌ای است بزبان مردم صحرا.

۹ - Pediplan

۱۰ - Reg واژه‌ایست عربی

۱۱ - Serir واژه‌ایست عربی

۱۲ - Sebka - Sebka واژه‌ایست بزبان مردم صحرا.

۱۳ - Playa - واژه‌ایست بزبان انگلیسی

۱۴ - Dune - واژه‌ایست هلندی

۱۵ - Nebka - واژه‌ایست عربی

۱۶ - Barkhan واژه‌ایست ترکمنی

۱۷ - Seif - واژه‌ایست بزبان مردم صحرا

نقش

تکنولوژی آموزشی در آموزش جغرافیا

(چرا، چگونه)

سید منصور مرعشی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

رشد آموزش جغرافیا قرائت و بهره‌گیری همکاران محترم، به‌ویژه دبیران و آموزگاران را از مطالب مقاله زیر، به جهت کاربرد در کلاسهای جغرافیا توصیه می‌نماید، امید است نویسنده مقاله ارائه‌شده متونی از این دست را استمرار بخشند، تا ما نیز بتوانیم برای همکاران خود منعکس نماییم. یادآور می‌شود که مطالبی این چنین از جهت نوبت چاپ در اولویت قرار دارند.

آموزش جغرافیا باید در این دنیایی که به واسطه مطبوعات، سینما و مسافرتها، نسل جوان را در هر لحظه مورد هجوم قرار می‌دهد، اندکی نظم ایجاد کند و شاگردان ما را برای نگاه کردن تصویر به صورتی هوشمندانه و فایده‌بخش تربیت کند. «لونی پورشه»

برخی گفته‌اند که هدف از آموزش جغرافیا، آماده کردن انسان برای زندگی در دنیای نو است زندگی در دنیای نو و یا تلاش برای ساخت دنیایی نو، نیازمند درک و شناخت محیط و محل زیست انسان است. شاید

ساده‌ترین راه‌حلی که به ذهن خطور می‌کند رفتن به محیط‌های مختلف و حضور شخصی در آنها باشد، یعنی مشاهده از آنجا که مشاهده مبنای تحقیقات جغرافیایی است از دیر زمان جغرافیدانان در مورد اهمیت آن مطالب بسیاری به رشته تحریر درآورده‌اند و مشخصات و ویژگیهای مشاهدات توصیفی و علمی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. اما باید گفته شود که همین ساده‌ترین راه‌حل ذهنی، مشکل‌ترین راه‌حل عملی است؛ چرا که همواره امکان برقراری گردشها و سفرهای

علمی وجود ندارد. با این حال عدم دسترسی نمی‌تواند مانعی در کار آموزش جغرافیا باشد. اینجاست که تکنولوژی آموزشی به کمک جغرافیا آمده و هر منطقه جغرافیایی را که مورد نظر باشد به کلاسهای آموزش جغرافیا می‌برد.

تکنولوژی آموزشی چیست؟

«دایرة المعارف تعلیم و تربیت در ضمیمه منتشره خود در سال ۱۹۸۹، تکنولوژی آموزشی را به عنوان یک رشته علمی و یک حرفه، دارای سه جنبه یا سه بُعد معرفی می‌کند: جنبه یا بُعدی که بر رسانه‌های جدید و استفاده از آن در امر آموزش و یادگیری تأکید دارد و از این جنبه تکنولوژی آموزشی به تمام وسایل و ابزارها و رسانه‌هایی گفته می‌شود که امر آموزش و یادگیری را آسان می‌کنند. همین جنبه را بُعد «سخت افزاری» نیز می‌توان نامید.

جنبه دوم به فراگردها یا روشهای طراحی نرم‌افزار و یا نرم‌افزاری که به یادگیری بهتر می‌انجامد گفته می‌شود مانند آموزش برنامه‌ریزی شده. از این جنبه و دیدگاه، تکنولوژی آموزشی مجموعه روشها و فراگردهایی است که در طرح، اجرا و ارزشیابی آموزش به کار گرفته می‌شوند. (بُعد نرم‌افزار)

جنبه سوم بر ویژگی حل مسأله و مشکل تأکید دارد. به عبارت دیگر در صورت بروز مشکلی در یک نظام آموزشی اعم از کوچک یا بزرگ و یا در صورت وجود نیازهای آموزشی در یک محیط خاص، تکنولوژی آموزشی

با نگرشی مبتنی بر نگرش سیستمی به تبیین مشکل می‌پردازد و با توجه به عوامل متعددی که می‌تواند در حل مشکل مورد نظر دخیل باشد برای رفع آن نیاز و یا حل آن مشکل اقدام می‌کند. از این جنبه تکنولوژی آموزشی مجموعه روشها و استراتژی‌هایی است که با یک دید سیستمی برنامه‌های آموزشی را تجزیه و تحلیل می‌کند و پس از یافتن مشکلات و علل آنها به ارائه راه حل برای رفع موانع و

حل معضلات می‌پردازد.^۱

«ضرورت استفاده از رسانه‌های آموزشی»

در این مقاله هرکجا که صحبت از تکنولوژی آموزشی می‌شود منظور بعد اول آن یعنی رسانه‌های آموزشی است.

«در دنیایی که هر روز پیچیده‌تر می‌شود دانش‌آموزان نیازمندند که بیشتر و بهتر درباره محیط خود بیاموزند و چون آموختن از طریق تجربه امکان‌پذیر است در مواردی که برخورد مستقیم شاگرد با شیئی یا پدیده آموختنی وجود ندارد نحوه تدریس پیچیده‌تر می‌گردد. هر اندازه دانش‌آموزان در طول زندگی خود تجارب بیشتری را به دست آورده باشند بهتر و با موفقیت بیشتری قادر خواهند بود ادراکات خود را افزایش دهند. بنابراین با استفاده مدبرانه و صحیح از تکنولوژی آموزشی باید امکانات بیشتری را در اختیار شاگردان قرار داد تا تجارب بیشتری را کسب کنند.»^۲

از نظر اهمیت استفاده از تکنولوژی آموزشی در امر آموزش باید گفت: «یک ساعت درس باید طوری جالب و گیرا باشد که یادگیرنده به هیچ‌وجه احساس بی‌میلی و خستگی نکند. البته ایجاد تنوع هدف نیست و تنوع خود می‌تواند بدآموز باشد و موجب عادت شود. بلکه اصل درس بایستی آموخته باشد و شاگردان احساس کنند که چیزی بدست آورده‌اند.»^۳

استفاده صحیح و بسجا از تکنولوژی آموزشی گرچه درست و اصولی است ولی باید موارد استفاده از آن ضروری باشد در غیر این صورت کار تدریس و آموزش «وابستگی ذهنی» را موجب می‌شود و به جای تفکر، دانش‌آموز را جویده‌خوار می‌سازد در حالی که دقت کردن و اندیشیدن اصل یادگیری است.

بخش عمده مطالبی که از یک درس فرا گرفته می‌شود و به یاد می‌ماند حاصل شنیدن، دیدن و تمرین‌های عملی است. همین امر دلیل استفاده از اصول و تکنیک‌های جدید و روش‌های ارتباطی در آموزش را برای ما روشن

می‌کند. «سیاری از روانشناسان معتقدند که درصد یادآوری و یادگیری مطالب هنگامی که حواس مختلف زیر به کار گرفته می‌شود تفاوت می‌کند:

بینائی ۷۳٪

شنوائی ۱۳٪

لامسه ۶٪

بویائی ۳٪

چشائی ۳٪^۴

با توجه به درصدهای فوق آیا واقعاً بسیاری از آنچه را که ما درباره جغرافیا، نمی‌بینیم و فقط مطالبی درباره آنها می‌شنویم در خاطر ما خواهند ماند؟

هر یادگیری تا حد یادی به زندگی فعلی یادگیرنده وابسته است. یعنی فراگیر فقط می‌تواند شرایط زمانی و مکانی زندگی موجود خود را درک کند. از همین رو تجربیات وی نیز محدود به محیط اطراف خود می‌شود. «مثلاً فردی که در قاره آفریقا زندگی می‌کند به طور مسلم تجربه مستقیمی از طرز زندگی مردم امریکا ندارد. در چنین شرایطی دیدن یک فیلم از طرز زندگی مردم قاره‌های دیگر به طور مستقیم می‌تواند یادگیری را تقویت کند و در اینجا نقش تکنولوژی آموزشی به خوبی معلوم می‌شود»^۵

ارائه لیست کاملی از دلایل استفاده از تکنولوژی آموزشی در آموزش جغرافیا در این مقاله نمی‌گنجد با وجود این می‌توان چند مثال در این مورد ارائه کرد:

الف: جغرافی چشم‌اندازها:

بر اساس یک تعریف، جغرافی عبارت است از «معین ساختن مکان، توصیف نمودن، شرح دادن و مقایسه کردن»^۶. اگر تعیین موقعیت و مکان بتواند بر روی نقشه‌ای دیواری صورت پذیرد، توصیف و تشریح باید مبتنی بر رؤیت چشم‌انداز باشد و مقایسه بر اساس چند تصویر صورت پذیرد. جغرافیا تشریح دنیایی است که ما را احاطه کرده حال اگر مقصود از

این دنیا، محیط زیست پیرامون ما باشد می‌توان آنرا به صورت مستقیم درک کرد و اگر مقصود محیط و چشم‌اندازهای دور دست‌تر باشد، به وسیله تکنولوژی آموزشی می‌توان با آنها آشنا شد. اگر شرح دادن، عبارت است از برقرار کردن رابطه بین عوامل مختلف طبیعی، میان عوامل طبیعی و انسانی و میان عوامل مختلف انسانی که منجر به آفریدن این چشم‌اندازها شده‌اند، «اسلاید» می‌تواند این نقش تحلیلی را که برای فهم پدیده‌های جغرافیایی لازم است، برعهده گیرد.

به این ترتیب بررسی اقلیمها در کلاسهای مقطع راهنمایی باید قطعاً بر مبنای مقایسه نمودارهای بارندگی و دما صورت پذیرد. اما اگر بخواهیم کار جغرافیایی کنیم، یعنی اگر بخواهیم سخنان ملموس باشند و به ارائه آمارهای انتزاعی بسنده نکنیم، درس خود را با نشان دادن سه اسلاید به دانش‌آموزان آغاز می‌کنیم که سه ناحیه اقلیمی ایران را که به خوبی تعیین مکان شده‌اند نمایش می‌دهند؛ اول ناحیه بیابانی و نیمه بیابانی، دوم ناحیه معتدل کوهستانی و سوم ناحیه معتدل خزری.

مطلب را با توصیف این منظره‌ها آغاز خواهیم کرد و سپس آنها را شخصاً با کمک آمارهای اقلیمی شرح خواهیم داد. مقایسه میان این سه منظره که با مقایسه سه نمودار نوعی مربوطه به آنها همراه می‌شود فهم اختلافهای میان سه منطقه را ممکن می‌سازد.

ب: مفاهیم اولیه جغرافیا:

در کلاسهای ابتدایی، برای فهماندن برخی از مفاهیم اولیه چون مفهوم «جزیره» اگر عکسبرداری هوایی نتواند برداشت نخستینی از آن ارائه دهد مسلم است که تنها فیلم می‌تواند ملموس ساختن شرح انتزاعی تعبیر «قطعه خشکی که از هر سو با آب احاطه شده است» را ممکن سازد. به همین نحو، مفاهیمی که فهم آنها دشوار است، همچون کرویت زمین یا گردش آن بر گرد خورشید، به کمک فیلم، که

رؤیت چرخش زمین را توأمأ بر گرد خود و بر گرد خورنید ممکن می‌سازد، ملموس می‌شوند. آنگاه اثرات این حرکات بر روی فصول و طول روز و شب آسان‌تر فهمیده می‌شوند.

چگونه از تکنولوژی آموزشی در آموزش جغرافیا استفاده کنیم؟

برای استفاده کردن از تکنولوژی آموزشی دو صورت وجود دارد. صورت اول معلم در مرکز کار باقی می‌ماند و از تکنولوژی آموزشی به عنوان کمک معلم استفاده می‌شود. این استفاده معلم محور از تکنولوژی آموزشی است. در صورت دوم مرکز توجه از معلم به سوی دانش‌آموزان منتقل می‌شود و می‌کوشد آنچه را که روشهای فعال می‌نامیم به کار بیند.

الف: استفاده معلم محور:

در کلاسی که در آن معلم از تکنولوژی آموزشی به عنوان کمکی برای کلاس خود استفاده می‌کند می‌توان موقعیتهای مختلف دخالت تکنولوژی آموزشی را از یکدیگر تمیز داد که از آن میان می‌توان به: انگیزش، پایه درس، کنترل و ترکیب اشاره کرد.

انگیزش: انگیزش اولین مرحله آموزش می‌باشد. اگر ما نتوانیم در دانش‌آموز انگیزه ایجاد کنیم، بقیه مراحل یادگیری و آموزش بخوبی انجام نمی‌گیرند. این انگیزه می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. به این ترتیب می‌توان تصمیم گرفت که قبل از شروع درس فیلمی را نشان داد. فیلم باید پرسشهایی را به وجود آورد که پاسخ آنها با جستجو در کتاب داده خواهد شد و درس به این ترتیب به صورت پیشرونده شکل خواهد یافت. در مورد انگیزش خارجی نیز باید گفت که فیلمهای بسیاری در مورد مکانهای جغرافیایی در تلویزیون نمایش داده می‌شود. دانش‌آموزان این فیلمها را می‌بینند. باید از این رسانه‌ها که قابل دسترسی هستند، استفاده کرد. اما ایرادی که غالباً گرفته می‌شود

مسأله گنجاندن این سودمندی بیگانه با برنامه آموزشی در امر تدریس است.^۷

هدف جغرافیا توضیح چشم‌اندازهایی است که ما را احاطه کرده‌اند یا بوسیله رسانه‌ها نشان داده می‌شوند. نظمی که برطبق آن این چشم‌اندازها ارائه می‌شوند اهمیت اندکی دارد، آنچه مهم است شرح روابط مختلفی است که در چشم‌اندازها دخالت دارند.

به این ترتیب معلم جغرافیا در ابتدا نباید بخواهد که تحلیل‌گر باشد (با شرح دادن فصل به فصل جغرافیا، مثلاً جغرافیای ایران). وی باید تصویرهای ارائه شده به وسیله رسانه‌ها را در کلیت و به حالت ترکیبی بپذیرد، سپس آنها را تحلیل کند و بعد مجموعه آنها را در ترکیبی جدید سامان بخشیده و ارائه کند.

پایه درس: ارائه طرح درس بر مبنای اسلایدها به معنی نمایش دادن چندین تصویر و بررسی تنها تعدادی از آنها نیست. در مثال آموزش اقلیمها نیز گفته شد که فقط سه اسلاید کافی است. این نکته نشانگر آن است که این اسلایدها تا چه اندازه باید با دقت انتخاب شوند و توضیحات تا چه حد باید از پیش آماده شده باشند.

ترکیب: «به منظور بالا بردن کارایی رسانه‌ها باید آنها را توأمأ به کار گرفت. برای این کار می‌توان وسایل مختلف را به توالی یا به طور همزمان مورد استفاده قرار داد. مسأله اساسی این است که وسایل گوناگون، اثرات کاربردی یکدیگر را افزایش دهند و در جهت دستیابی به هدفهای درس مورد استفاده قرار گیرند. مثلاً ممکن است بخواهیم تصویر یک منطقه را نشان دهیم و سپس نقشه آن منطقه را نمایش دهیم و در پایان جریان مسافرت به آن نقطه را با پخش یک نوار توصیف کنیم و با بخواهیم هر سه مرحله را توأمأ انجام دهیم. یعنی در ضمن پخش نوار می‌توان آنچه را که گفته می‌شود در روی نقشه و تصویر نیز نشان دهیم»^۸

چنانچه معلمین از خود ابتکار بخرج دهند و

هراسی در دل نداشته باشند محدودیتی برای استفاده از وسایل وجود ندارد. معلمین از هر وسیله‌ای می‌توانند استفاده کنند، تنها باید این وسایل تأثیر یکدیگر را افزایش دهند و در جهت دستیابی به هدفهای آموزشی عمل کنند. اما اگر وسایلی را که استفاده می‌کنند با یکدیگر همخوانی نداشته باشند و یا با هم آموزش را کامل نکنند بیشتر از آنکه مفید واقع شوند باعث بروز سردرگمی و اشتباه در دانش‌آموزان خواهند شد.

ب. روشهای فعال:

تعریف روشهای فعال را می‌توان در عبارت «یادگیری با فعالیت و پی‌گیری و کشف» خلاصه کرد. یعنی یادگیری وقتی درست انجام خواهد گرفت که دانش‌آموز شخصاً به فعالیت و جستجو و کشف مجهول و یا راه حل نهایی مسأله و مشکل پردازد. قطعاً تجربه ارائه اسلایدهایی به یک دانش‌آموز برای مصور ساختن یک گزارش خالی از سودمندی نیست. اما آیا در اینجا می‌توانیم حقیقتاً از روشهای فعال سخن گوئیم؟ آیا به این دلیل که اسلایدها توسط معلم ارائه می‌شود به روش کار لطمه نمی‌زند و اگر قبل از فراگیری، مطالب مربوط به تصویرها قرائت نشده باشند، چه دلایلی برای انتخاب اسلایدها باقی می‌ماند؟

هنگامی که مجموعه‌ای از اسلایدهای جغرافیایی را به دانش‌آموز نشان می‌دهیم تا مثلاً بین رودخانه‌های ایران ارتباطی را پیدا کند، دانش‌آموز نه تنها باید اطلاعات اولیه جغرافیایی لازم برای تهیه متن را بداند، بلکه باید عناصر و روشهای خواندن تصویر را نیز بشناسد. تنها آن زمان است که خواهیم توانست از نوعی استقلال در دانش‌آموز سخن گوئیم و می‌توانیم بگوئیم که شادمانی کشف برای دانش‌آموز ساختگی نخواهد بود. تنها با این شرط است که تکنولوژی آموزشی قادر خواهد بود تغییری را در نگرشهای آموزشی ایجاد کند.



اِنَّاللّٰهَ وَاِنَّالِیَّهَ رَاجِعُونَ

در آخرین روزهایی که صفحات مجله را می‌بستیم، اطلاع یافتیم که جناب آقای دکتر احمد مستوفی استاد قدیمی گرانمایه و دانشمند جغرافیا، دار فانی را وداع گفته و به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. هیئت تحریریه رشد آموزش جغرافیا این ضایعه اسفناک را به جامعه جغرافیدانان ایران، فرهنگیان، دانشجویان و بخصوص به خانواده ارجمند و بازماندگان شان تسلیت عرض می‌نماید و برای آن استاد فرزانه بخشش و آمرزش ابدی از خداوند بزرگ مسئلت دارد.

اگر تکنولوژی آموزشی را درست بشناسیم و آنرا آگاهانه به کار گیریم، کلید بسیاری از مشکلات آموزشی را خواهیم یافت، زیرا تکنولوژی آموزشی روش طراحی، اجرا و ارزشیابی کل فرایند تدریس و یادگیری است.

زیر نویسها:

- ۱ - مجله دانشمند، ویژه‌نامه تکنولوژی آموزشی، ۱۳۷۰، ص ۶
- ۲ - مجدفر، مرتضی. ۱۳۷۱، ص ۹
- ۳ - کالاهان، جوزف. اف و دیگران، ۱۳۶۸، ص ۳۹۳
- ۴ - احدیان، محمد. ۱۳۶۹، ص ۳۹
- ۵ - کنعانی، مسعود و دیگران، ۱۳۷۱، ص ۶۳
- ۶ - پورشه، لونی، ۱۳۶۶، ص ۵۳
- ۷ - همان منبع، ص ۶۰
- ۸ - کالاهان، جوزف. اف و دیگران، ۱۳۶۸، ص ۴۲۰
- ۹ - پورشه، لونی، ۱۳۶۶، ص ۶۳

منابع:

- ۱ - احدیان، محمد. مقدمات تکنولوژی آموزشی، انتشارات بُسری، چاپ سوم، ۱۳۶۹
- ۲ - پورشه، لونی. به سوی آموزشی دیداری و شنیداری، ترجمه پیروز سیار، انتشارات سروش، ۱۳۶۶
- ۳ - کالاهان، جوزف اف، کلارک، لئونارد اج. آموزش دوره متوسطه، ترجمه جواد طهوریان، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸
- ۴ - کنعانی، مسعود، علی اکبر تهرانی، مهندخت. مقدمه‌ای بر تکنولوژی آموزشی، انتشارات خراسان، ۱۳۷۱
- ۵ - مجدفر، مرتضی. تکنولوژی و تکنولوژی آموزشی، انتشارات انیس، ۱۳۷۱
- ۶ - مجله دانشمند، ویژه‌نامه تکنولوژی آموزشی، شهریور ۱۳۷۰

در گذشت ریچارد هارتشورن "Richard Hartshorn"

اولین بار که با نام هارتشورن آشنا شدم، سال ۱۳۵۳ بود، کلاس درس فلسفه جغرافیا که استاد گرامی جناب آقای دکتر حسین شکونی تدریس آن را به عهده داشتند بحث در مورد تعاریف جغرافیا بود و استاد جغرافیا را از دید هارتشورن چنین تعریف کردند «جغرافیا مشخصات متغیر مکانی از مکان دیگر سیاره زمین را به عنوان جایگاه انسان مطالعه می‌کند». و سپس اشاره داشتند به اثر ارزنده و جالب او تحت عنوان «ماهیت جغرافیا» (The Nature of Geography).

این دوران سپری گشت و شناخت ما از هارتشورن به تعریف او از جغرافیا و اثر ایشان محدود گردید. تا اینکه در دوره تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) با گذراندن دروسی چون انسان و محیط، ایدئولوژی انسان و محیط، شناختمان از هارتشورن بیشتر گردید و بیش از پیش با شخصیت و دیدگاه او آشنا شدیم و بالاخره با دیدن یکی از شماره‌های اخیر مجله جغرافیا* و مقاله‌ای تحت عنوان "Richard Hartshorn; A note on his life & times" اینجانب را بر آن داشت تا جهت تکمیل شناخت و ادای دین به خلاصه‌ای از ترجمه مقاله فوق اکفا کنم و با تاکید استاد گرامی جناب آقای دکتر شکویی، این انگیزه قوت گرفت و اینک اجمالی از «یادداشتی بر زندگی و عصر هارتشورن» به همراه آموخته‌های دیگر در مورد ایشان را تقدیم پژوهشگران، دانشجویان و اساتید می‌نمایم. باشد که این مختصر بتواند به غنای

ادبیات جغرافیایی کشور کمک نماید.

ریچارد هارتشورن که امریکایی‌الاصیل است در سال ۱۸۹۹ متولد شد و پس از ۹۳ سال زندگی در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۲ در مدیسن ویسکانسین بدرود حیات گفت. جائیکه او پیش از ۵۰ سال از عمرش را در راه اعتلای علمی گروه جغرافیای آن دانشگاه سپری کرده بود. هارتشورن به عنوان یکی از سمبل‌های جغرافیای عصر همبولت و ریتز، کمک شایانی در اعتلای علم جغرافیا بویژه در امریکای شمالی داشت او را به حق می‌توان یکی از صاحبان اندیشه، فکر و مکتب جغرافیای کلاسیک دانست که با اعتقاد به یکی از چهار مکتب ماندگار در جغرافیا - تفاوت‌های مکانی، ناحیه‌ای - ساخت ناحیه و تفاوت‌های ناحیه‌ای - مکانی را اساس تحقیق به بررسی و قلمرو علم جغرافیا می‌دانست.

هر چند او با استفاده از روشهای جغرافیایی هنتر به توسعه مفاهیم جغرافیای امریکا کمک کرد و متاثر از هنتر بود و از این طریق به آوازه و شهرت رسید، لیکن با انتشار کتاب تحت عنوان «ماهیت جغرافیا در سال ۱۹۳۹، متمایز وی را به سایر جغرافیدانان امریکایی بیش از پیش مشخص کرد و بدین ترتیب از او چهره‌ای تا حدودی بی‌بدیل در میان جغرافیدانان امریکای شمالی ساخت تا آنجا که گفته می‌شود، فلسفه جغرافیا در قرن بیستم تا حدود زیادی مدیون او است. ایشان زمانیکه به انتشار اثر فوق دست زدند، حدود ۴۰ سال داشتند. او در این اثر

ضمن انتقاد به روشهای آموزش جغرافیا در گذشته و وضعیت آن روز، به جغرافیای زمان خود و روش آموزش جدید توجه لازم را مبذول داشتند و بدین ترتیب توانستند در عصر خود یک شیوه و مستدلوزی - روش شناختی - جدیدی از جغرافیا را مطرح نمایند.

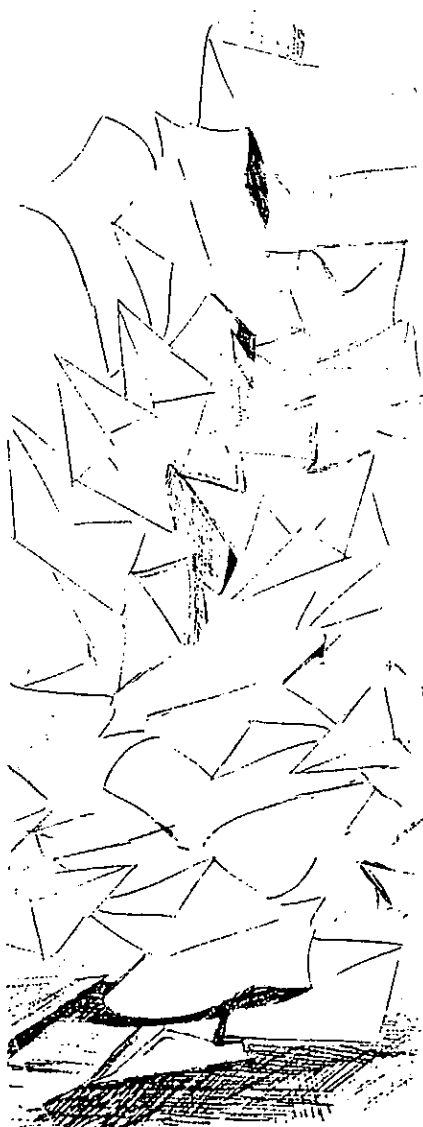
شخصیت انعطاف‌ناپذیری او و انتقاد ناپذیری‌اش، بی‌بدیل بودن اثر ارزنده و جالب او در آن دوره از سوی دیگر موجب گردید که کمتر کسی از جغرافیدانان، جسرات نقد و بررسی آثارش را داشته باشند و لذا به قولی او یک شخصیت بی‌رقیب، دارای اقتدار و قدرت و یک نوع چهره پیشوا و رهبرگونی داشت که مجال انتقاد را از دیگران می‌گرفت. لکن شرایط دهه پس از ۱۹۳۹، موجب گردید که این طلسم بکشند و داد انتقاد باز شود.

اولین کسی که به آثار هارتشورن انتقاد داشت شیفر بود. او در سال ۱۹۵۳ طی یادداشت‌هایی تحت عنوان «استثنا گرایی در جغرافیا» که در چهارچوب مکتب فکری پوزیتیویسم منطقی (اثبات گرایی) با روش شناختی جدید و استفاده از آمار و ریاضی بود، جدال و مباحثه خویش را آغاز کرد. در این یادداشتها شیفر ضمن انتقاد به مفاهیم کتاب و نحوه نگارش آن - مشکل و سخت‌نویسی - و ناحیه‌گرایی و عدم تسلط کافی هارتشورن به زبان آلمانی و برداشت ناقص از دیدگاههای همبولت و دیگران، توانست تا حدودی نظر هارتشورن را به این واقعیت جلب نماید که در آثارش تجدیدنظر نماید و لذا در سال ۱۹۵۹،

نامه‌های شما

در کتاب جغرافیای کشورهای مسلمان (کد ۲۹۷/۱ صفحه ۱۳ سطرهای ۲۰-۱۹ چاپ ۱۳۷۲) آمده است که «همگی کشورهای هستند که اقلیتهای ملی متفاوت دارند در این کشورها علاوه بر ترکها، فارسها، افغانها و عربها اقلیتهای دیگر چون کردها - آذربایجانیها - ازبکها - تاجیکها و مانند آنان زندگی میکنند».

از مفهوم جملات فوق چنین استنباط میشود که مؤلف محترم آذربایجانیها را در کشور ایران جزو اقلیتها محسوب نموده در صورتی که به موجب اسناد معتبر تاریخی و شواهد دیگر مردم آذربایجان از نژاد اصیل آریایی بوده و هستند، چه به نوشته مورخین ادوار گذشته اقوام آریایی که از هزاره دوم قبل از میلاد مهاجرت آنان آغاز میشود بعد از دور زدن دریای مازندران و گذشتن از قفقاز به فلات ایران سرازیر شده و در شمال غربی ایران یعنی سرزمین امروزی آذربایجان استقرار می‌یابند. آذربایجان از آغاز تاریخ از لحاظ نژاد و زبان وضع بسیار روشنی داشته و ترکان از این منطقه بسیار دور بوده و در آسیای میانه زندگی میکرده‌اند از طرف دیگر کلمه آذربایجان خود نشان بسیار خوبی از اصل و ریشه زبان مردم این سامان است.



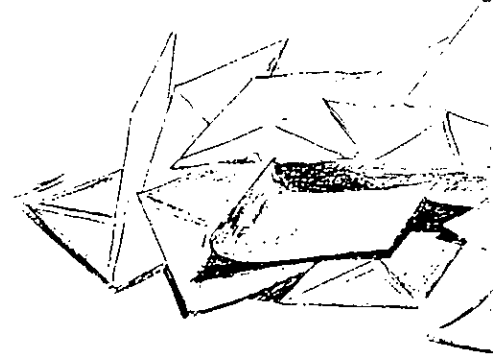
اثر دیگری که با توضیحات نسبتاً کافی همراه بود، تحت عنوان نگرشی بر چشم‌انداز ماهیت جغرافیا Rerspective on the nature of Geography را انتشار داد.

جدلها و بحث‌ها و انتقادهای شیفر هر چند موجب تعدیل رفتاری هارتشورن گردید و ناظران این دوره را، عصر جدال و مباحثه هارتشورن - شیفر نامیدند لکن نارضایتی و ناخرسندی هارتشورن از شیفر همانند زهری در دل تا پایان زندگی‌اش باقی ماند.

در خانمه باید گفت، هر چند در دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم تغییرات شگرفی در تکامل دیدگاهها و مکاتب جغرافیایی از اثبات‌گرایی، مکب رفتاری، ساختاری و پدیدار شناختی تا پست مدرنیسم را شاهدیم و بر آگاهی و اطلاعات ما بیش از گذشتگان افزوده شده است و نیز به عنوان کسانی که پس از دهه ۱۹۳۹ متولد شده‌ایم، نیایستی بر خود بیاییم و بر دیگران و گذشتگان خرده بگیریم. بنظر می‌رسد علیرغم ضعف و ساده‌اندیشی که در کتاب و آثار هارتشورن وجود داشت، بر رسیها و تحقیقات و آثار آنها، چراغ راه آینده ما بوده و هستند و لذا قدرشناسی از چنین بزرگانی وظیفه فراموش نشدنی است و در این میان، قدردانی از هارتشورن جای خود دارد.

دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری
دانشگاه تربیت مدرس

* Geography, July 1993, No 340/No1 - V8 - part 3



«ای خدا شیعیان هلاک شدند
نوجوانان به زیر خاک شدند»
«مادران دل شکسته و نالان
مرده شورند بهر فرزندان»
«ای خدا این بلا شدید شده
از فرج خلق ناامید شده»
از حیرتی تبریزی در قرن ۱۲:

«بگشاید آن نگار چو زلف دو تایی خویش
سازد هزار دلشده را مبتلای خویش»
از میرزا معصوم کوزه کنانی:
«گذشت فصل دی و شد ز فیض فروردین
زمین به نامیه رشک نگار خانه چین»
«چه داشت ساقی ابر بهار در صهبا
که فاش کرد به یک جرعه رازهای زمین»
از شاه اسماعیل صفوی:

«دل کشته آن موی که بر روی تو افتد
جان کشته آن چین که بر ابروی تو افتد»
«بی خوابم از آن خواب که در چشم تو بینم
بیتابم از آن تاب که بر زلف تو افتد»
از آخوند ملاحسین مراغه‌ای در قرن سیزدهم
هجری:

«در مذهب ما کلام حق نادعلی است
طاعت که قبول حق بود یادعلی است»
«از جمله آفرینش کون و مکان
مقصود خدا علی و اولاد علی است»
از درویش کاهن تبریزی قرن دوازدهم هجری:
«ای دل اگرت بود شعور و ادراک
چشمی بگشا چو مهر بر عالم پاک»
«هر لاله نشان ساغری بر لب جوست
هر سایه سیاه مستی افتاده بخاک»
از قاضی شهاب مرند:

«ترا عاشق فراوان شد من از غم ناتوان گشتم
تو عاشق دوست گشتی من یکام دشمنان گشتم»
از حاجی خداوردی از اهالی چورس از توابع
ماکو بسال ۱۲۰۱ هجری:

«دردل ما غم خوبان وطنی ساخته‌اند
خوش مکانیست در او انجمنی ساخته‌اند»
«در ره عشق دل و دین شده تساراج از آنک
چشم جسادوی ترا راهزنی ساخته‌اند»
از محمدعلی سلطان معروف به توپچی از
اهالی هریس دوره مظفرالدین شاه:

«ساقیا باده بسده این دل من محزون است
اشک جاری کنم از دیده دگر جیحونست»
البته این افراد گمنام که در نقاط مختلف
آذربایجان و در ادوار و اعصار مختلف
اشعاری بفارسی گفته‌اند بغیر از مشاهیر و
شعرای شهر و بزرگنمای چون خاقانی (قرن
ششم هجری) نظامی گنجوی (قرن ششم
هجری) ظهیر فاریابی (قرن ششم هجری)
مجیرالدین بیلقانی (قرن ششم هجری) قطران
تبریزی (قرن پنجم هجری) - همام اوایل قرن
هفتم و نیمه دوم قرن ششم) شیخ محمود
شبستری (قرن هفتم و هشتم هجری) و استاد
سید محمدحسین شهریار و دیگر بزرگان علم و
ادب این دیار که همگان بفارسی سروده و
بفارسی نوشته‌اند جای بسی خوشوقتی است
که تمام مکاتبات دیوانی بفارسی بوده و کمتر
سندی می‌توان یافت که حتی بین مردم تحریر
یافته و به ترکی نوشته شده باشد.

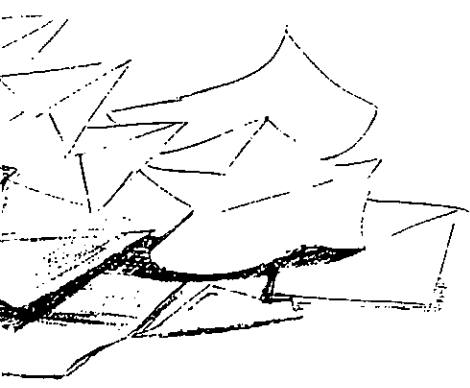
۹ - با صراحت می‌توان گفت که بیش از
۴۰٪ کلماتی که فعلاً مردم آذربایجان تکلم
می‌نمایند فارسی می‌باشد و یا کلمات مشترک
دارند.

شاهد دیگر و بهتر اینکه بعد از انعقاد
عهدنامه‌های منحوس گلستان و ترکمانچای و
بخصوص بعد از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷
دروازه‌ها کلاً بسته شدند و رابطه مردم در دو
طرف رودخانه ارس کاملاً قطع گردید، اما
اکنون مشاهده می‌شود که بعد از فروپاشی نظام
کمونیستی و باز شدن دروازه‌های پشت پرده

آهنین مردم شهرهای باکو - نخجوان - جلفا
- گنجه - اردوباد و دهات و بخش‌هایی چون
شورر - شاه بوز و غیره به آذربایجان جنوبی
رفت و آمد می‌نمایند و مکالمات و صحبت‌های
یکدیگر را کاملاً درک می‌کنند. چون علاوه بر
هم نژادی و هم کیشی زبان هر دو یک منشاء و
ریشه مشترک دارند و قرابت و اصالت کامل
خود را همچنان حفظ نموده‌اند در صورتیکه در
طول دوره رژیم سابق پهلوی و بعد از انقلاب
اسلامی که مردم آذربایجان بعلت رفت و آمد
رانندگان ترک و با مسافرت هزاران نفر از
مردم این منطقه به ترکیه پیوسته با مردم ترکیه
در تماس بوده‌اند. جای شگفتی است که بعد از
این همه معاشرت نه ما صحبت آنان را
می‌فهمیم و نه آنها بطور کامل مفهوم و جملات
ما را درک می‌کنند، و این به دلیل بیگانه بودن
زبان این دو ملت در گذشته و حال بوده است
که با هم قرابتی ندارند.

۱۰ - اسامی زنان و مردان این منطقه اصل
و ریشه ملیت ایرانی و اسلامی بوده و به ندرت
می‌توان از اسامی خاص قبایل ترک نژاد در
میان مردم پیدا کرد و این نشانه دیگر و دلیل
محکم همبستگی مردم آذربایجان با تمامیت
ارضی ایران از لحاظ قومیت و زبان بوده و
بیگانگی کلی از فرهنگ ترک و ترکیه بوده
است با عرض مراتب پوزش از طول کلام در
چاپ کتابهای درسی رعایت مسایل و مطالبی
که شاید در طول تاریخ مورد استفاده معاندین و
مزودوران استکبار جهانی و سوء استفاده
دشمنان ایران قرار گیرد مورد استدعاست. قبلاً
از بذل لطف و توجه سروران ارجمند به مطالب
معروضه کمال سپاس و تشکر دارد.

محمدقاسم رحمانپور، دبیر تاریخ، مرند



علاوه بر آن نام اکثر رودها، کوهها و آبادیهای کوچک و بزرگ فارسی می‌باشند:

۱- رودها: هشت رود- سرورود- زربنه رود- سیمینه رود- صوفی رود یا صافی رود- گرمورد- مهران رود- تلخه رود.

۲- کوهها: میش‌آب (میش‌آب- میشو) سنگبران- بزقوش (بزگوش)- علمدار علی- قافلانکوه- جمهور داغی- پرسقا- مُشک عنبر- فلک

۳- آبادیهای بزرگ و کوچک چون بستان آباد- خلخال (شهری در جنوب اردبیل- دهی در غرب مرند جاده خوی) مشگین شهر- میان (میانج)- مراغه- مغان- اهر- سراب- زنجان (زنگان) سراسکند- بناب- ملکان- آذرشهر (توفارقان- دیسوارقان- دهسوارقان- آذرشهر) نسوج- شبستر (معرب کلمه می‌چستر به معنای کوهپایه در تفسیر اوستایی زند آمده است)- شرفخانه- مزرعه- احمد آباد- فروانق- منور- کُردشت- دوزال- زال- ملکان- میاندوآب- مهاباد (مه‌آباد)- جلفا- سعیدآباد- هرزند جدید- کوزه کنان- کاغذکنان- گرگر (از اسامی بارینتعالی در زبان پهلوی- بمعنی کامکاری هم آمده) هرزند عتیق علمدار- نوشیروان خدا آفرین- سیه رود (اسم آبادی روبروی اردوباد)- کشکسرای- سرخه- گوشه ورق- زنجیره- قشلاق- زمهریر- صوفیان- سفید کمر- جامه بزرگ- دیزج (دژک)- کراب- پیرالحق- الوان- مرزاد- کرجان- باوزیر (باغ وزیر)- محبوب آباد- عیش‌آباد- پر بالا- گلغذار- عریان تپه- ماکو (ماه گو) بادکوبه- دربند- گنجه- سرور- اردوباد- و صدها نام دیگر که اگر امکان مطالعاتی فراهم شود خود کتاب مفصلی خواهد بود.

۴- اظهار نظر بزرگان ادبی ایران چون استاد ابوالقاسم فردوسی شاعر گرانمایه و حماسه‌سرای ایران که در هزار سال قبل گفته است:

«همی تاز تا آذر آبادگان
بجای بزرگان و آزادگان»
البته توجه می‌فرمایند که فردوسی طوسی که در سرزمین خراسان بزرگ نشسته و سخن می‌گوید فرق و تفاوتی میان مردم مناطق مختلف ایران قائل نشده بلکه برای حفظ وحدت ملی و مذهبی همه مردمی را که در کشور ایران و با فرهنگ مشترک زندگی می‌نمایند یکسان و جزو ملت ایران می‌شمارد.

۵- از مورخین معروف مسعودی در قرن چهارم هجری در کتاب (التبیه والاشراف) چون ایالات استانهای ایران آذربایگان- ری- طبرستان- خراسان- سیستان و کرمان و فارس و خوزستان و دیگر جاها را می‌شمارد چنین می‌گوید:

«همه این شهرها و استانها یک کشور بوده و یک پادشاه داشت و زبانشان هم یکی بوده اگر چه به نیم‌زبانهای گوناگون پهلوی- دری و آذری و مانند اینها تکلم می‌نمودند»

۶- یاقوت حموی جغرافی دان قرن هفتم درباره آذربایجان می‌نویسد:

«در آن زمانها زبان یا نیم‌زبانی که در آذربایجان سخن گفته می‌شد شاخه‌ای از فارسی بوده و آنرا آذری می‌نامیدند»

۷- به شهادت جغرافی نویسان و دانشمندانی چون ابن حوقل- مقدسی- ابن الندیم زبان دیرین مردم آذربایجان آذری یا پهلوی یا فارسی بوده است که شعبه‌ای از زبانهای ایرانی است.

۸- اکثر شعرا و نویسندگان این منطقه حتی در ادوار کهن به زبان شیرین فارسی شعر سروده و احساسات درونی خود را بیان نموده‌اند و اگر اشعار فارسی آنها در میان توده مردم مشتری و خریداری نداشت هرگز به آن زبان شعر نمی‌گفتند و جای بس شگفتی است که اشخاص کوچک بازاری همه در روزگاران گذشته دردلهای عاشقانه یا عرفانی خود را به زبان فارسی سروده و بیان نموده‌اند که برای نمونه مواردی را نقل می‌کنیم:

از آتش شیروانی:

«صبحدم کاین زورق زرین به امر دادگر
شد روان بر روی این دریای سبز بر دُر ر»
«از پس برده زلیخای سحرگه رخ نمود
همچو یوسف سر بر آورد از درون چاه سر»
از اسماعیل بیک قراجه داغی
«در ملک تجرد که دلش سلطانت
بی برگی عیش و بی بری سامانت»
«مردان خدا به بوریا می‌خوابند
این بیشه نی تکیه گه شیرانت»
از بز می اردبیلی بسال ۱۹۸۷ وفات یافته:
«عالم همه پوست آمد و مغزش درست
منصور چو مغز دید بگذشت ز پوست»
«از هر چه نه اوست در گذشتن چه نکوست
نامردی اگر نگذری از هر چه نه اوست»
از تاج احمد گنجوی معاصر سلطان محمود غزنوی:
«بزرگ زاده جوانی بدم من از گنجه
همه مسائل تفسیر و فقه برده تمام»
«گه مجادله جلد و گه مباحثه جُست
مفسری بنوا واعظی فصیح کلام»
«هوای باده خام بدین مقام افکند
هزار کار چنین بیش کرده بساده فام»
از میرزا آقاخان قراجه داغی در قرن ۱۳ هجری:
«بدر از شوق دل در کوچکی دست پسر گیرد
به امیدنی که در پیری پسر دست پسر گیرد»
«نهالی می‌نشانند باغبان اندر ریاض دهر
به این نیت پسر یک عمر تا از وی ثمر گیرد»
جیران خانم بسال ۱۲۴۷ در وبای تبریز چنین گفته:

کنکاشی در تحلیل

محتوای دروس

جغرافیای روستایی

دانشگاههای ایران

(قسمت اول)

دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری
دانشگاه تربیت مدرس

تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل
تبعی تولیدند، در حالی که انسانها عوامل فعالی
هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از
منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمانهای
اقتصادی، اجتماعی، سیاسی را می‌سازند و
توسعه ملی را به جلو می‌برند، به وضوح،
کشوری که نتواند مهارتها و دانش مردمش را
توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو
موثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز
دیگری را توسعه بخشد».

در این راستا است که نقد و تحلیل و
کنکاش در محتوی دروس جغرافیای روستایی
در دانشگاههای ایران به عنوان یکی عناصر
زمینه ساز کارآیی و استفاده بهینه از بخشی از
منابع انسانی در اقتصاد ملی و توسعه جامعه ما،
اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. چرا که در باور ما
جغرافیا به عنوان علم تبیین توزیع فضایی،
قلمرواش تبیین تغییرات الگوهای فضایی -
مکانی - در چهار چوب مفاهیم، نظریه‌ها،
مدلها، و نقشه‌ها خواهد بود.^۲ که در این
الگوهای فضایی - مکانی - بررسی و تبیین
موضوعاتی چون، فضا، ارتباطات فضایی،
ساختار فضایی، آرایش و سازماندهی فضایی،
تغییرات فرآیند فضایی و چگونگی توزیع
فضایی پدیده‌ها، کنش متقابل مردم، کالا و
خدمات در بین نواحی و مکانها را که از
عناصر گرهی - استراتژیک یا نقشی - به
شمار آیند، در کانون بررسیهای خود قرار
می‌دهد که با توسعه و آمایش سرزمین و
مهندسی محیط ارتباط تنگاتنگی دارد.^۳

از آنجائیکه عناصر گرهی یا استراتژیک
فوق از یکسو و عناصر توسعه جغرافیایی از
سوی دیگر بویژه تغییرات فرآیند الگوهای
فضایی در طول زمان ورودی مکان ثابت
نیستند، بلکه پیوسته در تغییر هستند. از اینرو
جغرافیدانان میزان این تغییر را مطالعه می‌کنند
و با استفاده از درجه رابطه بین پدیده‌ها و
میزان تغییر فرآیندها و الگوهای فضایی و با
کشف قانونمندیهای حاکم بر این فرآیندها،

و اجتماعی در جامعه خود عمل کنند، بلکه در
عین حال، ارزشها، اندیشه‌ها، تفکرات و
خواسته‌هایی را به وجود می‌آورد که ممکن
است بیشترین منافع را برای توسعه کشور به
همراه داشته باشد.

با این نگرش است که اغلب توسعه‌گران
اذعان دارند که آنچه در نهایت خصوصیت و
روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را
تعیین می‌کند «منابع انسانی» Human
Resources آن کشور است و نه سرمایه و یا
منابع مادی آن. تا جائیکه فردریک هاربیسون
Ferderic Harbison می‌گوید:^۴

«منابع انسانی ... پایه اصلی ثروت ملتها را

- اهمیت موضوع و طرح آن:
امروز اغلب برنامه‌ریزان، توسعه‌گران بر
این باور هستند که رمز اصلی توسعه ملی،
گسترش کمی و کیفی فرصتهای آموزشی
است.^۱ به عبارتی این تفکر تا حدودی مورد
و ااق همگانی قرار گرفته است که گسترش
کمی و کیفی فرصتهای آموزشی، سطح زندگی
مردم - به ویژه فقرا - را بالا می‌برد،
فرصتهای گسترده و برابر اشتغال برای همه
ایجاد می‌کند و طرز تلقی‌های جدید را تشویق
می‌کند و در نهایت نه تنها می‌کوشد که افراد را
از دانش مهارت بهره‌مند سازد و به آنان
توانایی را بدهد که چون عامل تحول اقتصادی

وضعیت آینده را پیش بینی می کنند. پیش بینی وضعیت آینده در چهارچوب مفاهیم، نظریه ها، مدلها و نقشه ها، کاربرد مفاهیم جغرافیا را عملی می کند و موجب می شود که جغرافیدانان مسائل و موضوعات فضایی را حل کنند. به عبارتی جغرافیدانان با روش حل مسئله، Problem solving کاربرد مفاهیم و موضوعات فضایی را در حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیطی - پیوند جغرافیا با توسعه - عینیت می بخشند.

بدین سان است که مفهوم جغرافیای کاربردی و مفهوم جغرافیای توسعه و ارتباط ایندو با هم را که در آن چند هدف اصلی - عدالت اجتماعی و تکنولوژی مهار شده، کنترل آلودگی محیط زیست سلامتی و رفاه جامعه، کیفیت زندگی، تهیه سرمایه لازم جهت مناطق کم توسعه - مورد تاکید قرار می گیرد، بیش از پیش روشن می سازد.^۵

سوال های تحقیق:

با این دید، مقاله تلاش دارد به تحلیل محتوی دروس جغرافیای روستایی در دانشگاه های ایران به پردازد تا بتواند پاسخ در خور خود را به سه سوال کلیدی زیر بیاید و نقاط قوت و ضعف آن را باز نماید.

۱ - میزان همگامی جامعه علمی کشور در این شاخه از علم با پیشرفتهای این علم در جهان صنعتی و جهان سوم چگونه است؟

۲ - میزان همگامی دروس جغرافیای روستایی با سرفصل های مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی چگونه است؟

۳ - میزان همگامی این شاخه از علم جغرافیا در رفع نیازهای جامعه تا چه حدی است؟

روش شناختی مقاله: (Methodology)

روش شناختی (Methodology) این مقاله با استفاده از شیوه تحلیل محتوی^۶

(Content Analysis) بدو صورت تحلیل محتوی توصیفی (Discriptive) و تحلیل محتوی استنباطی (inferential) است و برای دستیابی صحیح به این شیوه و نتایج سئوالات سه گانه مطرح شده، متون کتابهای درسی و جزوه های جغرافیای روستایی در جهان و ایران مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. در کنار بررسی متون کتابها و جزوه های درسی، پرسشنامه ای تنظیم و به اعضای محترم هیئت علمی متخصص در جغرافیای روستایی در دانشگاه های ایران ارسال گردید.

از آنجائیکه فقط دو نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ها به پرسشنامه پاسخ مثبت دادند لذا به ناچار نقد و بررسی به جزوه های درسی این همکاران در سراسر کشور که از طریق دانشجویان عزیز امکان دسترسی پیدا شد، اکتفا گردید.

نظر به اینکه منابع خارجی مورد استفاده در مقاله در ارتباط با کتابهای جغرافیای روستایی از طریق انتخاب تصادفی جمعاً ۷۵۰ صفحه را شامل می شد، لذا از میان جزوات و کتابهای درسی جغرافیای روستایی مورد تدریس در دانشگاه های ایران نیز، ۷۵۰ صفحه به صورت تصادفی انتخاب گردید.

و بدین ترتیب بررسی ما جمعاً ۸ کتاب و جزوه - ۴ منبع انگلیسی و ۴ منبع فارسی - را شامل گردید. البته در کنار این مسئله، دو نشریه، آموزش رشد جغرافیا و فصلنامه تحقیقات جغرافیایی نیز برای تکمیل فرآیند بحث، مورد بررسی قرار گرفتند. به عبارتی بررسی و نقد و ارزیابی در مجموع شامل ۸ کتاب و دو نشریه ایرانی در ارتباط با جغرافیای روستایی، می باشد، باشد که این اثر بتواند به وسع خود، به اعتلای جامعه علمی کشور کمک نماید و در پیوند توسعه و علم جغرافیا در راستای حل نیازه های اساسی جامعه، بیش از پیش موثر افتد.

- بررسی میزان همگامی جامعه علمی کشور در جغرافیای روستایی با پیشرفتهای این علم در جهان:

برای پاسخ گویی به این سوال، دو موضوع را مورد کنکاش قرار میدهم و عبارتست از:

الف - بررسی سیر تکاملی دیدگاه های جغرافیای روستایی

ب - بررسی سیر تکاملی موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای روستایی

الف - بررسی سیر تکاملی دیدگاه ها در جغرافیای روستایی:

جغرافیای روستایی همانند سایر شاخه های علم جغرافیا و علوم دیگر با توجه به رشد و توسعه و تکامل مکتهای فلسفی و فضای فکری حاکم بر جوامع غربی، روند تکاملی خویش را پشت سر گذرانده و همانند سایر علوم در هر برهه ای از زمان متأثر از مکتهای اندیشه های فلسفی آن دوره از تاریخ تفکر بشری شده است که در اینجا به طور اجمال این روند را در سه مقطع مورد بررسی قرار می دهیم:^۷

- دیدگاه های دهه ۱۸۵۰ تا ۱۹۴۰:

تا قبل از رشد و توسعه دیدگاه داروینیسیم، دیدگاه حاکم بر مطالعات جغرافیای روستایی را دیدگاه توصیفی، شناسنامه ای شکل می داد در بررسیها و تحقیقات روستایی، اغلب به توصیف و شناسایی و ذکر نقاط و مکانهای روستایی و نواحی ناشناخته، اکتفا می شد. با ظهور نظریه داروین و گسترش دیدگاه داروینیسیم بویژه داروینیسیم اجتماعی، دیدگاه کنش متقابل انسان با محیط طبیعی^۸ با تاکید بر نقش و برتری محیط طبیعی در سازماندهی فضا، انسان و فعالیتهای او و نیز الگوهای رفتاری حاصل از این کنش، در مطالعات روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار گردید و با گسترش و توسعه این دیدگاه در چهارچوب مفاهیم ناحیه ای، دیدگاه نواحی طبیعی -

ناحیه‌گرایی^۱ (Regionalism) تا جنگ جهانی دوم اغلب مطالعات جغرافیایی را شکل داد. با استمرار بررسیها و مطالعات ویدال دولا بلاش (Vidal de LaBlache) و هارتشورن (Hartshorne) این دیدگاه، به چشم‌انداز طبیعی Physical Landscape متحول گردید به عنوان مثال مطالعه و بررسی موضوعاتی چون سیستم‌های کشاورزی و ارتباط نزدیک آن با چشم‌انداز طبیعی، مصداق بارز این دیدگاه است.

– دیدگاههای دهه‌های ۱۹۶۰ – ۱۹۵۰

با گسترش و توسعه دانش تجربی و بررسی امور به صورت واقع‌بینی و استفاده از تجربه به عنوان یکی از معیارهای معرفت‌شناختی، پوزیتیویسم منطقی (logical positivism) به عنوان یکی از مکتب‌های فلسفی، در محافل علمی دنیای غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید و در مکتب‌های مختلف علمی اثرات عمیقی گذاشت به عبارتی این مکتب «بیرون از حدود فلسفه و منطق محض، در حوزه‌های علوم اجتماعی، جغرافیای انسانی و علوم سیاسی نیز اثرات گسترده‌ای داشت»^{۱۱} تا جایی که این مکتب از طریق نوشته‌های شیفر براساس روش تحقیق تجربی وارد ادبیات جغرافیا و از جمله روستایی گردید.^{۱۲} بارخداد انقلاب کمی در جغرافیا و استفاده از آمار و ریاضی و کامپیوتر و مدل‌ها با روش شناختی و متأثر از مکتب پوزیتیویسم منطقی، نظریه‌های مکانی در جغرافیای روستایی شکل گرفتند و بدین ترتیب با استفاده از مکتب پوزیتیویسم منطقی و نظریه‌های مکانی در تجزیه و تحلیل مسائل روستایی از جمله سکونتگاههای روستایی، حمل و نقل و اوقات فراغت، تغییر نگرشها از دیدگاه چشم‌انداز به اقتصاد روستایی و جغرافیای اجتماعی روستا، صورت پذیرفت.

– دیدگاههای دهه‌های ۱۹۷۰ و به بعد:^{۱۳}
در این دهه‌ها با ظهور جغرافیای جدید، با زیربنای کاملاً فلسفی و با پایگاه علمی، تحولات دیدگاهی در جغرافیای روستایی نیز صورت پذیرفت. بدین‌سان که با وارد شدن انتقادات به مکتب پوزیتیویسم منطقی، دیدگاههایی چون، سیستم‌ها، رفتاری فرهنگی و کارکردی و مکاتبی چون مکتب انسانی‌گرا (Humanist) و رادیکال (Radical) در مطالعات روستایی، گسترش پیدا کردند.

دیدگاههای رفتاری و فرهنگی که در چهارچوب مکتب انسانی‌گرا طبقه‌بندی می‌شوند از طریق مطالعات و بررسیهای جغرافیدان عالیمقام دیوید هاروی (David Harvey) در ارتباط با نقش سازنده و تعیین‌کننده عوامل اقتصادی و اجتماعی در تبیین مسایل روستایی و کشاورزی در چهارچوب مکتب پوزیتیویسم منطقی رواج پیدا کرد و با انتشار کتاب «تبیین و انتقاد (Explanation in Geography) در جغرافیا به سال ۱۹۶۹ و انتقاد او از پوزیتیویسم منطقی، دیدگاه رادیکالیسم (Radicalism) بویژه با انتشار دیگر اثر او «عدالت اجتماعی و شهر» (Social Justice & city) به سال ۱۹۷۳ وارد ادبیات جغرافیای شهری گردید و سپس جغرافیدانان روستایی نیز این دیدگاه را بیش از پیش در مطالعات خود به کار گرفتند.

در خاتمه می‌توان گفت که تجدید حیات جغرافیای روستایی در دهه‌های اخیر بیش از پیش مدیون گسترش دیدگاههای جغرافیای انسانی‌گرا و پوزیتیویسم منطقی است چرا که در این دهه‌ها در مطالعات روستایی، نقش انسان در فضاسازی و آینده‌نگری او در چگونگی سازمان دادن محیط روستایی، دیدگاه جبر محیطی حاکم تا قبل از جنگ جهانی دوم را واژگونه ساخته و جبر انسانی را جایگزین آن ساخته است. و با استفاده از، مجموعه‌ای از مکتب‌های فلسفی و فکری، روشهای تحقیق، ارزیابی و نتیجه تحقیق با روش شناختی‌های

تجربی مبتنی بر آمار و ریاضی و مدل، در جغرافیای روستایی، آن را به صورت یک علم کاربردی و راه‌حل‌ساز در آورده است. در نهایت باید اضافه کرد هر چند که در مطالعات روستایی، کلیه دیدگاهها پذیرفته شده و به کار گرفته می‌شود اما در این میان در اغلب تحقیقات و انتشارات جغرافیای روستایی، پوزیتیویسم منطقی بیشترین سهم را در تبیین مسائل داشته و دارد.^{۱۴} (مدل‌های ۱، ۲، ۳)
بررسی کتاب و جزوه‌های درسی دانشگاههای ایران بویژه از کتاب منتشره – کاظم ودیعی به سال ۱۳۵۱ – تحت عنوان مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران، تا امروز حاکی از آن است که دیدگاه حاکم ناحیه‌گرایی دهه ۱۹۴۰، همچنان پایه و اساس معرفت‌شناختی در تجزیه و تحلیل مسایل جغرافیای روستایی ایران، است. و به جز چند مورد در دهه اخیر، دیدگاههای جدید و تحولات چشمگیری در روش شناختی و به کارگیری نظریه‌ها، مدل‌ها و... مشاهده نمی‌شود. به عبارتی نوگرایی در جغرافیای روستایی ایران اغلب در نوشته‌های دو تن از جغرافیدانان روستایی ایران^{۱۵} با تأثیرپذیری از مکتب پوزیتیویسم منطقی و بکارگیری نظریه‌های مکانی، مدل‌های رفتاری و ساختاری و کارکردی، در دهه ۱۹۸۰، دنبال شده و بقیه متخصصین با بافتاری بر حفظ سنت‌گرایی – توصیف، جبر محیطی، ناحیه‌گرایی – همچنان از مدافعان سرسخت دیدگاه حاکم بر دهه ۱۹۴۰ هستند. یعنی بررسی محتوی جزوه‌های درسی و کتابهای منتشره در جغرافیای روستایی ایران در دانشگاههای ایران حاکی از آن است که جامعه علمی گروههای جغرافیای روستایی ایران نه تنها همگام با جامعه علمی جهان حرکت نکرده و خود را با روند تکاملی دیدگاههای هماهنگ ناساخته، بلکه از روشها، متدولوژیها، معرفت‌شناختی و مکاتب جدید نیز استفاده نکرده و نمی‌کند به عنوان مثال، بکارگیری مدل‌ها، ریاضی و آمار و کامپیوتر

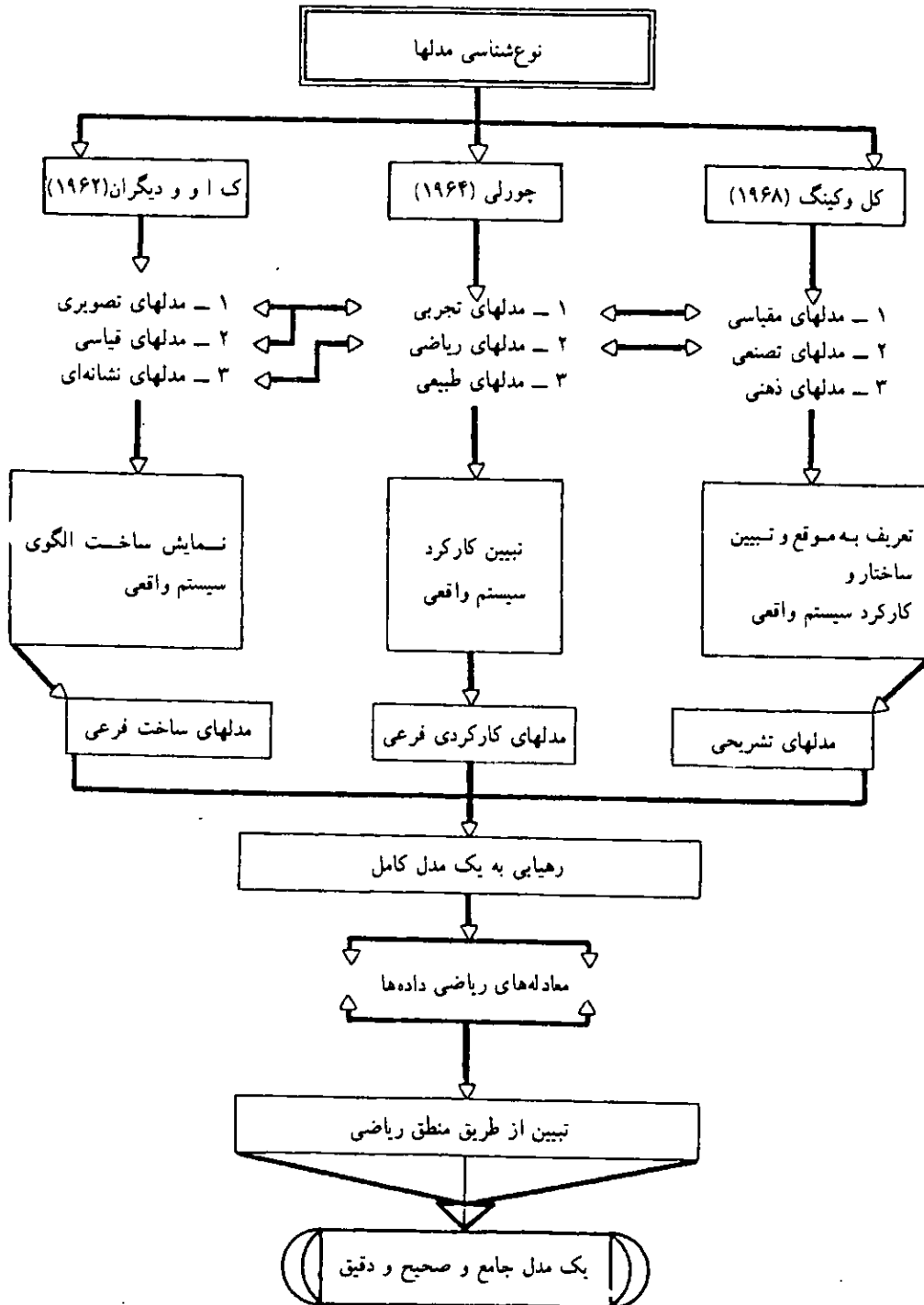
حاکم است و مطالعات کاربردی و راه حل ساز با روش شناختی و دارای نظریه، هنوز گامهای اولیه خویش را بر می دارد.

حداکثر دقت و اطمینان در توصیف و تحلیل پدیده ها با وارد کردن سلیقه های شخصی و رفتاری فردی - اعمال سلیقه های شخصی بر روند تحقیق و تدریس و مطالعات روستایی

علیرغم گذشت سه دهه از انقلاب کمی، آن چنان که شایسته و بایسته است، جایگاه خود را در تدریس و کتابها و جزوه های درسی باز نکرده است و - همچنان ذهن گرای - عدم

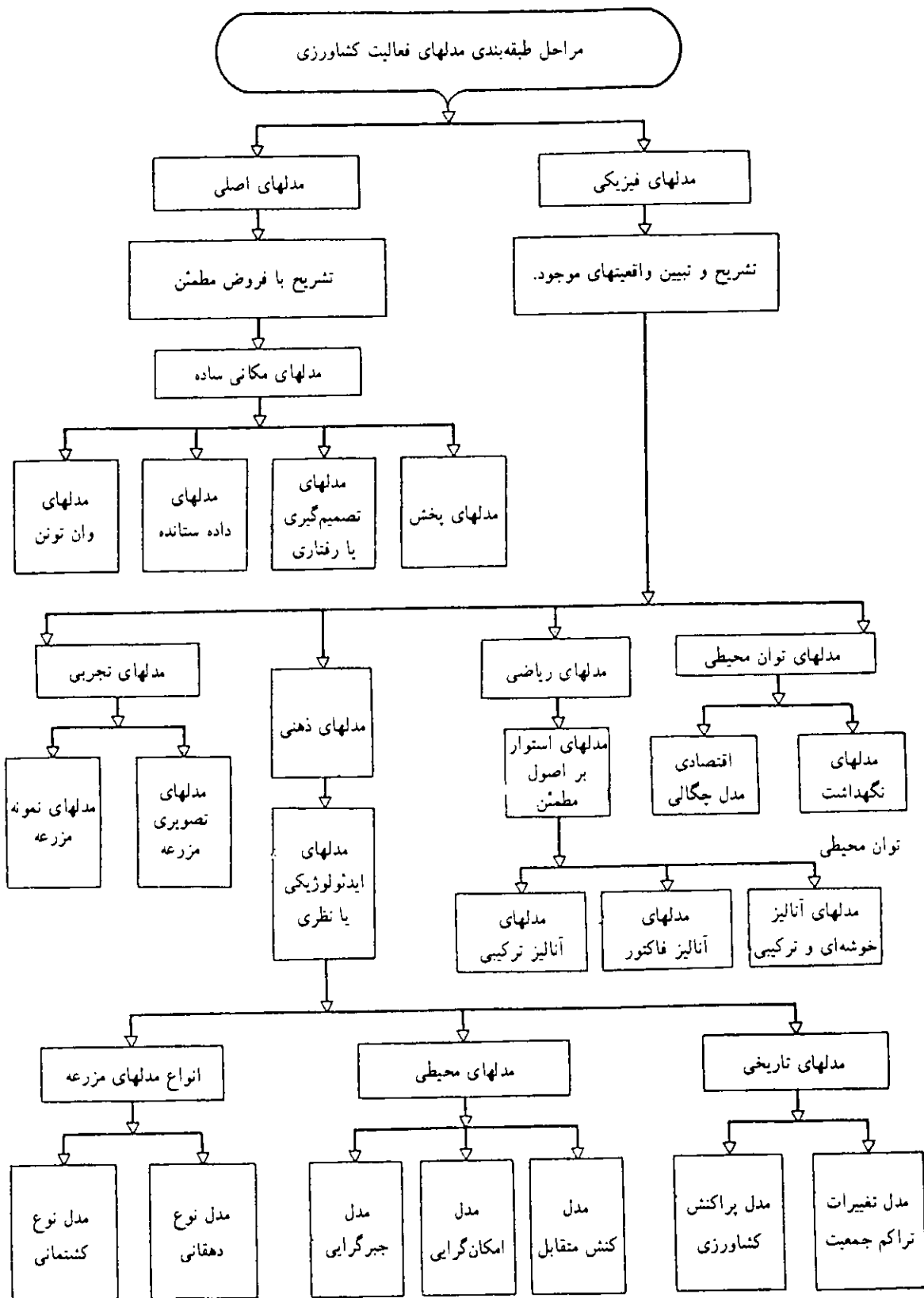
ادامه دارد

مدل - : نوع شناسی مدلها در جغرافیای روستایی و کشاورزی



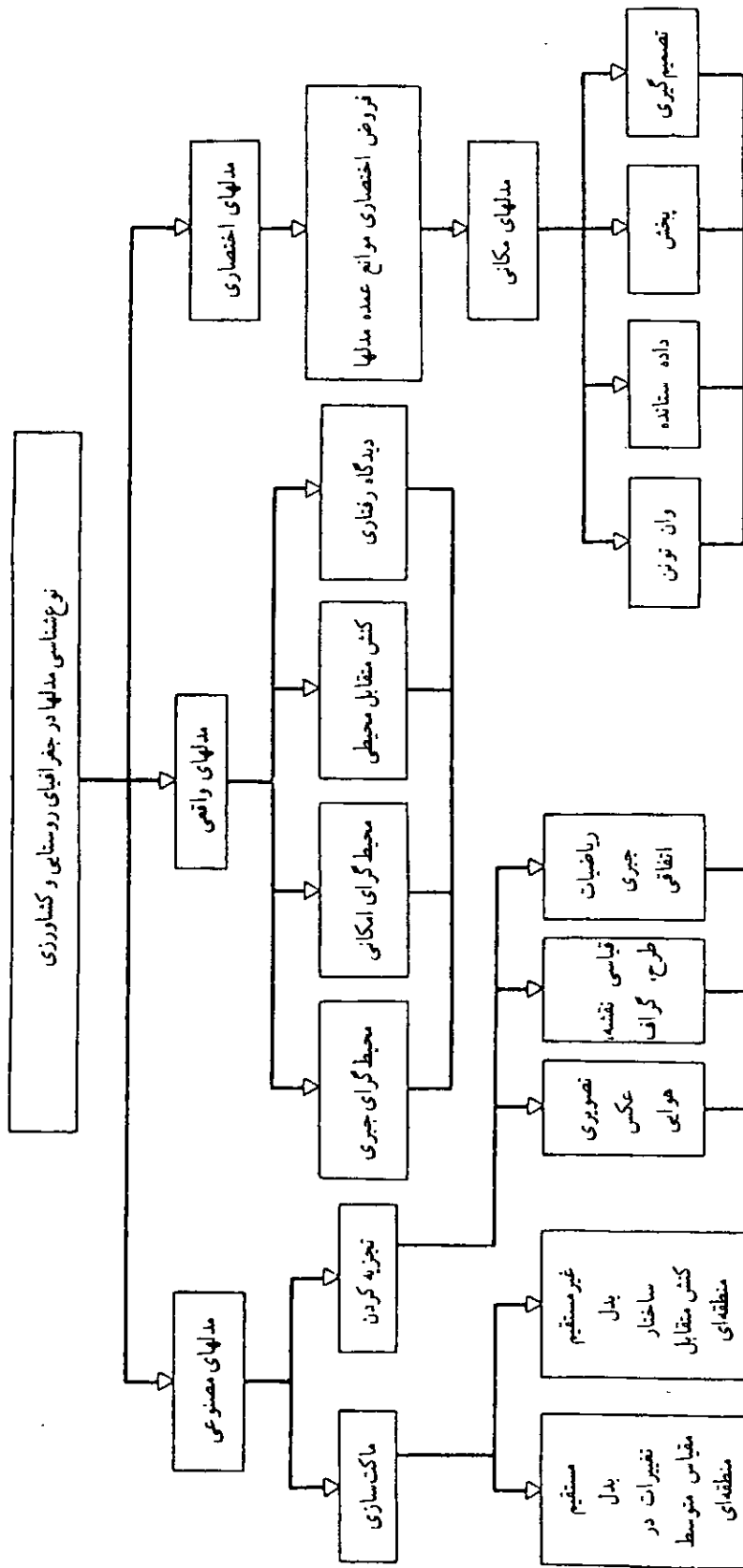
Sing, Jasbir & s.s Dhillon opcit

مدل - طبقه‌بندی مدل‌های فعالیت کشاورزی و روستایی



Sing, Jasbir & s.s Dhillon, opcit

مدل - : نوع‌شناسی مدلها در جغرافیای روستایی و کشاورزی



کاربرد مدل سازی ریاضی

مدل سازی جذر و مد

اردوان میرزایی
دانشجوی پیام نور

هدف این مقاله آن است که کاربرد ریاضیات را در جغرافیا نشان دهد، تا هم دستداران جغرافی کاربرد ریاضی را بدانند و هم - اگر کدورنی بین ریاضی و جغرافی وجود دارد از بین برود. اعداد و ارقام این سلسله مقالات همگی از آمار بدست آمده توسط سازمانهای مختلف جهانی گرفته شده است. جدول (۱) سطح جذر و مد آب دریا را طی ۲ روز مشاهده در انگلستان نشان می دهد. آیا می توانید سطح جذر و مد را برای ۳ روز آینده یعنی ساعت ۱۳/۰۰ بعد از ظهر شنبه ۵ دسامبر پیش بینی کنید؟ در نظر اول این کار مشکل یا شاید غیر ممکن به نظر برسد. اما این کار به سهولت عملی است. برای این کار از شاخه ای از ریاضی بنام «مدل سازی» استفاده می کنیم. مدل سازی علمی است که به کمک آن می توان تا حدودی به رفتار پدیده ها پی برد. در مرحله نخست، اطلاعات را به صورت نقاط در یک دستگاه مختصات مانند شکل (۱) نشان می دهیم. روشن است که این نقاط را نمی توان با یک خط مستقیم یا یک سری توانی مدل سازی کرد. اما ترتیب قرار گرفتن این نقاط ما را به یاد تابع سینوسی می اندازد. پس فرض کنید $x(t) = a \sin(bt)$ که در آن a, b اعداد ثابت و t نشان دهنده زمان است. به کمک شکل، زمان یک تکرار را ۱۲/۳ ساعت اندازه گیری می کنیم، پس $\frac{2\pi}{b} = 12/3 \text{ h}$ بنابراین $b = 0/511 \text{ h}^{-1}$ اختلاف بین بیشترین و کمترین سطح جذر و مد ۶/۶ متر است بنابراین متوسط آن ۳/۳ متر می باشد. با جای گذاری در $x(t) = a \sin(bt)$ خواهیم داشت $x(t) = 3/3 \sin(0/511 t)$ اما این فرمول نمی تواند تابع مناسبی

باشد زیرا در $t=0$ داریم $x=0$. برای رفع این مشکل از مدل ساده و مناسب تر زیر استفاده می کنیم:

$$x(t) = a \sin(0/511 t) + C \cos(0/511 t)$$

که در آن $x(0) = c = 2/4$ و

$$a = -2/7 \quad x(23) = a \sin(11/753) + C \cos(11/753) = 3/6$$

(توجه کنید که زوایا به رادیان می باشند). بنابراین

$$x(t) = 2/4 \cos(0/511 t) - 2/7 \sin(0/511 t)$$

در مرحله بعد مقادیری را که از جای گذاری t بین صفر و ۴۷ در معادله فوق بدست می آید آزمایش می کنیم. بعد از این مرحله با این مدل به پیش بینی می پردازیم. نقطه ۱۳/۰۰ بعد از ظهر ۵ دسامبر متناظر با $bt = 0/511 \times 10.9 \approx 5.57$ می باشد. بنابراین $t = 4 \times 2.4 + 1.3 = 10.9$ جای گذاری در مدل خواهیم داشت:

$$x(10.9) = 2/4 \cos(5/43) - 2/7 \sin(5/43) \approx 3/6$$

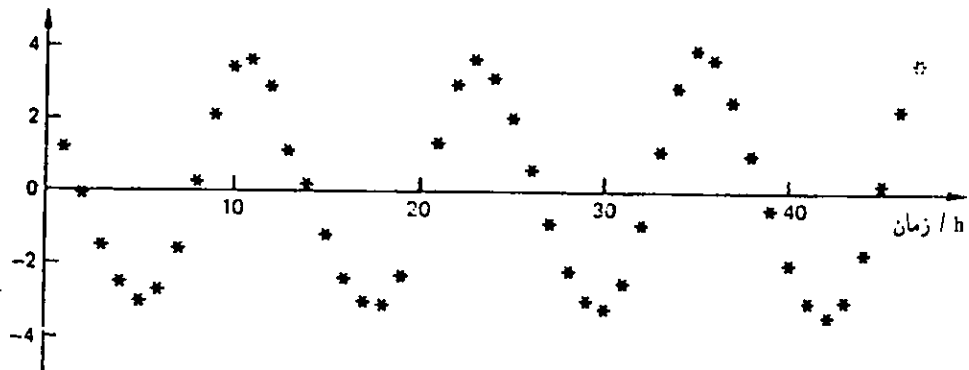
مقدار واقعی مشاهده شده ۴/۱ است. پس خطای حاصل $\frac{5}{4.1}$ یا تقریباً ۱۱٪ می باشد یعنی اینکه فرمول ما تقریباً ۹۰٪ صحیح است. ممکن است به این فکر بيفتیم که آیا فرمول بهتری وجود دارد؟ به این سوال در مقالات بعدی پاسخ داده می شود و مدل این وضع را به کمک روشهای آماری (LS) بدست می آوریم.

از اهمیت مدل سازی هر چه گفته شود کم است. مدل سازی در صنعت، کشاورزی، علوم و زندگی یا هر جای دیگر بکار می رود، زیرا همواره انسان در صدد بهتر کردن وضع موجود است.

جدول ۱

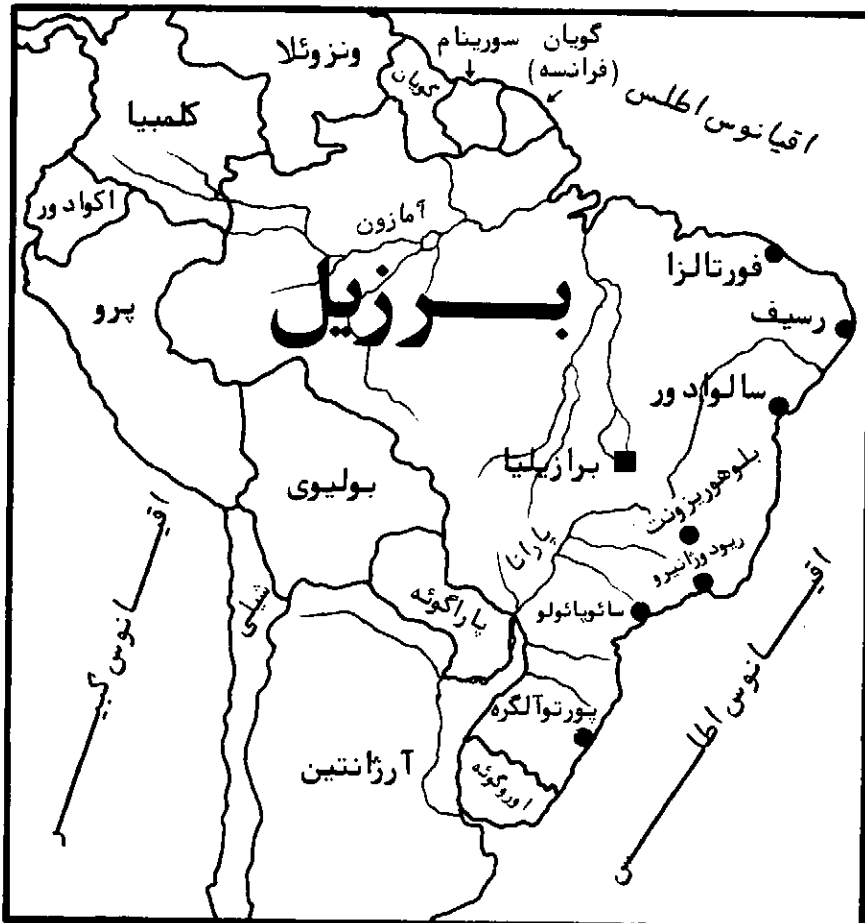
زمان	۱:۰۰۰	۲:۰۰۰	۳:۰۰۰	۴:۰۰۰	۵:۰۰۰	۶:۰۰۰	۷:۰۰۰
سطح جنر و مد / m سه‌شنبه ۱ دسامبر	۲/۴	۱/۲	-۰/۸	-۱/۵	-۲/۵	-۳/۰	-۲/۷	-۱/۶
سطح جنر و مد / m چهارشنبه ۲ دسامبر	۳/۸	۲/۰	۰/۶	-۰/۹	-۲/۲	-۳/۰	-۳/۲	-۲/۵
زمان	۸:۰۰	۹:۰۰	۱۰:۰۰	۱۱:۰۰	۱۲:۰۰	۱۳:۰۰	۱۴:۰۰	۱۵:۰۰
سطح جنر و مد / m سه‌شنبه ۱ دسامبر	-۰/۲	۲/۸	۳/۴	۳/۶	۲/۹	۱/۶	۰/۲	-۱/۲
سطح جنر و مد / m چهارشنبه ۲ دسامبر	-۰/۹	۱/۸	۲/۹	۳/۹	۳/۶	۲/۵	۱/۰	-۰/۵
زمان	۱۶:۰۰	۱۷:۰۰	۱۸:۰۰	۱۹:۰۰	۲۰:۰۰	۲۱:۰۰	۲۲:۰۰	۲۳:۰۰
سطح جنر و مد / m سه‌شنبه ۱ دسامبر	-۲/۴	-۳/۰	-۳/۸	-۲/۳	-۰/۷	۱/۳	۲/۹	۳/۶
سطح جنر و مد / m چهارشنبه ۲ دسامبر	-۲/۰	-۳/۰	-۳/۴	-۲/۰	-۱/۷	۰/۲	۲/۲	۳/۵

سطح جنر و مد / m



شکل ۱

آشنایی اجمالی با برخی از کشورهای جهان:



برزیل [BR]

نام رسمی: جمهوری فدراتیو برزیل
 نام بین‌المللی: برزیل BRAZIL
 نام محلی: برازیل BRASIL

سعید بختیاری
 سازمان گیتاشناسی

کوههای برزیل عمدتاً در نواحی شرقی و مرکزی واقع شده‌اند و از کوههای سایر کشورهای آمریکای مرکزی نسبتاً کم ارتفاع‌ترند. مهمترین رشته کوههای آن عبارتند از: برزیل، اسپیناسو، مانتیکوا، ماروپاریسیس. علاوه بر کوههای فوق فلات ماتوگروسو در جنوب شرقی برزیل نیز پهنه وسیعی را اشغال نموده است. جلگه‌های برزیل بخش بزرگی از کشور را پوشانده و قسمت عمده این جلگه‌ها در ناحیه آمازون، حواشی سواحل اقیانوس اطلس، و اطراف رودهای بزرگ واقع شده است. بیش از ۶۰٪ خاک کشور را جنگل و بسویزه جنگلهای پرباران استوایی در بر گرفته که

برزیل با ۸،۵۱۱،۹۶۵ کیلومتر مربع وسعت، در نیمکره غربی، در قاره آمریکای جنوبی و در کنار اقیانوس اطلس واقع شده است و خط استوا از شمال آن می‌گذرد. برزیل با تمام کشورهای آمریکای جنوبی به غیر از شیلی و اکوادور مرز مشترک دارد و خط ساحلی آن حدود ۷،۴۱۰ کیلومتر است.

بیشتر در نواحی شمال، شمال شرقی تا میانه کشور را پوشانده است. بخش عمده جنگلهای آمازون، که انبوه‌ترین و وسیع‌ترین جنگلهای جهان است، در دو سوی رود آمازون واقع شده است. پرآب‌ترین رود جهان یعنی آمازون در این کشور جریان دارد و سایر رودهای مهم آن عبارتند از: تگرو، مادیرا، تاپاجوس، پوروس، جوروا (شعبات رود آمازون)، پارانا، سائوفرانسیسکو، توکانتیس، جاپوره، آراگوا، پاراگوا (پاراگوئه)، اوروگوا (اوروگوئه). آب و هوای برزیل در نقاط کوهستانی و مرتفع، معتدل کوهستانی، و در سایر نواحی گرم و مرطوب و بطور کلی پرباران است.

بلندترین نقطه آن قله باندیرا (۲،۸۸۴ متر)؛ طولیترین رود، آمازون (۶۴۲۰ کیلومتر)؛ و وسیعترین جزیره، ماراژو (۴۶،۵۹۷ کیلومتر مربع) می‌باشد.

جمعیت برزیل در سال ۱۹۹۱ حدود ۱۵۳،۳۰۰،۰۰۰ نفر، و تراکم جمعیت آن ۱۸ نفر در کیلومتر مربع بوده است. ۷۵٪ مردم ساکن شهرها بوده و حدود ۷/۲٪ جمعیت کشور در بزرگترین شهر آن (سائوپائولو) سکونت دارند.

از لحاظ توزیع سنی، ۳۵/۲٪ افراد زیر ۱۵ سال؛ ۲۸٪ افراد ۱۵ تا ۲۹ سال؛ ۱۹/۳٪ افراد ۳۰ تا ۴۴ سال؛ ۱۰/۴٪ افراد ۴۵ تا ۵۹ سال؛ و ۷٪ افراد نیز بالای ۶۰ سال هستند. ۴۹/۸۷٪ جمعیت را مردان تشکیل می‌دهند و متوسط عمر مردان ۶۳ سال و زنان ۶۹ سال است.

میزان تولد ۲۸/۶ نفر در هر هزار نفر، میزان مرگ و میر ۷/۹ نفر در هر هزار نفر، میزان مرگ و میر کودکان، ۶۳/۲ نفر در هر هزار تولد و رشد سالانه جمعیت ۲/۱٪ می‌باشد.

ترکیب نژادی: سفیدپوستان ۵۳٪ کل

جمعیت را تشکیل می‌دهند (۱۵٪ پرتغالی، ۱۱٪ ایتالیایی، ۱۰٪ اسپانیایی و ۳٪ آلمانی) و ۲۲٪ دو رگ سیاه و سفید، ۱۲٪ دو رگ سرخ و سفید، ۱۱٪ سیاه پوست، ۸/۰٪ زردپوست و ۱/۲٪ بقیه از سایر گروه‌های نژادی می‌باشند. مذهب و زبان: ۸۷/۸٪ جمعیت را پیروان شاخه‌های مختلف مذهب کاتولیک تشکیل می‌دهند و ۶/۱٪ پروتستان، ۳/۷٪ پیرو ادیان بدوی، و بقیه پیرو سایر ادیان می‌باشند. زبان رسمی برزیل پرتغالی است و خط رایج آن لاتین می‌باشد.

پایتخت این کشور شهر برازیلیا (۱،۵۷۰،۰۰۰ نفر) است و مهمترین شهرهای آن عبارتند از: سائوپائولو (۱۱،۰۰۰،۰۰۰ نفر)، ریودوژانیرو (۶،۰۱۰،۰۰۰ نفر)، سلوهورزونت (۲،۳۴۰،۰۰۰)، سالوادور (۲،۰۰۰،۰۰۰)، فورتالزار (۱،۵۸۰،۰۰۰)، رسیف (۱،۳۳۵،۷۰۰) و پورتوآلگره (۱،۲۵۴،۶۰۰ نفر). بنادر مهم آن عبارتند از: سانتوس، ریودوژانیرو، سالوادور و رسیف که در کنار اقیانوس اطلس واقع شده‌اند.

نوع حکومت: حکومت برزیل جمهوری فدراتیواست و دارای دو مجلس قانونگذاری است: مجلس سنای فدرال با ۷۲ عضو، و مجلس نمایندگان با ۵۰۳ عضو. قانون اساسی موجود در سال ۱۹۷۷ تدوین گردیده است. براساس آخرین تقسیمات کشوری برزیل از ۲۶ ایالت و یک بخش تشکیل شده است.

احزاب عمده برزیل عبارتند از: حزب جنبش دموکراتیک برزیل، حزب جبهه لیبرال، حزب دموکرات سوسیال، حزب کارگر برزیل، حزب بازسازی ملی، حزب سوسیال دموکراتیک برزیل. این کشور در سال ۱۸۲۲ از پرتغال جدا و مستقل شده و روز ملی آن هفتم سپتامبر است. برزیل در سال ۱۹۴۵ عضویت سازمان ملل درآمده و علاوه بر آن در

سازمانهای زیر نیز عضویت دارد: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه یا بانک جهانی (IBRD)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی (UNESCO)، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، اتحادیه جهانی پست (UPU)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، بنگاه مالی بین‌المللی (IFC)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور (ITU) سازمان جهانی بهداشت (WHO)، شورای همکاری گمرکی (CCC)، انجمن بین‌المللی توسعه (IDA)، کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)، بانک عمران امریکا (I-ADB) سازمان بین‌المللی خطوط کشتیرانی (IMO).

مهمترین صنایع برزیل عبارتند از: نساجی، مواد غذایی، شیمیایی، ماشین آلات و لوازم یدکی، جنگ افزار، لوازم الکتریکی و وسایل ارتباطات. مهمترین محصولات کشاورزی عبارتند از: قهوه، پنبه، لوبیا چیتی، برنج، غلات، ذرت، نیشکر، کائوچو و نارگیل. سرانه زمین مزروعی برای هر نفر حدود ۰/۲۴ هکتار می‌باشد.

تعداد دامهای زنده موجود در سال ۱۹۸۹ بدین شرح بوده است: گاو ۱۳۶،۸۱۴،۰۰۰ رأس، خوک ۳۳،۲۰۰،۰۰۰ رأس، گوسفند ۲۰،۵۰۰،۰۰۰ رأس، اسب ۵،۸۵۰،۰۰۰ رأس، و قاطر ۲،۰۰۰،۰۰۰ رأس.

برزیل در سال ۱۹۸۶، به میزان ۱۸۸،۰۸۵،۰۰۰ کیلووات ساعت الکتریسته، ۷،۳۹۱،۰۰۰ تن زغال سنگ، ۲۰۶،۷۲۰،۰۰۰ بشکه نفت خام، ۴۹،۴۰۴،۰۰۰ تن فرآورده‌های نفتی، ۲،۶۷۱،۰۰۰،۰۰۰ متر مکعب گاز طبیعی، و ۱۰۲،۰۰۰،۰۰۰ هکتولتر الکل تولید کرده است.

برزیل از نظر معادن بسیار غنی بوده و ذخیره آهن آن در جهان مقام اول را داراست. همچنین دارای معادن وسیعی از سنگهای قیمتی، توریم، منگنز، بوکسیت، سرب، نیکل، قلع، آزبست، کروم، طلا، تنگستن، مس و زغال سنگ می‌باشد. ذخایر نفت خام آن نیز حدود ۲/۳ میلیارد بشکه برآورد شده است.

نیروی کار: در سال ۱۹۸۸ حدود ۴۲/۳٪ جمعیت یعنی ۶۱،۰۴۷،۹۵۴ نفر، نیروی فعال اقتصادی بوده است که ۶۳/۶٪ آنان بالای ۱۵ سال سن داشته‌اند و زنان ۳۵/۱٪ نیروی کار را تشکیل می‌دهند. ۴۰٪ نیروی کار در بخش خدمات، ۳۵٪ در بخش کشاورزی و ۲۵٪ نیز در بخش صنعت مشغول بکار بوده‌اند. همچنین نرخ بیکاری نیز ۴/۹٪ است.

ارتش: تعداد افراد ثابت ارتش در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۲۰۰،۳۲۴ نفر بوده که از این تعداد ۶۸/۸٪ را نیروی زمینی، ۱۵/۶٪ را نیروی دریایی و ۱۵/۶٪ را نیز نیروی هوایی در استخدام داشته است.

واحد پول: واحد پول برزیل، کروزرو (Cr\$) نمی‌باشد که معادل ۱۰۰ سنتاوو است. در سال ۱۹۹۲ هر ۷،۱۴۲ کروزرو معادل یک دلار امریکا بوده و هر ۵ کروزرو نیز معادل ۱ ریال بوده است.

میزان تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۰ معادل ۴۰۲/۷۸۸ میلیارد دلار و سرانه آن ۲،۶۸۰ دلار بوده است. هزینه نظامی ۰/۸٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل داده و میزان

رشد تولید ناخالص ملی نیز ۲/۷٪ بوده است. درآمد و هزینه بودجه ملی در سال ۱۹۹۰ معادل ۳،۱۴۶،۴۲۰،۰۰۰،۰۰۰ کروزرو، و میزان بدهی خارجی برزیل حدود ۱۱۶/۱۷۳ میلیارد دلار گزارش شده است.

واردات برزیل در سال ۱۹۹۱ حدود ۲۱ میلیارد دلار، و شامل کالاهای سرمایه‌ای ۲۹٪، نفت خام و فرآورده‌های نفتی ۲۳٪، کالاهای مصرفی ۱۴٪، و مواد شیمیایی ۱۳٪ بوده و ۲۲٪ آن از آمریکا، ۹٪ از آلمان، ۷٪ از آرژانتین، ۷٪ از ژاپن، ۵٪ از عراق و ۵٪ از عربستان سعودی وارد شده است.

صادرات این کشور در سال ۱۹۹۱ حدود ۳۲ میلیارد دلار، و شامل شکر ۱۱٪، ماشین آلات و لوازم الکتریکی ۸٪، کانه‌های فلزی ۸٪ و سایر نقلیه ۷٪، آهن و فولاد ۵٪ بوده و بیشتر به کشورهای آمریکا ۲۷٪، ژاپن ۱۴٪، آلمان ۹٪، آرژانتین ۳٪ و شیلی ۳٪ صادر شده است. حمل و نقل: طول خط آهن برزیل در سال ۱۹۸۶ بالغ بر ۲۹،۸۱۴ کیلومتر، و طول راه‌های مورد استفاده آن ۱،۶۶۳،۹۸۷ بوده

ارتباطات: در سال ۱۹۸۹ تعداد ۱،۳۰۰ فرستنده رادیویی و ۱۱۳ فرستنده تلویزیونی مشغول بکار بوده و همچنین حدود ۶۰ میلیون گیرنده رادیویی (۱ دستگاه برای ۲/۵ نفر) و ۳۶ میلیون گیرنده تلویزیونی (هر ۴/۱ نفر یک دستگاه) وجود داشته است. در سال ۱۹۸۸ نیز حدود ۱۳،۹۰۵،۰۰۰ خط تلفن (هر ۱۰ نفر یک خط) مورد استفاده بوده است. بطور متوسط ۲۸۸ نشریه روزانه با تیراژ ۷،۸۹۷،۰۰۰ نسخه (۵۵ نسخه برای هر هزار نفر) منتشر می‌شود.

بهداشت: تعداد پزشکان برزیل در سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۲۰۶،۳۸۲ نفر (یک پزشک برای ۶۸۵ نفر) بوده و همچنین تعداد ۴۹۶،۱۴۰ تخت بیمارستان (یک تخت برای ۲۸۵ نفر) وجود داشته است.

آموزش: در سال ۱۹۸۸ حدود ۸۱/۱٪ افراد بالای ۱۵ سال با سواد بوده‌اند. جدول زیر فهرست خلاصه‌ای از مقاطع تحصیلی برزیل را در سال تحصیلی ۸۹-۱۹۸۸ نشان می‌دهد:

نسبت شاگرد به معلم	تعداد شاگردان	تعداد معلمان	تعداد مدارس	مقطع تحصیلی
۲۳/۹	۲۶،۸۲۱،۱۳۴	۱،۱۱۹،۹۰۷	۲۰۱،۵۴۱	ابتدایی (۷ تا ۱۴ سال)
۱۴/۶	۳،۳۳۹،۰۹۰	۲۲۹،۱۸۳	۱۰،۲۴۴	متوسطه (۱۵ تا ۱۷ سال)
۱۲	۱،۵۰۳،۵۶۰	۱۲۵،۴۱۲	۸۷۱	آموزش عالی

سرانه کالری مصرفی: مواد غذایی مصرفی هر نفر در طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۸۶ بطور متوسط دارای ۲،۶۴۴ کالری انرژی بوده که ۸۶٪ آن از مواد نباتی تأمین شده و بقیه نیز از فرآورده‌های حیوانی بدست آمده است. این میزان کالری معادل ۱۰۶٪ حداقل نیاز هر فرد است که توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد توصیه شده است.

است. در سال ۱۹۸۸ این کشور دارای ۱۴،۹۹۵،۰۰۰ اتومبیل سواری، و ۱،۶۰۹،۷۶۴ اتوبوس و کامیون بوده است. همچنین در سال ۱۹۸۸ تعداد ۱۲۶ فرودگاه با پروازهای زمان بندی شده وجود داشته است.

جهانگردی: در سال ۱۹۸۸ از طریق جهانگردی حدود ۱/۶۴۳ میلیارد دلار عاید کشور گردیده و شهروندان برزیلی نیز ۱/۰۸۴ میلیارد دلار در کشورهای دیگر هزینه کرده‌اند.

اخبار جغرافیایی

دومین کنفرانس دانشجویی عمران

دومین کنفرانس دانشجویی عمران در مهرماه ۱۳۷۳ در دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. از جهت ارتباط جغرافیای با موضوعاتی که برای بحث در این کنفرانس در نظر گرفته شده، لازم می‌دانند آگهی کنفرانس مزبور را عیناً به نظر خوانندگان گرامی برساند:

همانطور که حتماً از طریق مجلات و رسانه‌های همگانی در جریان هستید، در سالهای اخیر حرکت‌های خودجوشی از طرف دانشجویان رشته عمران بمنظور بالا بردن سطح علمی دانشجویان این رشته و گرایش‌های وابسته آن در سطح کشور شروع شده است که در اردیبهشت ماه گذشته شاهد یکی از نمونه‌های بارز آن یعنی برگزاری نخستین کنفرانس دانشجویی عمران در دانشگاه صنعتی شریف بوده‌ایم. در همین راستا و به منظور تداوم چنین حرکت‌هایی در سطح دانشگاه‌های کشور که بی‌شک گام مثبتی است در جهت رسیدن به استقلال فنی در

کشور، دانشجویان رشته عمران دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزاری دومین کنفرانس دانشجویی عمران را که در مهرماه سال ۱۳۷۳ برگزار خواهد شد برعهده گرفته‌اند. این حرکت‌ها خودجوش بوده و منحصرأ توسط خود دانشجویان و بسا راهنمایی اساتید دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و واضح است که در شرایط اقتصادی فعلی یدوش کشیدن بار تمامی هزینه‌های مالی چنین کنفرانس‌هایی توسط خود دانشجویان مقدور نیست و به پشتیبانی و همیاری نهادها و گروه‌هایی که قادرند کمکی به برگزارکنندگان چنین کنفرانس‌هایی بنمایند، نیاز دارند. بدین منظور بر آن شدیم تا از نهادها و ارگانهایی که هدف اصلی‌شان پیشرفت علم و آگاهی در کشور است، کمک بخواهیم. بدیهی است که برگزاری یک کنفرانس علمی آنهم در سراسر کشور، در مرحله اول نیازمند آگاهی یافتن دیگر دانشجویان دانشگاه‌های کشور از برگزاری چنین کنفرانسی است.

امید داریم که شما نیز از یاری‌دهندگان ما در برگزاری دومین کنفرانس دانشجویی عمران باشید.

اهداف کنفرانس:

— ارتقای سطح علمی دانشجویان عمران و آگاهی آنها از نتایج تحقیقات و مطالعات کشور
— اعطای اعتماد به نفس به قشر دانشجو
جهت ارائه مطالعات و تحقیقات خود در مجامع معتبر علمی

— تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام تحقیقات در طول تحصیل به عنوان عاملی جهت پویایی سیستم آموزشی دانشگاه‌ها
— آشنایی دانشجویان با تواناییها و مشکلات وزارتخانه‌ها، شرکتها و سایر ارگانهای مربوط به رشته عمران بوسیله برگزاری نمایشگاهی از فعالیتهای آنها در کنار کنفرانس

موضوعات کنفرانس:

سازه، آب، نقشه‌برداری، راه و ترابری، زمین‌شناسی مهندسی، معماری و شهرسازی، برنامه‌ریزی حمل و نقل، خاک و پی، مهندسی محیط زیست، مدیریت ساخت و اجراء، مهندسی زلزله و سازه‌های هیدرولیکی

زمانبندی کنفرانس:

آخرین فرصت ارسال برگ ثبت نام برای شرکت با ارائه مقاله: ۷۲/۱۲/۱
آخرین فرصت ارسال چکیده مقالات: ۷۳/۲/۱

آخرین فرصت ارسال اصل مقالات: ۷۳/۵/۲۰

دستورالعمل تنظیم و ارسال چکیده مقالات، متعاقباً جهت ثبت نام‌کنندگان ارسال خواهد شد.

لازم به تذکر است نویسندگان مقالات باید دانشجوی و یا فارغ‌التحصیل سال ۷۱ به بعد باشند.

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده فنی، دبیرخانه دومین کنفرانس دانشجویی عمران - ص. پ ۱۱۳۶۵/۲۵۶۳ -
فاکس: ۲۴-۴۴۶۱

برگ ثبت نام شرکت در دومین کنفرانس دانشجویی عمران با ارائه مقاله

نام: نام خانوادگی:

آخرین مقطع تحصیلی: دانشگاه محل تحصیل:

رشته تحصیلی: وضعیت تحصیلی: فارغ التحصیل دانشجو

سال ورود و یا سال فارغ التحصیلی: جنسیت: مرد زن

عنوان مقاله:

نشانی:

تلفن: شماره (فاکس):

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده فنی، دبیرخانه دومین کنفرانس دانشجویی عمران،

ص. پ ۱۱۳۶۵/۴۵۶۳، فاکس: ۴۴۶۱۰۲۴

نحوه محاسبه طول جغرافیایی را با توضیح چاپ شده مختصری برای دبستانها، و بالمآل برای شورای ده و مردم ده (البته شهرک و شهر) روشن ساخت. ارادتمند، اگر عمری باشد، برای تهیه مطلب آماده‌ام هر چند مطلب آن قدر ساده است که از هر یک از مسلمان بخواهید باید بتواند از عهده برآید.

سمینار بررسی مسایل توسعه استان مرکزی

دبیرخانه دائمی سمینارهای توسعه استان مرکزی، وابسته به استانداری این استان، طی اطلاعیه‌ای در اردیبهشت ماه سال جاری به اطلاع علاقمندان رسانیده بود که سمینار بررسی مسایل توسعه استان مرکزی در مهر ماه ۱۳۷۲ در اراک برگزار می‌شود، و در آن اطلاعیه ضوابط شرکت در سمینار و اهداف برگزاری سمینار را ذکر کرده بودند. اما متأسفانه به علت تراکم مطالب، در شماره قبلی مجله نتوانستیم به موقع خبر برگزاری این سمینار را به اطلاع خوانندگان گرامی برسانیم. اینک انتظار داریم برگزارکنندگان سمینار نتایج حاصله از این گردهمایی و قسطنامه مربوطه را ارسال دارند تا در مجله رشد آموزش جغرافیا چاپ شود.

عملکرد یکساله گروه آموزشی جغرافیای متوسطه استان مرکزی سال تحصیلی ۷۲ - ۷۱

مواردی که در طول یکسال تحصیلی در گروه آموزشی جغرافیای متوسطه استان مرکزی انجام شده به قرار زیر است:

۱ - تکثیر سئوالات امتحانی جغرافیای کارشناسی ارشد جهت آمادگی دبیران برای امتحان کارشناسی ارشد.

وانگهی داشتن طول و عرض جغرافیایی هر نقطه نوجوانان را به معلومات تازه‌ای آشنا می‌کند و این گونه آشنایی در ایجاد شوق به یافتن معلومات تازه بی‌تأثیر نیست.

در بسیاری از کشورهای جهان، حتی ترکیه، در مدخل هر آبادی بزرگ، مثلاً هر شهرک، طول و عرض جغرافیایی آن نقطه و ارتفاعش از سطح دریا را بر لوحه‌ای نوشته و نصب کرده‌اند. و این نکته برای هر کس، حتی هر مسافر، آموزنده و جالب توجه است.

طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریای همه آبادیهای ایران در کتابی که از طرف آستان قدس رضوی منتشر گردیده است ثبت است.

وزارت آموزش و پرورش می‌تواند طول و عرض و ارتفاع هر محلی را که در آن دبستان دارد به دبستان اعلام کند تا روی یک لوحه مقوایی بنویسند و در دفتر دبستان بگذارند سپس در کلاسهای بالای دبستان موضوع را برای بچه‌ها توضیح دهند و در شورای ده - که حالا در بسیاری از آبادیها هست - رئیس یا یکی از معلمان برای ریش سفیدان ده توضیح دهد. و نیز از شورای ده خواسته شود که این اطلاعات را روی یک لوحه حلبی در مدخل ده نصب کنند.

مسئلاً اثر مثبت خواهد داشت.

وقتی که این عمل ساده انجام شود می‌توان

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی طی نامه‌ای پیشنهاد نموده است که طول و عرض جغرافیایی تمام اماکن مسکونی ایران، در دروازه‌های ورودی این اماکن نوشته شود. برای آن که دلایل بنیاد دانشنامه را خواننده باشید و از فواید مترتب بر آن آگاه شوید نامه مزبور عیناً درج می‌شود:

جناب آقای حداد عادل

معاون محترم پژوهشی وزارت آموزش و پرورش

با تقدیم احترام اجازه می‌خواهم نکته‌ای را که مراعاتش از جنبه اجتماعی مفید، بلکه لازم، است به استحضار خاطر عالی برسانم:

برای ما ایرانیان مراعات لحظه تحویل سال، یعنی لحظه گذر مرکز زمین بر نصف‌النهار نقطه اعتدال بهاری، امری است که هر خانه کوچک یا بزرگی آن را مراعات می‌کند. لحظه تحویل برای همه نقاط زمین که بر روی یک نصف‌النهار قرار دارند یکی است و برای دو نصف‌النهار متمایز متفاوت است. محاسبه لحظه تحویل سال برای هر نقطه، در صورت داشتن طول جغرافیایی آن نقطه و لحظه تحویل در نقطه معینی، مثلاً تهران، کاری است که از عهده هر طفل دبستانی برمی‌آید.

۲ - ارسال جزوه نقشه‌خوانی برادر حسن فراهانی سرگروه جغرافیای فراهان به استانها.
 ۳ - اعزام ۳ نفر از دبیران جغرافیای متوسطه استان به سمینار شهرها و مردم که از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ آبانماه در دانشگاه تبریز برگزار شد.
 ۴ - خرید کتابهای جغرافیا جهت کتابخانه اداره کل برای بالا بردن سطح آگاهیهای دبیران مربوطه.
 ۵ - مشترک شدن کتابخانه اداره کل به فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
 ۶ - گرفتن مجوز کلاسهای ضمن خدمت برای دبیران جغرافیای استان جهت بالا بردن سطح علمی آنان.
 ۷ - تهیه خزانه سوالات سال چهارم متوسطه (اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب) از سال ۶۴ تا ۷۱.

۸ - اعزام ۴ نفر از دبیران جهت شرکت در سمینار بررسی مسائل آموزشی جغرافیا در ایران در تاریخهای ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۷۲ به دانشگاه تربیت معلم - کرج.
 ۹ - تهیه ۱۰ فیلم آموزشی برای بالا بردن سطح آگاهیهای دبیران و آشنایی آنها با پدیده‌های تازه علمی.
 ۱۰ - ارزشیابی از درس جغرافیا در سطح استان (از نمرات خردادماه ۷۱).
 ۱۱ - بازدید از گروههای آموزشی بعضی مناطق در طی سال تحصیلی.

گزارش برگزاری سومین گردهمایی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی:

سومین گردهمایی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت تحت عنوان «جغرافیا و برنامه‌ریزی» به همت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه در روز ۸ خردادماه ۱۳۷۲ در سالن آمفی تئاتر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت و

با شرکت مسئولین، استادان و دانشجویان دانشگاه و دبیران جغرافیای استان گیلان و سازمانها و نهادهای ذریبط گیلان با سخنرانی در موضوعات زیر برگزار گردید:

۱ - سیر تحول کوچ‌نشینی و برنامه‌ریزی آن، دکتر سید رحیم مشیری دانشگاه تهران
 ۲ - جغرافیا و علوم جانی، دکتر منصور بدری‌فر دانشگاه پیام نور
 ۳ - گزارش طرح پژوهشی بررسی ساختار جمعیتی منطقه زلزله‌زده رودبار گیلان، نصرالله مولائی هنجین دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
 اضافه می‌نماید که اولین و دومین گردهمایی نیز پیرامون موضوعات جغرافیایی برگزار گردیده است.

گزارش برگزاری سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران:

سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران به منظور شناسایی مسائل جمعیتی و سطح آموزش و پژوهش این رشته از علوم انسانی در کشور، به همت مرکز جمعیت‌شناسی و همکاری دانشگاه علوم پزشکی و سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان استان فارس در دانشگاه شیراز با شرکت استادان، پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی، جغرافیا، تغذیه و بهداشت و سایر رشته‌های در ارتباط با جمعیت در روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ برگزار گردید.

از مجموع بیش از ۱۰۰ خلاصه‌مقاله و اصل گشته به دبیرخانه سمینار ۳۸ مقاله توسط شورای علمی سمینار برگزیده شده که از این تعداد ۲۸ مقاله در دو روز سمینار عرضه شد و بقیه نیز در مجموعه مقالات سمینار انتشار خواهد یافت.

مباحث این سمینار در چهار بخش، اندازه و ساختار جمعیت با ۷ مقاله، توزیع و ترکیب

جمعیت با ۱۳ مقاله، تغییرات جمعیت با ۶ مقاله و سیاست‌های جمعیتی با ۱۲ مقاله ارائه گردید. شرکت کنندگان در این سمینار از سازمانها و دانشگاههای مختلف سراسر کشور بوده که در زیر فهرست خلاصه مقالات پذیرفته شده در سمینار و قطعنامه آن آورده می‌شود:

۱ - بررسی شاخصهای سنی و رابطه آن با سواد و شهرنشینی در استانهای ایران - مریم استوار

۲ - جمعیت عشائری ایران - امیر احمدی بهرام

۳ - زناشویی، ازدواج و تشکیل خانواده در ایران - جهانفر محمد

۴ - عوامل مؤثر در تعیین ساختار و ابعاد خانوار در ایران - سادات دربندی ابوالقاسم

۵ - بررسی عوامل مؤثر بر بعد خانوار با کاربرد مدل‌های علی نمونه استان اصفهان -

شاهنوشی مجتبی

۶ - جمعیت شاغل در کشاورزی و کاهش نسبی آن - طاهری تقی

۷ - بررسی ساختار جمعیتی اقلیت‌های مذهبی ایران بر اساس سرشماری سالهای

۳۵ - ۴۵ - ۵۵ - ۱۳۶۵ کیانی خوزستانی حسین

۸ - بررسی پیرامون علل عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی مهاجرت بین

استانی در دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ اردشیری مهرداد

۹ - رشد جمعیت شهری و حاشیه‌نشینی - افراخته حسن

۱۰ - مهاجرت - باقری علی

۱۱ - توزیع و ترکیب جمعیت در ایران - پرتوآذین کبری

۱۲ - ویژگیهای جمعیت فعال (با تکیه بر وضعیت اشتغال) در استان چهارمحال و بختیاری - حسینی طاهره

۱۳ - بررسی تحولات اشتغال زنان در دو بخش صنعت و خدمات بر اساس داده‌های

سرشماری ۱۳۶۵ - ۱۳۵۵ چنگیزی مهرانگیز

۱۴ - توزیع و ترکیب جمعیت در شهرهای

جدید - ریسمانچیان علی

- ۱۵ - تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستائی ایران ۶۵ - ۱۳۴۵ رجبی ماهرخ
- ۱۶ - بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان در استان فارس - عابدی اصغر
- ۱۷ - بررسی اشتغال به کار کودکان و نوجوانان زیر سن کار در ایران - کامکار مولود
- ۱۸ - تحلیلی پیرامون توزیع و تراکم جمعیت در منطقه زلزله زده رودبار گیلان - مولائی هنجین نصرالله
- ۱۹ - منشاء، مقصد و حرکت مهاجران استان فارس طی سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ - وهابیان آمنه
- ۲۰ - مهاجرت های خارجی در ایران و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی - هدایت محمود
- ۲۱ - وضعیت شاخصهای بهداشتی ۹۳۷ خانه بهداشت استان خراسان ۱۳۷۰ - خدایی غلامحسین
- ۲۲ - بررسی وضعیت ازدواج و پارامترهای آن - فرهادی یدالله
- ۲۳ - تأثیر پس افتادگی دوره های انتقال جمعیت ایران (طی ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵) بر ساخت سنی جمعیت و نتایج جمعیتی - اجتماعی آن - کوششی مجید
- ۲۴ - طلاق - محسن پور - مهناز
- ۲۵ - مقایسه پیش بینی های جمعیتی طرحها با آمارهای سرشماری - ناصحی محمد اسماعیل
- ۲۶ - طلیعه افول رشد شتابان جمعیت کشور - نجاتیان محمدحسین
- ۲۷ - تأثیر بررسی آگاهی، عقاید، عملکرد زنان معلم همسران شهر کرمان در مورد برنامه تنظیم خانواده - اتقایی منوره
- ۲۸ - جمعیت روبه توسعه و عدم امنیت غذایی در ایران - اقتصادی شهریار
- ۲۹ - اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزند - جلال الهی عذرا
- ۳۰ - رشد شتابان جمعیت و مسئله تغذیه - خجیر کیمیا

- ۳۱ - بررسی میزان آگاهی و عقاید کارگران زن در مقایسه با کارگران مرد مؤسسه تولیددارو درباره تنظیم خانواده - دلدار محمد حسین
- ۳۲ - آموزش جمعیت گامی اساسی برای کنترل جمعیت در ایران - عباسی محمد جلال و ملکی حسن
- ۳۳ - تحرکات جمعیتی و الگوی سلسله مراتب شهری - علیزاده آهی زرین تاج
- ۳۴ - بررسی میزان شیوع کاربرد کنتراسیتیوها در زنان ۴۵ - ۱۵ سال همسران استان اصفهان لباف قاسمی رضا، مهدیزاده مرتضی و حسینی میمنت
- ۳۵ - وضعیت برنامه تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران - ملک افضل حسین
- ۳۶ - الگوی آموزشی مناسب در برنامه های تنظیم خانواده - موسوی عبد محمد
- ۳۷ - الگوهای تغییر رفتار و برنامه تنظیم خانواده ایران - مهدیار امیر هوشنگ
- ۳۸ - بررسی رفتارهای بهداشتی زنان ۴۵ - ۱۵ ساله شهرستان همدان - وطنی ناهید
-
- قطعه نامه سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۷۲
-
- با توجه به اثرات رشد سریع جمعیت ایران بر برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران توجه به نکات زیر را ضرور می داند:
- مسائل و مشکلات جمعیت در ایران را می توان از دو جنبه متفاوت و مرتبط با یکدیگر مورد مطالعه قرار داد اول: تعداد جمعیت و میزان رشد آن دوم: توزیع جمعیت
- قسمت اول: تعداد جمعیت و میزان رشد آن
- ۱ - نتایج بدست آمده از سرشماریها و آمارگیری جمعیتی نشان می دهد که جمعیت ایران در فاصله ۲۵ سال گذشته میزان رشد بسیار بالا و فزاینده ای داشته بطوریکه از ۲/۷ درصد در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ به

- ۳/۹ درصد در فاصله سرشماریهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ رسیده است. اگرچه با اعمال و توسعه برنامه های تنظیم خانواده در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ میزان رشد به ۲/۲ درصد کاهش یافته، اما هنوز هم آهنگ رشد جمعیت در ایران بسیار بالاست.
- ۲ - بالا بودن میزان رشد را می توان به عنوان یکی از موانع اساسی در برنامه های توسعه بحساب آورد، چه افزایش جمعیت ناهماهنگ با رشد امکانات اقتصادی می تواند سبب کاهش منابع ملی، کم شدن میزان پس انداز و سرمایه گذاری و پائین آمدن درآمد سرانه شده و در نتیجه در سطح خرد و کلان یعنی خانوار و کل کشور باعث افزایش میزان فقر شود.
- ۳ - افزایش جمعیت عامل محدود کننده منابع تغذیه و مواد غذایی است. در حال حاضر در ایران نحوه بهره برداری از سطح زمین های زیر کشت کفاف تغذیه جمعیت را نمی دهد. و به ناچار باید سهم عمده ای از مواد غذایی را از خارج وارد کرد. میزان بالای افزایش جمعیت تنگناهای موجود را شدیدتر خواهد کرد.
- ۴ - رشد بالا و ساختار نامناسب جمعیت مسائل آموزشی را تشدید می کند. سرمایه گذاریهای ضروری را الزامی می سازد و در شرایط عدم تحقق اینگونه سرمایه گذاریها به پائین آمدن سطح کمی و کیفی آموزش می انجامد.
- ۵ - افزایش بی رویه جمعیت نیاز به امکانات بهداشتی و درمانی را که در حال حاضر نیز محدود می باشد، توسعه داده و وضعیت بهداشت و درمان کشور را بطور منفی تحت تأثیر قرار خواهد داد.
- ۶ - تداوم ساخت سنی جوان و رشد جمعیت باز تکفل را افزایش می دهد. امکانات ایجاد اشتغال را محدود و عدم هماهنگی بین عرضه و تقاضای نیروی کار را تشدید می کند.
- ۷ - افزایش جمعیت در ایران اثر تخریبی وسیعی بر محیط زیست دارد که از

اساسی‌ترین آنها تخریب جنگل‌ها و مراتع، فرسایش خاک و اضافه شدن بار آلودگی‌ها را می‌توان نام برد.

۸ - بالا بودن میزان رشد جمعیت همراه با عدم تحول در نظام تولید اقتصادی نهایتاً به گسترش فقر منجر شده و در نتیجه بر ساختار خانواده‌ها تأثیر خواهد گذاشت و باعث افزایش طلاق، اعتیاد و نابسامانی‌های اجتماعی خواهد شد.

قسمت دوم: توزیع و پراکندگی جمعیت
۱ - توزیع نامتعادل جمعیت در سکونتگاه‌های شهری و روستایی دومین جنبه از مسائل و مشکلات جمعیتی ایران می‌باشد. وجود تعداد بسیار زیادی روستاهای کوچک و کم جمعیت و تعداد اندک شهرهای بسیار بزرگ و پرجمعیت نمایانگر ناهمگونی توزیع جمعیت در ایران است.

۲ - بخشی از افزایش شدید جمعیت شهری متأثر از مهاجرت‌های روستایی است این مهاجرت‌ها که خود ناشی از رشد بالای جمعیت است مسائل و مشکلات عدیده‌ای چون حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر، اعتیاد و توسعه مشاغل غیر رسمی را بوجود می‌آورد و موجب تکوین تضادها و تنش‌های اجتماعی پیچیده‌ای می‌شود.

۳ - علت عمده مهاجرت‌های روستایی محدود بودن فرصت‌های شغلی در روستا است و نازمانی که تعادلی بین میزان رشد و مشاغل مولد در روستاها ایجاد نشود، این مهاجرت‌ها ادامه خواهد داشت.

۴ - مهاجرین خارجی ایران که عمدتاً در شهرها ساکن شده‌اند علاوه بر افزودن بر مشکلات شهری، سبب گسترش بیکاری شده و به دلیل ناسازگاری‌های رفتاری مسائل فرهنگی فراوانی به وجود آورده‌اند.

با توجه به این مشکلات توصیه‌ها و پیشنهادها زیر می‌تواند راهگشا باشد.

۱ - نظر به اینکه گسترش میزان سواد جامعه بخصوص بالا بردن سطح آگاهی و سواد

زنان و نیز افزایش میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو عامل بسیار مهم در کاهش باروری و پائین آوردن میزان رشد جمعیت است، توصیه می‌شود که در امر آموزش و سوادآموزی زنان به ویژه در مناطق روستایی و اشتغال بانوان اهتمام کامل منظور گردد.

۲ - از آنجائیکه منع اشتغال اطفال در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین اجتماعی افراد جامعه به ویژه در مورد سالخوردگان می‌نواند نقش اساسی در کاهش سطح زاد و ولد داشته باشد، ضرورت دارد در این زمینه اقدامات مؤثری انجام پذیرد.

۳ - با توجه به این نکته که بالا بردن سطح آگاهی همگان در قبال مسائل جمعیتی عامل مهمی در کنترل میزان رشد جمعیت محسوب می‌شود لازم است نسبت به گنجاندن مفاهیم جمعیت، در چارچوب ارزشهای فرهنگی، در کتب درسی و ارتقاء این نوع آموزش‌ها در سطوح مختلف اقدام شود.

۴ - با عنایت به تجربیات مفیدی که در زمینه تأمین خدمات بهداشتی اولیه و تنظیم خانواده خصوصاً از طریق خانه‌های بهداشت روستایی در سال‌های اخیر حاصل شده است پیشنهاد می‌شود که ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی نیز در سطح روستاهای کشور براساس نوعی شبکه‌بندی روستایی به اجرا درآید.

۵ - لازم است که در مراکز علمی و تحقیقاتی، مطالعاتی مستمر در جهت بررسی روند اجرا و عملکرد برنامه‌های تنظیم خانواده و ارزشیابی فعالیت‌های انجام شده صورت پذیرد و نتایج آن در اختیار برنامه‌ریزان و مسئولین اجرایی کشور قرار گیرد.

۶ - در زمینه توزیع جمعیت، کاهش میزان رشد جمعیت، توسعه مناطق روستایی و تأمین اشتغال مناسب می‌توانند عوامل مهمی برای کم کردن مهاجرت روستائیان به حساب آیند.

۷ - ضروری است که با توزیع مناسب

امکانات و اعمال سیاست‌های مؤثر عدم تمرکز، و توسعه هماهنگ مناطق کشور، از جاذبه شهرهای بزرگ کاسته شود.

۸ - جهت اداره امور مهاجرین و نظارت بر مهاجرت‌های خارجی بایستی در برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت توسعه کشور به نقش این مهاجرین توجه کافی مبذول شده و اثرات حضور آنان در کشور را بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی و پیامدهای آن کنترل شود.

۹ - تحقیقات جمعیتی و مطالعات پیگیر و مستمر در زمینه اندازه، ساخت، توزیع، ترکیب، تغییرات و سیاست‌های جمعیتی در ایران می‌توانند نقش بسیار مهم و اساسی در ایجاد خط‌مشی‌های مناسب جهت کنترل رشد جمعیت داشته باشند. شناخت وضعیت موجود، عوامل مؤثر، نحوه تأثیر، میزان تغییرات و ارزشیابی برنامه‌های اجرا شده، برنامه‌ریزان جمعیتی را در تهیه و تدوین برنامه‌های مناسب یاری داده و زمینه را برای استقرار یک سیاست جمعیتی جامع و مناسب فراهم می‌کند.

۱۰ - با توجه به نیاز به اطلاعات دقیق و فراگیر و قابل اعتماد جهت برنامه‌ریزی‌های جمعیتی پیشنهاد می‌شود که یک مرکز اطلاعات جمعیتی وابسته به عالی‌ترین مراجع اجرایی یا علمی و پژوهشی کشور تأسیس و نسبت به گردآوری، تنظیم و توزیع اطلاعات در سطح کشور با روشی مسئولانه انجام وظیفه نماید.

۱۱ - ارتباط مستمر صاحب‌نظران و علاقمندان به موضوعات و مسائل جمعیتی نقش مهمی در شکوفایی و بسط و توسعه مطالعات جمعیتی و مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با آن دارد از این‌رو تشکیل «انجمن جمعیت‌شناسی ایران» که طی سال‌های متدای مورد تأکید بوده جنبه عملی گرفته و با مشخص شدن هیأت مؤسس و تدوین اساسنامه فعالیت‌های عملی خود را آغاز نماید.



بازگشت به گذشته‌های دور

(نقد کتاب)

دکتر عباس سعیدی

... مسأله این است که امروز دیگر دانش جغرافیا در ایران نیز از آن سرشت کوه - دشتی خود فاصله گرفته و قدم به راهی علمی نهاده است که می‌تواند ادعا کند در طرح و حلّ مسایل جای عرض اندام دارد، یعنی که به عبارت دیگر، جغرافیدان می‌تواند بگوید: «ما هم هستیم!» و این نه ادعایی است تسو خالی، که صدایی است که جغرافیدانان جوان و دانشجویان پر جوش در گلو دارند. آیا نباید با این ادعای بحق و این صدای در گلو همراه شد و به آن اشتیاق فرصت ابراز وجود داد. بگذاریم یکبار هم که شده «دیوانه‌ای» دلسوخته سنگی به چاهی اندازد و صد «عاقل» را انگشت به دهان سازد؛ راستی را چه باک؟ مگر نه این است که تا سنگی به بر که نیاندازیم، موجی از آن بر نخواهد خاست؟ بگذارید این سنگ را از سر ایجاد تحرکی در این بر که خاموش و از جوش افتاده پرتاب کنیم، تا باشد یکبار صدایی شویم که در گلوی بسیاری مانده، که گفت آب در خوابگه مورچگان.... حرف بر سر قدرندانی و اسائه ادب به بزرگتر و معلم نیست، بلکه بحث

کلیات قاره‌ها

نام مؤلف: دکتر سیدرحیم مشیری

ناشر: نشر قومس

محل، نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۱، تهران

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۳۸۳ صفحه (همراه با جداول و نقشه‌های سیاه و سفید)

قیمت: ۳۵۰۰ ریال

* * *

برسراین اعتقاد است که احترام امامزاده بر متولی واجب است. سخن بر سر سرشت و ماهیت جغرافیای امروزی است و نه بازگشت به گذشته‌های دور بعضاً شرم‌آگین؛ بر سر آنچه که باید باشد و آنچه که نیست. راستی چند بار باید سؤال کرد «جغرافیا چیست؟» لابد پس از این همه بحث و فحص و تشکیل سمینار و کنگره و سخنرانی و مقاله و کتاب در سالهای اخیر، دیگر باید لااقل دانسته باشیم «چه چیزی جغرافیا نیست!»

امروز دیگر زمان آن گذشته است که جغرافیا مجموعه اطلاعاتی باشد پراکنده از این سرزمین و آن کشور، از بلندترین کوهها و گودترین دره‌ها، یا قیافه و ریخت این گروه و طایفه و نژاد و خون آن یکی... این گونه اطلاعات، امروز حتی نزد مبلغین دیرینه آن یعنی استعمارگرانی که زمانی با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها سعی در وحشی خواندن دیگران و برتر شمردن خون و آئین خود داشتند نیز ارزش و اعتبار خود را از دست داده است؛ راستش در آن عرصه نیز زمان دگر شده است و ابزار سلطه نیز دیگر.

در این میان، مسأله این است: دانش جغرافیا و جغرافیدان در این بلبسوی در هم ریخته و عالمگیر غارتگری جهانی و این نابسامانی آفرینی روندهای زائیده پیر بهره‌کشی و استثمار در چهارچوب مناسبات شمال و جنوب و به سخن روشن‌تر، در برابر این نابرابریهای فضایی، اجتماعی - اقتصادی در مقیاس محلی، منطقه‌ای و جهانی چه حرف و سخنی شنیدنی دارد و چه ابزاری برای چاره‌جویی؟ تا کی باید بنشینیم و بخوانیم: از ویژگیهای اقتصادی قاره آسیا یکی برخورداریم از «خدمه قانع و فراوان» است؟ تا کی باید بشنومیم که ترکها چه نوع «خونی» دارند و آن قوم دیگر چه خونی؟ تا کی باید با آرامش و سکوت در کنار هیاهوی دیگران بیاموزیم که مغولها «موهایشان بلند و به رنگ سیاه و صاف و گاهی سیخکی» است؟ تا کی باید بخوانیم در ژاپن «کارگران و زارعین بیشتر کوتوله‌اند»؟ تا کی باید یاد بگیریم، «در مناطق توندرا روباههای سفیدی زندگی می‌کنند که برای غذای کافی فعالیتی شدید دارند»؟ تا کی باید... بشنومیم و بخوانیم و یاد بگیریم و نرسیم اینهمه برای چه؟ مگر نه اینکه در غالب بحثهای نظری خود در چهارچوب آموزش جغرافیا، از کنش و واکنش می‌گوییم؟ بیایید این بحث نظری را کمی هم چاشنی عملی بدهیم و دریچه‌ای بگشاییم برای آن صدای خفته مشتاق در پس حنجره‌ای که می‌خواهد فریاد شود و نمی‌شود..... و نتیجه: دلزدگی و وازدگی از این دانش بنیادی، تا جایی که کمتر جغرافیدانی با رغبت و افتخار خود را جغرافیدان معرفی کند. پس شاید به بهانه نقد «کلیات قاره‌ها»، دریچه‌ای باز شود به چشم‌اندازی نو از مرهم نهادن بر دردهای کهنه: چشم‌اندازی که در آن از سردرد و برای نشان دادن سردرد برخاسته از افاضات ملال‌آور، عطر دانشی مسأله‌پرداز و چاره‌جو جستجو و پراکنده شود. و البته باشد که

حد انصاف نگهداریم و نگه دارند و اگر خطا می‌گوییم، اغماض نکنند و راه از چاه باز نمایند و اگر حقی در میان است، گوشی شویم شنوا و دست و کمری آماده خدمت حق.

* * *

اولین نکته در برخورد با هر کتابی شاید این باشد که چه ضرورتی برای تألیف آن وجود داشته یا دارد؟ شاید بعضی بر این عقیده باشند که فقر منابع جغرافیایی به زبان فارسی توجیه‌کننده نشر هر نوع کتاب جغرافیایی است. بعضی دیگر ممکن است عقیده داشته باشند، هر کس این حق را دارد کتابی را که خود تشخیص می‌دهد برای جامعه می‌تواند مفید باشد، چاپ و نشر کند، اگر چه عده‌ای آن را نپسندند. شاید این نظر کلی مقبول برخی دیگر باشد که دیدگاهها مختلف است و هر کس حامل دیدگاه خاص خویش است. بنابراین بنابر مثل مشهور، هر کتابی ارزش یک بار خواندن را دارد.

نظرات احتمالی فوق یا هر نظر دیگری در مورد تألیف و نشر منابع علمی در جای خود متین و شاید بعضاً قابل قبول، اما در اینجا سخن بر سر کتابی است درسی - دانشگاهی که ظاهراً زمینه‌پرداز گنجاندن درسی ۳ واحدی در برنامه جدید دوره آموزش کارشناسی جغرافیا در کشور بوده است^{۱*}. بنابراین، به این کتاب نباید به عنوان کتابی «آزاد» نگریست، بلکه باید آن را به عنوان کتابی درسی سنجید. اینکه چه دلایلی واقعاً در پس گنجاندن این درس در برنامه جدید آموزش جغرافیا خوابیده است، بماند برای مجالی دیگر، اما آنچه که دانشجویان باید با گذراندن این ۳ واحد فراگیرند، فصل مشترک این کتاب و آن درس است.

یک چیز، قبل از هر چیز مسلم است و آن اینکه در دنیای پرتلاطم امروزی شناخت و ویژگیها و مناسبت جهانی از جهات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امری است لازم برای تمامی آحاد انسانی، اما به ویژه برای دانشجوی جغرافی. شناسایی علل، ضوابط و اهداف خوابیده در پس تفکیک سرزمینها به شرق و غرب، شمال و جنوب و جهانهای چند گانه از این دست مقوله‌های آموختنی است. اما آیا سر فصل تعیین شده برای آن درس و محتوای پیش‌بینی شده برای این کتاب پاسخگوی این مهم می‌تواند باشد؟ بی‌آید با هم گذری داشته باشیم بر بخشی از محتوای این کتاب.

از آنجا که در این کتاب عملاً هر یک از قاره‌ها به تفکیک و نوبت مورد مطالعه و معرفی قرار گرفته‌اند، در اینجا به منظور پیشگیری از اطاله کلام، تنها مطالب ۶۸ صفحه آغازین کتاب، یعنی چیزی حدود ۱۸٪ از محتوای آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. که گفت: مشت نمونه خروار است. این ۶۸ صفحه اتفاقاً به قاره آسیا پرداخته است: قاره

تفاوتها، تنوعات و نابرابریها، یعنی به تعبیری شیره و زمینه‌ساز بررسیهای جغرافیایی. پیش از آن، بد نیست نظری هم به پیشگفتار کتاب داشته باشیم. این پیشگفتار دو صفحه‌ای، کتاب را این گونه معرفی می‌کند:*

«در این کتاب از جغرافیا (؟) کلیات قاره‌ها پراکندگی خشکی‌ها تحت عنوان قاره‌ها به طور مجزا مورد مطالعه قرار می‌گیرد» (ص ۱۶).

و سپس در معرفی دانش جغرافیا در همین پیشگفتار آمده است: «این علم از تخیلات سیر و سفر و اکتشاف (؟) تا مشاهدات تاریخ (؟)، تکامل خود را پشت سر گذاشته است امروزه دانشجویان این رشته علاوه بر مطالعات جزوات و کتب جغرافیایی که به صورت نظری می‌خوانند (؟)، در آزمایشگاه کارهای عملی مثل آزمایش خاک و سنگ (؟)، تهیه نقشه و غیره (؟) را انجام داده و سرانجام بایستی مشاهده این پدیده‌ها را روی زمین (؟) تجربه کنند (!)» (همانجا).

گذشته از جملات ضعیف که غالباً با قواعد نوشتاری زبان فارسی نیز بیگانه‌اند، تنظیم و ارائه مطالب کتاب به شیوه‌ای به انجام رسیده است که «بدیهیات در جغرافیا»^{۳*} را نیز به ابهام می‌کشاند، مثلاً در آغاز معرفی قاره آسیا و برای تبیین مرز میان اروپا و آسیا و یا مرز اروپا و اوراسیا (هکذا) چنین آمده است:

«از طرفی این مرز همواره از خط الرأس کوهستان اورال نمی‌گذرد و مورد تقسیمات نواحی سیاسی داخلی شوروی سابق هم نیست (!)» (ص ۱۹).

گویا مؤلف محترم خود متوجه گنگ بودن مطلب می‌شوند، چرا که به دنبال آن فوراً اضافه می‌فرمایند:

«جغرافیای علمی می‌بایست از نظرگاه تقسیمات قاره‌ای، خشکیهای زمینی (؟) آسیا و اروپا را در قالب یک وحدت جغرافیایی قرار داده، مجموعه آن دو را اوراسیا بنامد» (همانجا).

مؤلف با تبیین جایگاه جغرافیای علمی، برای جلوگیری از اغتشاش در فهم اصطلاح «اوراسیا» و تبیین صحیح مفهوم آسیا، مبحث روسیه که البته منظور ایشان اتحاد جماهیر شوروی (سابق) است را پیش می‌کشند و می‌افزایند:

«از طرفی در پاره‌ای گزارشها و نقشه‌های جمعیتی و سا به منظورهایی از مبحث (؟) در مورد روسیه آسیا و روسیه اروپا را که از نظر سبک سیاسی و اقتصادی یک واحد بزرگ جغرافیایی است به صورت یک منطقه بزرگ کره زمین (!) ارائه می‌کند.» (ص ۲۰)

و باز گویا ایشان متوجه می‌شوند که دو اصطلاح روسیه اروپا و روسیه آسیا نه تنها مسأله‌ای را روشن نساخته، بلکه ممکن است باعث سردرگمی و گیجی بیشتر خواننده و دانشجو نیز بشود، این است که اضافه می‌کنند:

«دیگر اینکه به اسمی از روسیه اروپا و روسیه آسیا اشاره نمی‌کنند (!)» (همانجا).

البته فاعل جمله در پس این مبهمات گم شده است که لابد منظور جغرافیدانان هستند.

در کتاب کلیات قاره‌ها در تبیین واژه آسیا آمده است:

«اصطلاح آسی نام سرزمین ترکیه فعلی و ماورای آن اصطلاح ارب نام یونان قدیم و مغرب آن بوده است» (ص ۱۹).

البته منظور نویسنده محترم از «سرزمین ترکیه» لابد کشور ترکیه است که در این عبارت می‌بایست لاقلاً شبه جزیره آناتولی گفته می‌شد، بگذریم. اما از آنجا که صاحب این قلم به عنوان جغرافی خوانی قدیمی در هیچ منبعی چنین مطلبی را ندیده بود، به دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نگاهی انداخت. ببینیم در این مرجع این مطلب چگونه آمده است:*

«منشأ نام آسیا به درستی معنوم نیست. بنا به روایت هرودوت یونانیان تصور می‌کردند آسیا بر اساس نام پرومته نامگذاری شده است. در مقابل، لیدیائیها معتقد بودند نام آسیا از نام آسیس پسر کوتیس گرفته شده است. متأخرین نام آسیا را مأخوذ از کلمه آسوری یا فنیقی آسو یا آسو به معنای طلوع آفتاب و سرزمین واقع در شرق می‌دانند. در مقابل این لفظ، در همین زبانها، لفظ ارب به معنای غروب آفتاب وجود دارد که از آن نام اروپا و (احتمالاً) عربستان منشاء گرفته است.»

(ص ۳۷۹)

به طور کلی اطلاعات ارائه شده در «کلیات قاره‌ها» گذشته از همه نارسائیهایش، غالباً اطلاعاتی «دایرةالمعارفی» و عمدتاً بسیار قدیمی است، تا جایی که در مسابقات سرگرم کننده صدا و سیما نیز نمی‌توان به آنها تکیه کرد. مثلاً جمعیت قاره آسیا را «بیش از دو میلیارد نفر» می‌داند (ص ۱۹)، اما بی‌نظمی در تنظیم مطالب کتاب باعث شده است تا در جایی دیگر این رقم را برابر ۳/۲ میلیارد نفر ذکر کند که البته به هر حال «بیش از دو میلیارد نفر» مذکور است.*^۵ و یا نویسنده محترم در جای دیگر می‌نویسند:

«پاکستان تقریباً انحصار کنف جهان را دارد و لکن کارخانه‌های مربوط به این ماده بیشتر در خارج کشورند» (صص ۸۱-۸۲). که ظاهراً منظور ایشان از پاکستان، بنگلادش است که پیش از این، قسمتی از پاکستان بوده است. و یا در مورد صنعت و صنعتی شدن کشورهای آسیایی در کتاب آمده است:

«هند، چین، کره و اندونزی قلمرو وسیع مردمی است که از قدیم‌ترین ازمنه تاریخی معیشت خود را از راه بهره‌برداری از زمین و آبهای روان و راکد اطراف (؟) تأمین کرده‌اند..... به جز ژاپن نمی‌توان کشور دیگری را در این میان نام برد که مسابانی اقتصادی به کلی صنعتی شده باشد» (ص ۶۵)

و ما نیز فراموش می‌کنیم که امروزه کره جنوبی خود از لحاظ صنعتی «بچه غولی» شده است و افتاده به جان ژاپن و یا از صنعت چین و هند چیزی نمی‌گوئیم، اما بگذارید از لحاظ «مبانی اقتصادی» و فعالیتهای بخشهای سه‌گانه بینیم وضعیت ژاپن در مقایسه با برخی کشورهای دیگر چگونه است: در حالی که ژاپن به عنوان غول صنعتی آسیا، ۳۴/۵٪ از فعالین خود را در بخش صنعت دارد، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ به ترتیب نشانگر رقم ۴۲٪، ۳۸٪ و ۵۷٪ هستند. البته اینها شهر - کشورهای هستند در کنار کره شمالی، مالزی و بعضی دیگر.*

به طور کلی، یکی از ویژگیهای کتابهای خوب درسی - دانشگاهی ارائه مطالب علمی و امروزی به زبانی ساده و در قالب جملاتی حتی المقدور سلیس و روشن است. کتاب کلیات قاره‌ها نه این را دارد و نه آن را، یعنی نه اطلاعاتی نو به دست می‌دهد و نه اطلاعات کهنه خود را در قالب جمله‌هایی درست و مبتنی بر قواعد زبان بیان می‌کند. به نمونه‌هایی چند توجه کنیم:

«ژاپن جهان را از جهان صنایع خود (؟) متعجب گردانیده است» (ص ۴۵).

یا:

«از نظر درجات حرارت حداکثر و حداقل گرما در جدول درجه حرارت جهانی (؟) از آسیا گزارش شده است» (ص ۲۹).

یا:

«درباره حرکت توده‌های مختلف هوا در آسیا اطلاعات جامعی نداریم تا بتوانیم تصویر آن را (؟) با دقت لازم علمی منعکس کنیم، و در اینجا نیز لزومی ندارد (!) ولی باید اشاره کرد که به‌طور کلی هوای قطبی، حاره‌ای، استوایی را می‌توان تا داخل آسیا تعقیب نمود» (ص ۲۹).

یا:

«جهت‌گیری و طرح بخش کوهستانها (؟) و ارتفاع زیاد اکثر آنها این تفاوت اقلیمی ساحل و داخل آسیا را شدت می‌دهد» (ص ۲۷).

یا:

«در واقع نسبت دیرینه جغرافیایی تقسیم اروپا و آسیا (؟) هنوز به نوشته‌های جغرافیایی غلبه دارد (!)» (ص ۲۰).

یا:

«توقف در کار کشاورزی یعنی توقف معیشت و تنزل بقای حیات» (ص ۵۱).

یا:

«زندگی مدنی به اتکای صنایع محلی و تجارت داخلی و بین‌المللی و سازمانهای سیاسی و مذهبی غالباً در این نقاط است» (ص ۶۶).

یا:

«انواع خرنندگان در سیلان بخش اعظم هندوستان خاصه مارها وجود دارند (؟)» (ص ۳۶).

یا:

«یکی از مفیدترین تقسیمات فرعی آسیا چگونگی اوضاع جغرافیایی طبیعی سراسر قاره است» (ص ۳۶).
اگر خسته نشده‌اید، باز بخوانید:

«الاع بهترین وسیله حمل و نقل بار انسان است زیرا وسایل چرخدار کافی نیست» (ص ۵۲).

یا:

«در ورای اراضی کشت شده و کشتزارها (؟) شتران می‌چرخند» (ص ۵۲).

یا:

«این توده‌های متعدد هوا بعضی‌ها با منشاء دریایی و عده‌ای با منشاء قاره‌ای با تغییر فصل جابجا می‌شود» (ص ۲۹).

یا:

«برای آنکه بتوان تفاوت سطح زندگی و چگونگی پیشرفت اقتصادی آسیا را دریافت. بهترین راه تهیه نقشه‌های اقتصادی است که بتواند پیشرفت سال را بر صفحه و نقشه نمودار تعیین کند» (ص ۴۹).

یا:

«لکن به هر حال و به هر صورت (؟) اثر عوامل محلی در به وجود آوردن انواع رستنی متعلق به یک نوع اصلی اقلیم بسیار زیاد است» (ص ۳۲).

یا:

«آسیا مهد مذاهبی عمده است و در کتب مذهبی برای مناطق آن (؟) احترامات و شئونی خاص مشاهده می‌کنید (!)» (ص ۶۰).

و کتاب پُر است از جملاتی این چنین که نه در شأن مؤلف محترم آن است و نه در شأن هیچ کتاب درسی - دانشگاهی.

در جای دیگری از کتاب آمده است:

«در چنین حوضه‌های خشک جهت رودخانه‌ها به سمت داخل

برمی‌دارند» (ص ۶۴).

یا:

«تکنیک جدید و سازمان حکومتی خاص (۴) به کمک این مردم متفرق رسیده است (۴) و انواع معیشت تازه‌ای (۱) در زندگی آنها پدیدار شده است» (همانجا).

و یا:

«کوششهای فراوانی در زمینه مهار کردن رودها و ایجاد مراکز مولد برق و صنعتی کردن مناطق فوق به عمل آمده به حدی که چهره زمین و زندگی مردم بکلی دگرگون شده است... مختصر آنکه مردم این سامان سابقاً از آنچه داشتند بی‌خبر بودند (۴) و برای تحصیل آنچه که نداشتند به هر کاری حتی قتل و غارت و یورش دست می‌زدند (۱)» (همانجا).

بگذریم از این که برای هر جغرافیدان و جغرافی‌خوانی از واجبات علمی است که توجه داشته باشد، روسیه کشوری است و اتحاد جماهیر شوروی مجموعه‌ای از «جماهیر»، همانطور که خود می‌بود، بنابراین به کار بردن این دو لفظ به جای هم و ارائه اطلاعاتی این چنین در یک کتاب درسی - دانشگاهی به هر حال نادرست است و ناسبجا. البته می‌دانیم که برخی نویسندگان غربی با موضعی خاص در کتابهای خود تا مدتها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، هنوز به جای نام جدید (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) آن سالها، لفظ روسیه و حتی گاهی الفاظ خرس و خوک را به کار می‌بردند. باز بگذریم از اینکه کتاب هیچ‌جا به این مسأله حتی اشاره‌ای هم ندارد که چرا «اتحادی» به آن وسعت که بر بنیاد انقلابی تاریخی استوار بود، به پدیده‌ای مربوط به «سابق» بدل شد و چه تضادها و روندهایی زمینه‌ساز این تبدیل بود.

معضل عمده دیگر کتاب نحوه نگرش و رویکرد نویسنده محترم آن است به مقولاتی مانند نژاد، خون، تمدن و مانند آن. باز هم بگذریم از اطلاعات نادرستی که در این ارتباط ارائه شده است، مثلاً در نقشه پراکندگی نژاد در آسیا (ص ۵۴) که در آن یهودیان، قفقازها، دراویدها و جالب‌تر از همه «بقایای قومی آسیایی» (۴) به عنوان نژاد معرفی شده‌اند و یا اطلاعاتی مانند:

«قفقازها که زیبایی خیره‌کننده آنها (۱) بعضی محققین (۴) را به اشتباه به این قضاوت و ادائته که اینان منشاء و هسته (۴) نژاد سفید می‌باشد» (ص ۵۶).

یا:

«اراضه و کردها به نظر می‌رسد که از انشعابات ایرانیان و سامی‌ها (۴) باشند» (همانجا).

و یا:

«آسیا مهد نخستین انسان آفریدگار جهان است»

(ص ۶۰).

خشکی است یا بیشتر شبکه‌های رود (۱؟) از نوع متمایل به مرکز می‌باشد نه از نوع متافر از مرکز (۴) در نواحی مرطوب عالم» (ص ۴۳).

علامت سؤال دوم این جمله از نویسنده محترم کتاب است. به نظر می‌آید ایشان خود نیز معنای متافر از مرکز را متوجه نشده و یا احتمالاً علامت زده‌اند تا بعد در فرصتی اصلاح نمایند، اما باز ظاهراً فراموش کرده‌اند و مطلب را به همان صورت به چاپخانه سپرده‌اند. البته روشن است که منظور «متافر از مرکز» است که برابر نهادی بسیار مهجور و نامقبول است.

راستی را اگر نام استاد با سابقه جغرافیا، آقای دکتر مشیری بر روی کتاب نبود، البته گمان می‌رفت که کتاب حاصل کار گروهی از دانشجویان است که سیاه مشق ترجمه کرده‌اند؛ البته نام ایشان قاعدتاً هرگونه شبهه‌ای از این دست را از میان برمی‌دارد.

یکی از معضلات عمده کتاب کلیات قاره‌ها، نحوه برخورد نویسنده آن با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق و ارائه اطلاعات دربارهٔ جمهوریهای تازه استقلال یافته آن است. به طور کلی، در هیچ‌جا از این جمهوریهای مستقل نامی در کتاب نیست و هرچه هست تحت عنوان شوروی سابق، روسیه اروپا و یا به طور کلی روسیه است؛ اگر هم در جایی نامی از مثلاً مغولستان می‌آید، باز در همین چهارچوب است. نویسنده محترم کتاب برای پوشاندن این نقیصه مهم، همه‌جا ضمن تکرار مطالب کهنه دربارهٔ این مجموعه از کشورها، کلمه «سابق» را به دنبال شوروی بسته و بدینسان کار فیصله یافته است.

در واقع، تحولات و دگرگونیهای سیاسی پدید آمده در سالهای اخیر که خود حاصل سالها نبرد نیروهای اجتماعی - اقتصادی و نابرابریهای فضایی در درون این مجموعه بزرگ از یکسو و تحولات جهانی از سوی دیگر بوده است، ظاهراً برای نویسنده امری بوده است قابل چشم‌پوشی، تا جایی که حتی سایه‌ای از اینهمه بر مطالب کتاب نیز نیافتاده است - شاید بتوان پذیرفت که در زمان چاپ و نشر کتاب (۱۳۷۱ ش و ۱۹۹۲ م) هنوز منابع کافی دربارهٔ این مجموعه از هم‌گسیخته در دسترس نبوده است و نویسنده محترم به ناگزیر به همان مطالب قدیمی و کهنه اکتفا کرده است. اگر چنین فرضی را بپذیریم، معضل دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه منابع مورد استفاده نویسنده متعلق به چه سالهایی بوده است؟ به عبارتی از کتاب در این باره نگاهی بیاندازیم: «مردم جمهوریهای میانه شوروی سابق از مغولستان گرفته تا ترکمنستان از سی سال قبل به این طرف (۴) در مسیر تازه‌ای گام

بله بگذریم از این گونه عبارتها و ببینیم نویسنده محترم در مورد «تمدن آسیایی» چه نظری دارند:

«تمدن آسیایی گویی از سطح معینی بالاتر نرفته (؟) غالباً با یک شکستگی و درخشانی شروع شده و پس از رسیدن به منطقه اوج (!) در جا زده و افول کرده است و بندرت با زمان و حوادث تاریخی منعطف شده (؟) یا تکامل یافته است جمود و رکود در بسیاری از سنن اجتماعی و اقتصادی در همه جا (؟) مشهود است و اگر انقلابات صنعتی و ادخال تکنیک جدید را که سابقه اش به ۷۰ سال نمی رسد فراموش کنیم (!؟) این جمود بیشتر محسوس می شود» (ص ۶۵).

و یا در مورد کشورهای آسیای جنوب غربی (شامل ایران) می فرمایند:

«حقیقت آن است (؟) که مردم این سامان در نیم قرن اخیر رشدی ناموزون و ناهماهنگ یافته اند ظواهر زندگی به نسبت مبانی اقتصادی آن تغییر نیافته (!) و همین باعث دردسرهای (؟) فراوان سیاسی و اجتماعی شده است» (ص ۶۶).

در اینجا حتماً اگر فراموش کنیم از نویسنده محترم پیرسیم با فرض پذیرش این نظرات، چرا و براساس چه نیروها و عوامل تاریخی - سیاسی و اجتماعی - اقتصادی چنین شده است، باز این پرسش را داریم که نویسندگان توجیه گر اعمال سیاستمداران کشورهای غربی که لااقل در تاریخ معاصر بشری به تفاوت زمانی در پی دستیابی به منابع و ذخائر و کسب زور و سلطه در آسیا دست به خونریزیها و مردم کشیها آورده اند، چگونه در مورد «تمدن آسیایی» و متردم آن قضاوت کرده و می کنند؟ آیا فقر منابع جغرافیایی به زبان فارسی و دست یازی به منابع غربی توجیه گر انتقال هرگونه اطلاعاتی است؟ اگر چنین نیست، این جمله ها چیست:

«در نخستین بررسی اقتصادی آسیا با توجه به علل جغرافیایی (؟) از دو نقطه نظر غنی است: ۱ - خدمه قانع و فراوان (و) ۲ - مناطق مساعد کشت خاصه در قلمرو بادهای موسمی» (ص ۷۲).

و یا توجه کنیم به اهمیت «خون» و «ویژگیهای نژادی» ترکها در کتاب:

«اما ترکها از نظر نژاد شناسان بیشتر خون سفیدها را دارند و کمتر خون مغولی.... این مردم قدی کوتاه و یامتوسط دارند (؟) و موهای صاف سیخکی (!) و آنها که در نواحی منجمده اند (!) لباسشان غالباً از پوست حیوانات بوده (؟) و از حیوانات آن منطقه معیشت کرده و بسیار تمیز به نظر می رسند (۱۲). این اقوام هوش و استعدادی متوسط دارند (!)» (ص ۵۵).

و یا در مورد «نژاد مغولها» می فرمایند:

«رنگ آنها مایل به زرد و موهایشان بلند (؟) و به رنگ سیاه و صاف و گاهی سیخکی ریش تنگ (منظور تنک است) و کم مو.... با پلکهایی به طول جانبی نیمه باز»

(ص ۵۳)

و بعد بلافاصله ظاهراً در مورد این اصطلاح آخر توضیح داده شده که این یک «اصطلاح نژادشناسی» است (همانجا). نویسنده محترم اضافه می فرماید «ژاپنی ها چشمانی راست دارند» (همانجا). ایشان حتی تلویحاً این عقیده را مطرح نمی سازند که وضعیت شغلی افراد در علائم نژادی آنها تاثیر می گذارد، مثلاً کارگران و کشاورزان ژاپنی بیشتر کوتوله اند و صورتی کشیده دارند؛ لطفاً خود درباره ژاپنی ها از قلم نویسنده بخوانید:

«وضع صورت در طبقات مختلف به مرور تفاوتهایی به وجود آورده است مثلاً کارگران و زارعین بیشتر کوتوله اند و صورتی کشیده دارند و بینی شان پهن گونه هایشان برجسته است» (ص ۵۵).

انصاف بدهیم که آیا صحیح است مردم حاشیه بیابان را (که نویسنده محترم خود نیز از اهالی حاشیه بیابان است) «اساساً وامانده» بخوانیم؟ در این باره در کتاب آمده است:

«زندگی بیابانی (؟) نیز نوعی کوچ نشینی است (؟) و متعلق به سکنه حواشی بیابانهاست (!) معیشت این مردم بسیار سخت و اساساً وامانده اند»

(ص ۶۶).

اگر نظر کتاب درباره «زوال استعمار در قرن بیستم» در آسیا را به این مجموعه از اطلاعات اضافه کنیم، نگرش حاکم بر «کلیات قاره ها» آشکارتر خواهد شد. در این کتاب پس از برشمردن سه علت اساسی این زوال، یعنی «اثرات مضاعف کشمکش بین الملل غربی در دو جنگ جهانی، تبدیل ژاپن به یک قدرت بزرگ و ظهور نهضت های ملی و ضد استعماری به زعامت تربیت شدگان اروپا و آمریکا»، می خوانیم:

«در خاتمه جنگ جهانی دوم استعمار غرب در چین دیگر از امور گذشته محسوب می شد و پس از جنگ درخواستهای مبرم مردم مستعمرات باعث شد که بریتانیا از امپراتوری هند، سیلان، برمه و هلند از هند شرقی دست بکشد (؟)، مستعمرات بریتانیا به کشورهای مستقل هندوستان، پاکستان، سیلان، برمه، مالزی، نپال و بوتان و مستملکات هلند به کشور جدید مستقل به نام اندونزی تبدیل شد.

ضمناً ایالات متحده آمریکا در وفای به عهدی (؟) که قبل از جنگ

جهانی دوم با فیلپین کرده بود به آن کشور استقلال داد (!) و ژاپن مجبور شد که از امپراتوری وسیع هند در شرق (؟) و منطقه اقیانوس آرام صرف نظر کند» (صص ۶۹ - ۷۰).

در جای دیگر کتاب، درباره مذهب در آسیا آمده است: «این واقعیتی است که در طول تاریخ هریک از ملل این قاره وسیع از لحاظ محیطهای جغرافیایی (؟) مذهبی ملی (!؟) برای خود به وجود آورده که با روح و محیط و حال او ارتباط و سازگاری نزدیکی داشته است» (ص ۶۱).

و در همان صفحه نویسنده محترم نوشته اند: «به لحاظ آنکه خود مسلمانیم لازمست شرح آن را جداگانه و مفصل مطالعه کنیم» (همانجا)

و البته منظور ایشان دین اسلام است که باید جداگانه بررسی شود، اما به قولی که می دهند واقعی نمی نهند و نه تنها هیچگونه شرح جداگانه و مفصلی نمی دهند، بلکه هیچ جمله و عبارتی در ارتباط با اسلام و چگونگی گسترش و پراکندگی آن در آسیا مطرح نمی سازند. بگذریم از اینکه در زیر عنوان «اسلام» (شماره ۴ - ۵ - ۲ صفحه ۶۱ در عوض) می پردازند به مذهب کنفوسیوس و تائوئیسم (که در کتاب تائوئیسم آمده) و سایر مذاهب و فرقه های مذهبی چین و ژاپن.

این جغرافی خوان بالاخره هم نفهمید چرا نویسنده محترم کلیات قاره ها اینهمه در به کار بردن واژه ها و ترکیبهای مهجور اصرار دارند، مثلاً:

— «از قدیم ترین ازمنه تاریخی» (از جمله در ص ۶۵) به جای: از گذشته دور؛

— «صناعت» (همانجا) به جای صنعت، فعالیت صنعتی؛

— «ادخال تکنیک» (همانجا) به جای بهره گیری از دانش فنی؛

— «امپراتوران قوی پنجه آسیا» (ص ۶۶) به جای؟!؛

— «زندگی مدتی» (همانجا) به جای شهرتینی، زندگی شهری؛

— «ادخال ماشین» (همانجا) به جای بهره گیری از ماشین؛

— «کشاورزی غیر ثابت» (ص ۷۱) به جای کشت انتقالی؛

— «سیک سیاسی و اقتصادی» (ص ۲۰) به جای نظام سیاسی

و اقتصادی؛

— «عقد کوهستانی» (ص ۲۳) به جای مجموعه کوهستانی؛

— «معرفت الارضی» (ص ۳۶) به جای زمین شناسی؛

— «قطعات گیاهی» (ص ۴۱) به جای؟

— «کم زرع» (ص ۴۴) به جای با کشت محدود، زراعت ناچیز؛

— «ارباب صنایع ممالک باختری» (ص ۶۹) به جای صاحبان

صنایع غرب؛

— «متراکم النفوس» (ص ۷۷) به جای پرجمعیت؛

— «دسته های کثیرالعدد» (ص ۳۵) به جای تعداد فراوان.

باز از اینها هم گذشته، نویسنده محترم از اصطلاحها و مفاهیم علمی «تازه ای» استفاده کرده اند که احتمالاً بسیاری — از جمله این حقیر — در فهم آن در خواهند ماند، از این جمله است:

«تخیلات سیر و سفر (ص ۱۶)، مشاهدات تاریخ (همانجا)، مذهب

ملی (صص ۶۱ - ۶۲)، هند شبه جزیره ای (ص ۳۶)،

جغرافیای زیست شناسی (به جای جغرافیای زیستی در ص ۳۲)،

خرسهای قطب سفید (به جای خرسهای سفید قطبی در ص ۳۵)،

وادیه های مشروب (ص ۶۴)، خشکیهای زمینی (ص ۱۹)،

درجه حرارت جهانی (ص ۲۹)، ارقام نهایی (همانجا)،

آب و هوای فوق العاده (همانجا)، نظرگاه تقسیمات قاره ای (ص

۱۹)، کوههای برقین (ص ۶۶)....»

معضل دیگر کتاب مأخذ مورد استفاده آن است. منابع و مأخذ

انطور که در فهرست پایانی کتاب آمده، بسیار نارسا و ناکافی می نماید.

از روش نادرست معرفی مأخذ که بگذریم، نویسنده محترم مطابق

شماره های به کار رفته، جمعاً از ۳۷ منبع به زبان فارسی و ۱۲ منبع به

زبان خارجی بهره جسته است.

از میان منابع فارسی، پنج مأخذ مربوط می شود به اطلسهای

جغرافیایی که در اختیار فارسی زبانان است، از جمله اطلس

گیتاشناسی و گیتاشناسی کشورها و چهار ماخذ نیز از جزوه های

درسی، از جمله جزوه «کلیات قاره ها» متعلق به نویسنده است. ضمناً از

هفت کتاب مربوط به جغرافیای عمومی جهان، از جمله جغرافیای

عمومی جهان (۱۳۴۰) و جغرافیای کامل جهان (۱۳۴۰) استفاده شده

است. علاوه بر این، کتابهای متفرقه ای از جمله «کشورهای آسیای

غربی و همجوار ایران» تألیف احمد احتسایان (بدون تاریخ چاپ) که

تا آنجا که این قلم بیاد دارد باید حداقل ۴۰ سالی عمر داشته باشد، یا

جغرافی کشورها تألیف علی بابا عسکری یا جغرافیای سیاسی جهان

تألیف کمیته فرهنگی جهاد سازندگی و یا جغرافیای صنعتی جهان که

باز اگر اشتباه نکنم، چاپ اول ترجمه فارسی آن مربوط می شود به سال

۱۳۳۸ شمسی و یا کتاب خلاصه جغرافیای طبیعی عمومی

از دومارتون و مانند آن، مورد مراجعه قرار گرفته است. پنج کتاب

مربوط به ایران نیز به عنوان مرجع معرفی شده اند که از آن جمله است

گیتاشناسی ایران (جلد اول) تألیف عباس جعفری و کوهها و کوهنامه

ایران. در میان منابع فارسی کتاب، دو سه ماخذی دیده می شود که به

مفهوم امروزی ارزش علمی دارد، از آن میان کتاب «جغرافیای

کاربردی و مکتبهای جغرافیایی» تألیف دکتر حسین شکویی است که در «کلیات قاره‌ها» به خطا «جغرافیای کاربردی و کتب جغرافیایی» چاپ شده که آنهم معلوم نشد در کدام قسمت از مطالب کلیات قاره‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

از جمع ۱۲ ماخذ خارجی ارائه شده در «کلیات قاره‌ها»، باز چهار ماخذ اطلس است که مربوط می‌شود به سالهای ۱۹۵۵، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ میلادی. دو ماخذ دیگر نیز در واقع فرهنگ و کتاب کمک درسی جغرافیایی است به زبان آلمانی که مربوط می‌شوند به سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۸۹ (که البته این دومی از چاپهای متاخر کتابی قدیمی است). ضمناً ماخذ شماره ۶، ۸ و ۱۰ اصولاً کتاب و ماخذ نیستند، زیرا اولی نام ناشری است آلمانی، دومی یعنی «اهل آمریکای شمالی» و سومی را می‌توان چیزی نزدیک به «اهل آمریکای جنوبی و مرکز» ترجمه کرد که بدون نیاز به ذکر توضیحی بیشتر، نه در انگلیسی و نه در فارسی معنایی ندارد. بنابراین جمعاً به جز اطلسهای چهارگانه و فرهنگهای دو گانه قدیمی، می‌ماند دو کتاب باز قدیمی که به صورتی ناقص معرفی شده‌اند، اما می‌دانیم که از کتابهای قدیمی راهنما به زبان آلمانی درباره اروپا و آفریقا به شمار می‌روند.

از اینهمه گذشته، در نوشتن کتاب کلیات قاره‌ها، در کنار بی‌عنایتی به قواعد نوشتاری زبان فارسی، از هیچ شیوه معینی در رسم الخط و علامت گذاری پیروی نشده است، به ویژه نقطه گذاری عبارتها که بسیار نارسا و در موارد زیادی مُخل است. چاپ کتاب نیز ظاهراً با شتاب و بدون ویرایش و پیرایش لازم به انجام رسیده است. نقشه‌ها غالباً از نظر چاپ نامناسب هستند (مثلاً نگاه کنید به اولین نقشه کتاب در ص ۱۷) و هیچ یک از جدولهای ارائه شده نه عنوان دارد و نه ماخذ. علاوه بر این، صفحه‌بندی کتاب برخلاف عرف، از صفحه عنوان کتاب شروع شده است.

در آخر، ممکن است خوانندگان محترم با عنایت به شیوه درست نقد، از این حقیر انتظار داشته باشند اکنون که «عیش» بگفتم، «هنرش» را نیز بر شمارم، اما این بنده بی‌تقصیر است، چرا که هر چه گشت، کمتر یافت؛ اگر خوانندگان چیزی یافتند، ما را نیز بی‌بهره نگذارند.

نویسنده کتاب کلیات قاره‌ها اگر چه تاکید دارد، «یکی از سوالات اولیه علم جغرافیا کجایی است» (ص ۴۶)، اما برای دلخوشی خواننده علاقمند یکبار هم که شده قدم فراتر نمی‌نهد و به مسأله «چرایی» پدیده‌های جغرافیایی حتی اشاره‌ای هم نمی‌کند. بدینسان، در سرتاسر کتاب با تأکید بر ارائه اطلاعاتی خشک و با اتکاء بر شیوه‌های سنتی توصیف، هیچ جا «پدیده‌ها» به عنوان مجموعه‌های علمی مبتنی بر روندهای زمانی - مکانی مطرح نشده‌اند، بلکه صرفاً به صورت «عوارض جغرافیایی»، یعنی آنچه که به چشم می‌آید و به گوش می‌رسد،

معرفی شده‌اند.

اما اکنون که سنگی به چاه افتاد و بالاخره نوای ماندگار گلو رها شد، نکته‌ای نیز با ناشر کتاب بگوئیم. گویا نشر قوس بر سر آن است در فراهم آوردن مجموعه‌ای از کتابهای علمی جغرافیایی به زبان فارسی قدم بردارد که البته گامهایی نیز برداشته است. این حرکت به خودی خود مبارک است، اما چرا گامهایی این چنین سست و بی‌توجه؟ ناشناختگان گرداننده نشر قوس اگر بسنا دارند در این راه جایگاهی جدی و ارزنده برای خود سراغ گیرند، حتماً لازم است در انتخاب، ویرایش علمی، ادبی و فنی کتابهای خود بیشتر وسواس به خرج دهند و نشر کتابهای درسی - علمی را امری خطیرتر از آن که تا بحال دیده‌اند، بدانند.

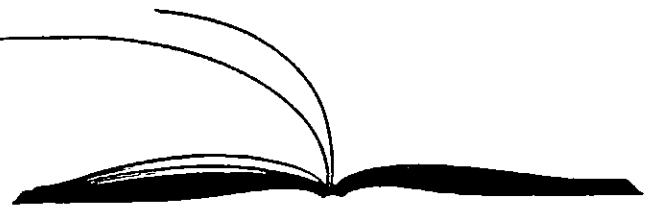
خداوند رحمان همه ما را به راه راست هدایت فرماید.

والسلام.

زیرنویسها:

- * ۱ اگر چه در این برنامه تمامی دروس برابر ۲ واحد ارزش گذاری شده‌اند، لیکن درس جغرافیای قاره‌ها استثنائاً ۳ واحد ارزش دارد.
- * ۲ در ارجاع به مطالب کتاب کلیات قاره‌ها همه جا تأکید، استفهام (?) و یا حیرت (!) از این قلم است، مگر خلاف آن ذکر شده باشد.
- * ۳ این اصطلاح وام گرفته از استاد عزیز، دکتر محمد حسن گنجی است.
- * ۴ سعیدی، عباس: آسیا، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج اول، تهران ۱۳۶۷ صفحات ۳۷۹ - ۳۹۰.
- * ۵ صاحب این قلم نشست و ارقام ارائه شده در جدول بدون شماره و عنوان صفحات ۷۰ - ۷۱ را جمع زد. هر کس دیگری هم حوصله این کار را دارد، این گوی و این میدان. بگذریم از اینکه این جدول در صفحات مذکور به دو پاره شده است، بدون آنکه توضیحات سر ستون جدول در صفحه بعدی تکرار شده باشد.
- * ۶ این آمار مربوط می‌شود به سال ۱۹۸۴. این حقیر آمار جدیدتر را با شتابی که بود، در دسترس نداشت.

مروری بر مجلات و کتب جغرافیایی خارجی



حسین هاتمی نژاد
عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

Economic Geography (Vol. 68 – No. 1) 1992

مجله جغرافیای اقتصادی که از سوی دانشگاه کلارک آمریکا به صورت فصلنامه در چهار نوبت ماههای ژانویه، آوریل، ژوئیه و اکتبر منتشر می‌گردد مشتمل بر مقالات ارزنده‌ای در زمینه جغرافیای اقتصادی و جغرافیای شهری است. این فصلنامه مورد استفاده جغرافیدانان، اقتصاددانان، متخصصین امور شهری و عموم کارشناسان امور تعلیم و تربیت و حرفه‌های گوناگون و نیز کلیه کسانی که علاقمند به آگاهی از نحوه استفاده از منابع جهانی هستند، قرار می‌گیرد. هزینه اشتراک این مجله نسبت به سالهای قبل افزایش یافته است. بهای تک شماره آن که در سال ۱۹۹۰ معادل ۱۱ دلار برای خارجیان بود در سال ۱۹۹۲ به ۱۶ دلار رسیده است. متقاضیان محترم جهت اشتراک می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه کنند:

Mrs M.J. Beckett, Business Manager, Economic Geography Clark
University, Worcester, M.A. 01610 U.S.A.

شایان ذکر است که سردبیران این مجله Susan Hanson و Richard Peet و سردبیر بخش معرفی و نقد و بررسی کتاب David Angel و دستیار سردبیر William Meyer می‌باشند. اعضای هیأت تحریریه این مجله از هفده نفر از جغرافیدانان دانشگاههای مختلف آمریکا تشکیل شده است.

دانش‌پژوهانی که مایل به ارسال مقاله جهت درج در مجله جغرافیای اقتصادی هستند بایستی اصل مقاله تایپ شده را همراه سه

نسخه فتوکپی آن به آدرس زیر ارسال فرمایند:

Dr Richard Peet, Editor, Economic Geography, Clark University,
Worcester MA, 01610 U.S.A.

فهرست مندرجات فصلنامه جغرافیای اقتصادی شماره نخست
از جلد ۶۸ که در ژانویه ۱۹۹۲ منتشر شده به قرار زیر است:

— بیانیه سردبیران: نگارش:

Richard Peet, Susan Hanson

مقالات:

— آیا جایی برای هنرمند معقول وجود دارد؟ یک نقد

جغرافیایی از نمونه انتخاب معقول.

نگارش: T. Barnes و همکاران ص ۱

— عمل جمعی و انتخاب معقول. مکان، جامعه و محدودیتهای

علاق شخصی انفرادی.

نگارش: Byron Miller ص ۲۲

— ایرادهایی بر بازسازی اقتصادی و راهبردهای اضطراری:

یک ارزیابی تحلیلی از سیاستها و اقدامات در استرالیا و ایالات متحده

آمریکا. نگارش: Gordon L. Clark و همکاران ص ۲۳

— محدودیتهای جهانی شدن: بخشهای تکنولوژی و تجارت

بین‌المللی.

نگارش: Michael Storper ص ۶۰

— نقد و بررسی کتاب ص (۱۰۷ – ۹۴)

Economic Geography (Vol. 68 – No. 2) 1992

دومین شماره از جلد ۶۸ فصلنامه جغرافیای اقتصادی در
آوریل ۱۹۹۲ منتشر شده است. مهمترین عناوین مقالات مندرج در این
شماره عبارتند از:

— نوعی بازنگری به جغرافیای صنعتی: ایجاد یک فضا برای
یک سیاست جایگزین

نگارش: Katherine Gibson و همکاران ص ۱۰۹

— نصب ماشین و پویایی بازار، راهبرد رقابتی و روشهای منطقی.

نگارش: I. Mac Lachlan ص ۱۲۸

— بازسازی در محل: سرمایه‌گذاری ژاپن، سازمان تولید و

جغرافیای فولاد.

نگارش: Richard Florida و همکاران ص ۱۴۶

— عملکرد سیستم فاضلاب به مثابه یک صنعت سوبسیدی.

نگارش: Anand Bhansali و همکاران ص ۱۷۴

— سرمایه صنعتی و توسعه اقتصادی در آرژانتین.

نگارش: Michael Johns ص ۱۸۸

— معرفی کتاب (نقد و بررسی) ص (۲۱۶ – ۲۰۵)

Annals

of the Association of American Geographers

فصلنامه «آنالز یا وقایع سالیانه» توسط انجمن جغرافیادانان آمریکا از سال ۱۹۱۱ تاکنون (۱۹۹۳) به طور مرتب در ماههای خرداد، شهریور، آذر و اسفندماه هر سال منتشر گردیده است. هشتاد و دومین جلد آن نیز در سال ۱۹۹۲ منتشر شده و هم اکنون قابل اِستِیاع است. هزینه اشتراک این فصلنامه برای مؤسسات آمریکایی برابر ۸۵ دلار آمریکا و برای بقیه جهان ۱۰۰ دلار و برای افراد متفرقه آمریکا ۸۵ دلار و برای بقیه جهان ۶۰ دلار بوده است. بهای تک شماره آن برای مؤسسات آمریکایی ۲۳ دلار و برای بقیه جهان ۲۷ دلار بوده، همچنین بهای تک شماره آن برای اشخاص متفرقه در آمریکا معادل ۲۳/۵ دلار و برای بقیه جهان ۱۷ دلار بوده است.

شایان ذکر است که فصلنامه آنالز به صورت میکروفیلم به ابعاد ۱۰۵ × ۱۶ میلیمتر تهیه شده و شماره سری استاندارد بین‌المللی این مجله 5608-0004-ISSN است. علاقمندان محترم جهت کسب اطلاع بیشتر می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه کنند:

Association of American Geographers, 1710 sixteenth st. N.W.
Washington DC. 2000 q, U.S.A

Tel: (202) 234 - 1450, Fax (202) 234 - 2744

نخستین شماره از جلد ۸۲ مجله آنالز در مارس (اسفند) ۱۹۹۲ منتشر شده و مهمترین عناوین مقالات مندرج در آن به شرح زیر است:
— سرمقاله: آیا ما جنگلها و درختانمان را از دست داده‌ایم؟
اینک زمان سرشماری فرا رسیده است. نگارش: S.D. Brunn

ص ۱

مقالات:

— جبرگرایی جغرافیایی در مارکسیسم (Fin - de - Siecle):
گورگی پلیخانف و زیربنای محیطی تاریخ روسیه.

نگارش: Mark Bassin ص ۳

— رفتار استخدامی و خانواده در تناسخ اندونزی.

نگارش: R. Leinbach و همکاران ص ۲۳

عوامل تعیین کننده تفاوت‌های ناحیه‌ای در میزان اعتصاب در آمریکا (۷۷ - ۱۹۷۱)

نگارش: Mark Ellis ص ۴۸

— تغییر ترکیب سنی و پوششهای جغرافیایی مهاجرتهای درون ناحیه‌ای در ایالات متحده.

نگارش: David A. Plane ص ۶۴

— مدل سازی واکنشهای متقابل درون ناحیه‌ای: اشارتی بر تعیین نواحی عملکردی.

نگارش: V.T. Noronha و همکار ص ۸۶

— همبستگی برداری: بازنگری، شرح و کاربرد جغرافیایی.

نگارش: Brian Honson و همکاران ص ۱۰۳

— تلویزیون به مثابه محل تجمع.

نگارش: Paul C. Adams ص ۱۱۷

— رهیافتی جدید به سوی رادیو کربن، زمان‌سنجی جسلای

سنگ با مثالی از مناطق خشک.

نگارش: Ronald I. Dorn و همکاران ص ۱۳۶

— نقد و بررسی کتاب ص (۱۸۵ - ۱۵۲) در این قسمت نوزده

کتاب جغرافیایی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

Annals (Vol. 82 - No. 3) 1992

مقالات مندرج در سومین شماره از جلد ۸۲ آنالز که در ماه

سپتامبر ۱۹۹۲ منتشر شده است، عمدتاً در مورد وضعیت آمریکائیان در

قبل و بعد از ۱۴۹۲ (سال اکتشاف آمریکا) می‌باشد:

پیشگفتار: Stanley D. Brunn ص ۳۴۳

مقالات:

— آمریکا قبل و بعد از سال ۱۴۹۲: مقدمه‌ای بر تحقیقات رایج

جغرافیایی.

نگارش: K.W. Butzer ص ۳۴۵

— افسانه قدیمی، چشم‌انداز آمریکا در ۱۴۹۲.

نگارش: W.M. Denevan ص ۳۶۹

— کشاورزی شمال آمریکا در هنگام ایجاد ارتباط.

نگارش: W.E. Doolittle ص ۳۸۶

— چشم‌اندازهای زراعی آمریکای میانه در اثنای فتح.

نگارش: T.M. Whitmore و همکار ص ۴۰۲

— «سایه تیره و شب سیاه»: بیماری و تخلیه جمعیتی در کلنی

اسپانیایی آمریکا.

نگارش: W. George Lovell ص ۴۲۶

— استعمار اسپانیایی و اموال سرخپوستان در مکزیکوی

مرکزی (۱۶۲۰ - ۱۵۲۱).

نگارش: Hanns J. Prem ص ۴۴۴

— چشم‌انداز، سیستم، هویت سرزمین آند در زمان بعد از فتح.

نگارش: Daniel W Gade ص ۴۶۱

— پیشگامان مال‌اندیشی: تجربه آمریکاییان انگلیسی تبار

(۱۷۹۲ - ۱۴۹۲)

نگارش: Carville Earle ص ۴۷۸

— اکتشافات اولیه مشرق آمریکای شمالی (۱۵۴۳ - ۱۴۹۷).

نگارش: John L. Allen ص ۵۰۰

— خواندن نقشه‌های مربوط به رویارویی کلمبیایی.

نخستین شماره از جلد ۲۴ فصلنامه «اریا» در ماه مارس ۱۹۹۲ منتشر شده و شامل مقالات زیر است:

سرمقاله Leigh Sparks ص ۱

مقالات:

— کی، چه، کجا کار می‌کند؟ تحقیق خانوار از بخش نیروی کار محلی در سوتامپتون نگارش:

همکار و Steven Pinch ص ۵

— مهاجرت سکونت در اواخر ۱۹۹۰ و اوائل ۱۹۹۱، برخی نتایج از دو تحقیق جالب.

نگارش: Halfacree Keith و همکار ص ۱۳

— اشکال خطر: منابع اطلاعاتی زنان در باره توزیع فضایی سختی محیط کار مردانه

نگارش: Gill Valentine ص ۲۲

— راهبردهای تطابق فضایی وامهای انعطاف‌پذیر: وامهای رهنی انجمن ساختمان در دوبلین در اثنای سال ۱۹۸۰ نگارش:

Laurence Murphy ص ۳۰

— توسعه یک روش‌شناسی برای تخمین متغیرهای غلظت با داده‌های دورسنجی

نگارش: H.D. William Son. ص ۳۶

— دیدگاهی تاریخی از روستانشینی در فلسطین در قرن ۱۹ نگارش:

Gideon Biger و همکار ص ۴۵

— آموزش جغرافیا در مقاطع قبل و بعد از فارغ‌التحصیلی در جهان سوم نگارش:

Tim Unwin, Rob Potter ص ۵۶

— تفسیر داده‌های آماری از یک ناحیه کوچک، نگارش:

Clive Morphet ص ۶۳

— مناسبت‌های سیاسی در مطالعات محلی، نگارش:

Richard Howitt ص ۷۳

— تودیع دهه آب، دهلی نو، سال ۱۹۹۰، جایی که با دوره‌های قبل و بعد تجددگرایی مواجه بوده است.

نگارش: Morag Bell ص ۸۲

نقد و بررسی کتاب ۱۰۱ - ۹۱

یادداشت‌ها

یادداشت‌هایی برای مقاله دهندگان ص ۱۰۳

نگارش: J.B. Harley ص ۵۲۲

ضمیمه: سه نقشه بومی از اسپانیای جدید مورخ ۱۵۸۰

نگارش: K.W. Butzer و همکار ص ۵۳۶

— از کلمبوس تا اکوستا (Acosta): علوم، جغرافیا و دنیای

جدید.

نگارش: K.W. Butzer ص ۵۴۳

— نقد و بررسی کتاب ص ۵۶۶

Area (Vol. 24 - No 2)

دومین شماره از جلد بیست و چهارم فصلنامه «اریا» در ماه

ژوئن ۱۹۹۲ از سوی مؤسسه جغرافیدانان بریتانیا منتشر شده است

مهمترین عناوین مقالات مندرج در آن عبارتند از:

مقالات

— ایجاد یک پایه جغرافیایی برای کنترل جامع آلودگی: برخی مسائل.

نگارش: Derek Spooner و همکاران ص ۱۰۵

— مدیریت مخاطرات در بریتانیا، دهه دیگری از بلایا؟ نگارش:

Dennisj parker, Johnw Handmer ص ۱۱۳

— جهات جدید در جغرافیای مذهب. نگارش:

Adrian Cooper ص ۱۲۳

— توزیع مسکن خصوصی و عمومی برای افراد پابنه سن گذشته در

انگلستان و ویلز. نگارش: chris Hamnett ص ۱۳۰

— ملاحظات، شامل پنج موضوع عمده از کنفرانس مؤسسه

جغرافیدانان بریتانیا (IBG) ص ۱۴۵

— تفسیر نه مقاله

— نقد و بررسی چهارده کتاب

Area (Vol. 24) 1992

فصلنامه جغرافیایی «اریا» «area» از سوی مؤسسه

جغرافیدانان بریتانیا (تأسیس ۱۹۳۳) سالیانه در چهار نوبت منتشر

می‌شود. هدف از انتشار آن تشویق بحث‌های آزاد و بی‌طرفانه، فنون و

یافته‌های علمی است. این مجله از مقالات کوتاه و مفید در خصوص

موضوعات مورد علاقه جغرافیدانان استقبال می‌نماید. سردبیر آن دکتر

Leigh Sparks عضو هیأت علمی دانشگاه استرلینگ اسکاتلند و دستیار

وی F.Campbell-smith می‌باشد.

هزینه اشتراک یکساله مجله «اریا» در سال ۱۹۹۲ معادل ۴۰

پوند و پسهای تک شماره آن ۱۳ پوند و برای اعضای مؤسسه

جغرافیدانان بریتانیا (IBG) رایگان بوده است. علاقمندان محترم جهت

اشتراک یا کسب هرگونه اطلاعی می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه فرمایند:

Alison Hind, Administrator, Institute of British Geographers 1

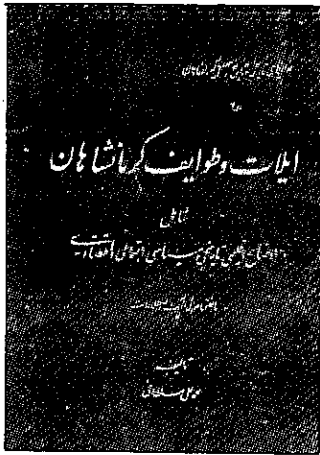
معرفی کتابهای جدید جغرافیایی

ارزشمند مورد استفاده علوم گوناگون منجمه علوم زمین و بالاخص جغرافیا قرار گرفته و جغرافیدانان با توسل به آن در تحقیقات جغرافیایی خویش با موفقیت و اطمینان بیشتری گام برمی‌دارند و مرتباً برداشته‌های استفاده از آن افزوده می‌شود. علیرغم استفاده از این علم در قلمرو جغرافیا، جای یک کتاب مدون درباره سنجش از دور که مورد استفاده جغرافیدانان و دانشجویان جغرافیا قرار گیرد خالی بود. به کوشش مؤلف محترم کتاب، اکنون این کمبود تا حد مقدور بر طرف شده و آنان می‌توانند از این کتاب سود جسته و اطلاعات ارزشمند و علمی از این فن نوظهور به دست آورند و تحقیقات خویش را غنای خاص بخشیده و بر اعتبار این تحقیقات بیفزایند.

کتاب حاضر در نوع خود اولین کتابی است که در زمینه علم و فن سنجش از دور با این عنوان در ایران انتشار می‌یابد. این کتاب شامل پنج فصل است. در فصل اول اصول و مفاهیم سنجش از دور به صورت نسبتاً کامل شرح داده شده است. شرح سیستمهای سنجش از دور، شامل سنجنده‌های تصویری (عکسبرداری) و غیر تصویری (ماهواره‌ای) از مباحث فصل دوم کتاب است. تفسیر فرآورده‌های ماهواره‌ای لندست (LANDSAT) و روشهای مختلف مرسوم در طبقه‌بندی داده‌های ماهواره‌ای در فصل سوم بررسی می‌شود. در فصل چهارم کاربرد تصاویر و داده‌های ماهواره‌ای با ارائه کاربردهای نمونه‌های مورد بررسی قرار گرفته است و در این فصل سعی شده از کاربردهای عمده داده‌ها و اطلاعات دور سنجی ماهواره‌های لندست به اختصار بحث شود.

در همین فصل کاربرد اطلاعات ماهواره‌ای در کشاورزی، هیدرولوژی، جنگلداری، جغرافیا، زمین‌شناسی، آب‌وهواشناسی، اقیانوس‌شناسی و بررسیهایی جغرافیایی مناطق شهری و روستایی بیان شده است. درباره چشم‌انداز علم سنجش از دور کاربردی با تشریح نیازهای

آینده استفاده کنندگان از داده‌های ماهواره‌ای و نیز سیستمهای مورد نیاز آنها در فصل آخر کتاب بحث می‌شود. در انتهای کتاب نیز مشخصات ۴۳ منبع که در تدوین کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند به چشم می‌خورد.



ایلات و طوایف کرمانشاهان

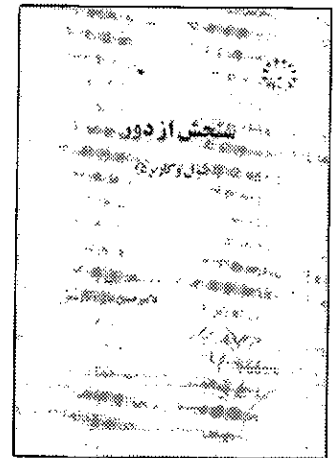
تألیف: محمد علی سلطانی

ناشر: مؤلف

چاپ اول. تهران (۱۳۷۲).

عکس، نمودار، نقشه، تصاویر اسناد، در دو جلد (۲/۲ و ۲/۱) مجموعاً ۱۱۲۰ صفحه، دوره دو جلدی ۱۱۰۰ تومان.

کتاب ایلات و طوایف کرمانشاهان که شامل اوضاع اقلیمی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این منطقه غربی کشور است دومین جلد از یک مجموعه سه جلدی می‌باشد که تحت عنوان جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان به چاپ می‌رسد و خصوصیات کلی این مجموعه و معرفی جلد اول آن را در مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۷، پاییز سال ۱۳۷۰ مطالعه فرموده‌اید. در جلد اول که مجموعاً هفده فصل را دربر می‌گیرد کلیات جغرافیایی و تاریخی این منطقه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و اینک خوشبختانه مؤلف محترم توانسته است با پشتکار و جدیت علمی خویش، چاپ اول جلد دوم آن را در دو مجلد به دستداران مسایل این



سنجش از دور (اصول و کاربرد)

تألیف دکتر حسن علیزاده ربیعی،

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران (۱۳۷۲)، جلد اول، نمودارها، تصاویر، منابع و مآخذ، ۲۹۲ ص. ۱۷۰۰ ریال.

علمی که اکنون سنجش از دور نامیده می‌شود، تقریباً در اواخر نیمه دوم قرن بیستم پدید آمده و طی بیست سال گذشته به طرز شگفت‌آوری رشد کرده است. این علم اکنون به عنوان ابزاری

منطقه و مناطق غربی ایران عرضه کند. از آنجا که این کتب وزین با سرمایه مؤلف به چاپ می‌رسد و خود مؤلف امر نشر آن را نیز برعهده دارد می‌توان به علاقه و جدیت ایشان پی‌برد و آرزومند موفقیت بیشتر ایشان در عرضه جلد سوم به بازار شد.

جلد دوم جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان که به ایلات و عشایر این منطقه اختصاص یافته مشتمل بر خصوصیات ایلات و طوایف آنهاست که در هفت فصل کتاب گنجانده شده است. در ابتدای کتاب پیشگفتار مؤلف قرار گرفته و فصل اول به اورامان اختصاص دارد، فصول بعدی به ترتیب به جاف و طوایف مربوطه، گوران، کلهر، زنگه و نند و طوایف مربوط به آنان اختصاص یافته و فصل ششم شامل فرهنگنامه و فصل هفتم در بردارنده فهرست‌هاست. از تصاویر و اسناد و شجره نامه‌های ایلات و طوایف در جای جای کتاب استفاده‌های لازم به عمل آمده و اوضاع و احوال و فرهنگ و دیگر مسایل هر یک از ایلات و طوایف مربوط به آنان به تفصیل و دقت مورد بحث و بررسی قرار گرفته و این امر باعث شده که این کتاب به تنها مورد علاقه جغرافیدانان قرار گیرد بلکه دیگر محققانی در سایر رشته‌ها از جمله علوم اجتماعی و مردم‌شناسی، تاریخ، اقتصاد و ... نیز از مطالعه آن بی‌نیاز نباشند.

در پیشگفتار کتاب، مؤلف محترم در مورد ویژگی‌های ایلات و طوایف کرمانشاهان و تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی بر آنان مطالبی را نگاشته است که بی‌مناسبت نیست در اینجا برای خوانندگان عزیز ذکر گردد:

ایلات و طوایف سلحشور کرمانشاهان بازماندگان اولین مهاجرین آریایی به فلات ایران هستند و هزاران سال مزداران غیور این سرزمین مقدس بوده‌اند که با نام سرافراز (گرد)، اعتقاد اسلامی و آداب ایرانی را، پاسدارانی راستین و پرتلاش و نستوه بوده و هستند و اثر حاضر آئینه تمام نمای تاریخ پر

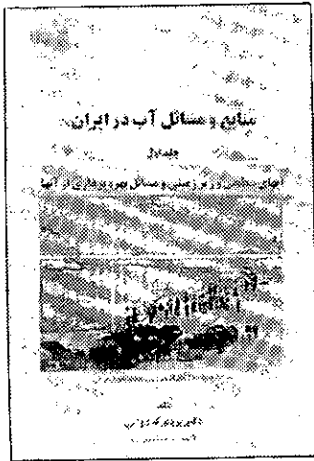
افتخار مبارزات و جانفشانی‌ها و دفاع بی‌گير آنان از مرزهای مهین در طول تاریخ است. رنجنامه مردمانی شریف که تا امروز کسی از دلاوری‌ها، درستی‌ها، راستی‌ها و عاشقانه برای وطن زیستن‌ها و جان سپردن‌های آنان با کندو کاو در ژرفای تاریخ ایران با اسناد و گنجینه‌های خاطرات کهن در سینه‌های سوخته گرد مردان و شیرزان، سخنی بر زبان و عبارتی بر کاغذ نیاورد.

امروز که دگرگونی اجتماعی و فروپاشی سازمان سیاسی سنتی ایلات پس از نشیب و فرازها تحقق واقعی یافته است تدوین سابقه هزار ساله سیستم منقرض با توجه به نیاز آیندگان و نظر به گذشت زمان و بیم محو حقایق و واقعیات ضروری می‌نماید.

افراد ایل علاوه بر رسالت دیرینه پاسداری از وطن و حراست از فرهنگ و میراث گرانسنگ ایرانی و اسلامی توده‌های ارزشمند تولید کننده جامعه هستند که سنگینی چرخ‌های اقتصادی کشور را بدور از هیاهوی شهرنشینان بر دوش دارند. و تاریخ که ریشه توده‌های اجتماع و پشتوانه اندیشه و کردار نسل‌های حال و آینده است؛ آگاهی از آن، حرکت‌های همه جانبه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... را تسریع می‌بخشد، و در برنامه‌ریزی‌های اصلاحی و خدماتی از جمیع جهات راهنما و یاریگر خواهد بود.

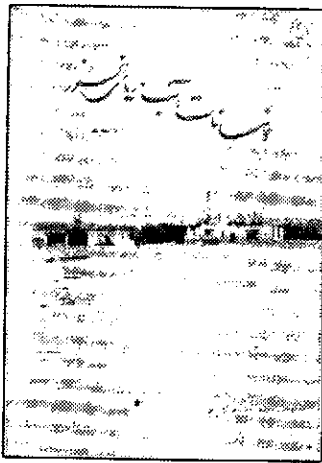
واقعیت‌های انکار ناپذیر تاریخی و ترکیبات سازمانی ایل و عناوین منسوخ جز برای ثبت حقایق و حراست از گفته‌ها و شنیده‌ها و نوشته‌های حاضر که اماتی از گذشته به حال و از حال به آینده است، نیست و باید پذیرفت که در هر سیستم سیاسی و اجتماعی تنها کسانی از هر قشر سربلند و مفتخرند که خدمتگزار و خادم به کشور و سرزمین آبابی خود بوده‌اند و در مسیر بقا و استقلال و تمامیت ارضی آن گام برداشته‌اند و در هر مقطع، تنها کردار نیک و خدمات گذشتگان و جانبازی‌های آنان، راه چگونه

زیستن را به ما می‌آموزد و جز این با انقراض هر دوره‌ای تمامی مزایا و برتری‌ها و احیاناً مباحات ناپسند و موسمی آن نیز پایان می‌یابد اما به قول استاد دکتر باستانی یاریزی؛ (تاریخ، هر چند یک کل است. اما در تجزیه و تحلیل نهائی، به جزء منتهی می‌شود یا لااقل از جزء مایه می‌گیرد، زیرا ملت‌ها، که حامل تاریخ هستند، نیستند مگر مجموع ساکنان شهرها، دهات، خانواده‌ها و بالاخره افراد.)



منابع و مسائل آب در ایران، جلد اول، آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره‌برداری از آنها تألیف دکتر پرویز کردوانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران (۱۳۷۱)، جداول، تصاویر، نمودارها، فهرست منابع، ۵۴۵ ص، ۳۳۰۰ ریال.

کشور ما، جزو مناطق خشک جهان محسوب می‌گردد و بنابراین اکثر سالها خشک و کم باران و کم آب است و این نوع بارندگی‌ها، به ندرت و فقط در بعضی از سالها اتفاق می‌افتد. با اجرایی طرح واگذاری سیلابها به‌طور رایگان و با قیمت ارزان در اختیار کشاورزان، این نعمت خدادادی که گاهگاهی شامل حال کشورهای خشکی چون ایران می‌شود هدر نمی‌رود و بنابراین کفران نعمت نمی‌شود و با استفاده صحیح از آن، هم آب مملکت غنی و هم خاک آن حاصلخیز و هم



نقشه، نمودار، جدول، فهرست منابع فارسی و خارجی، ۲۴۷ صفحه.

کتاب جغرافیای کوچ نشینی (مبانی و پیگیری نگارنده در زمینه پدیده جغرافیایی کوچ نشینی و مسائل ناشی از آن است. در این کتاب سعی شده است تا کلیه موضوعات مربوط به پدیده کوچ و معشیت کوچ نشینی بررسی شود. از این رو ابتدا در بخش نخست کتاب ضمن بیان تعاریف و اصطلاحات کوچ نشینی، انواع و اشکال کوچ در مقیاس جهانی بررسی می شود.

در بخش دوم کتاب، کوچ نشینی در ایران به اجمال بررسی شده و عوامل طبیعی، انسانی، تاریخی و اقتصادی به وجود آورنده این پدیده بیان شده است. از آنجا که کشور، یکی از مراکز مهم عشایری جهان است برای بررسی دقیقتر و جامعتر دو ایل بزرگ کشور یعنی ترکمنها که نمونه ای از اقوام اسکان یافته هستند و بختیارها که پرجمعیت ترین ایل متحرک به شمار می روند انتخاب شده و در بخش سوم کتاب مورد بررسی کامل قرار گرفته اند. محدوده های طبیعی، تقسیم بندیهای داخلی، سیستم اداری، جمعیت و مسایل اقتصادی ایلها از جمله موضوعاتی است که در قالب این دو ایل مهم مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته اند.

نوسانات آب دریای خزر،

مجموعه مقالات از گروه نویسندگان، به کوشش بهمن رضانی گورابی، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، رشت (۱۳۷۱)،

نقشه ها و نمودارها و جداول، ۳۱۹ ص، ۲۰۰۰ ریال.

نوسانات سطح آب دریای خزر از گذشته های دور تا کنون وجود داشته و احتمالاً در آینده نیز این نوسانات ادامه خواهد یافت و موجب پسروری و یا پیشروی سطح آب دریای خزر در سواحل این دریا خواهد شد. دلایل گوناگونی برای این تغییرات و نوسانات ابراز

زندگی مردم بهتر می شود. این کتاب به خاطر پاسخ به نیازها و مسایل دانشجویان و متخصصین در مورد منابع آب ایران تدوین شده و اکنون چاپ سوم آن به دست علاقه مندان می رسد.

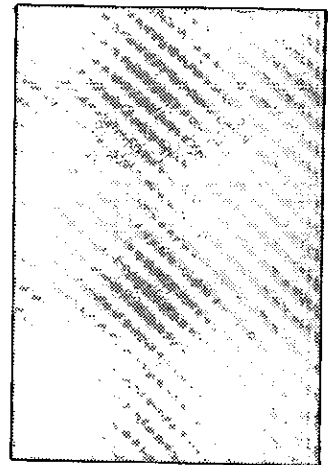
برای تجدید نظر در چاپ سوم مؤلف سعی کرده با استفاده از آخرین اطلاعات درباره عوامل جوی، آبهای سطحی و زیرزمینی و نیز مشاهدات خود، مطالب زیادی به طور مختصر به کتاب اضافه کند تا ضمن غنی شدن کتاب، از قطور شدن زیاد آن که باعث بالا رفتن بهای کتاب می شود خودداری گردد. این کتاب رویه مرفته مشتمل بر چهار بخش است که هر یک از بخشها نیز به چند فصل تقسیم شده اند. عناوین بخشهای چهارگانه کتاب عبارتند از:

— بخش اول کلیات، نگاهی به مسائل آب و راه حل های آن در ایران

— بخش دوم آبهای سطحی ایران.

— بخش سوم آبهای زیرزمینی.

— بخش چهارم پیوستها که شامل منابع مورد استفاده، تجدید نظر برای چاپ دوم، تصویرها، تجدید نظرها برای چاپ سوم می باشد.



جغرافیای کوچ نشینی (مبانی و ایران)

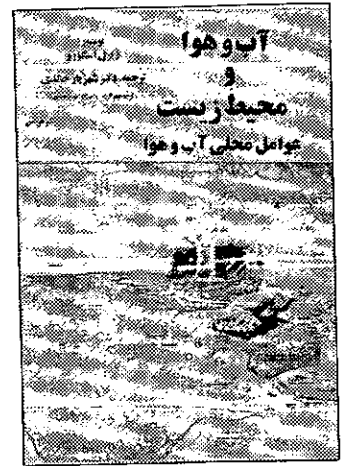
تألیف دکتر سید رحیم مشیری،

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهها (سمت)، تهران (۱۳۷۲)

شده است که دلایل زمین شناسی و تغییرات اقلیمی از جمله این دلایل به شمار می آیند.

در کناره جنوبی این دریاها، استانهای گیلان و مازندران قرار دارند که از لحاظ اقتصادی، در اقتصاد منطقه و کشور نقشی به سزا بر عهده دارند و دارای اهمیت فراوان می باشند. نوسانات آب دریای خزر در این دو استان باعث ایجاد خساراتی به ثروت های خصوصی و عمومی خواهد شد و همین امر موجب شده است که نوسانات این دریا مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گیرد و در مورد آن کنکاشهای علمی صورت گیرد. با توجه به این موارد سازمان برنامه و بودجه استان گیلان درصدد برآمد تا تحقیقات و مقالاتی مدون در زمینه نوسانات آب دریای خزر را فراهم ساخته و به صورت مجموعه مقالاتی ارائه دهد که مجموعه حاضر حاصل این تصمیم است. امید است انتشار این مجموعه مقالات راهگشای تحقیقات بیشتری در زمینه مطالعات دریای خزر گردد. در این مجموعه رویه مرفته هفده مقاله ارائه شده است که شامل تحقیقات زمین شناسی، اقلیمی، هیدرولوژیکی و جز آن است. از جمله نویسندگان مقالات دکتر حسین شکویی، استاد ایرج افشار، دکتر ابوالفتح وثوق زمانی، بهرام علی رضوی صیاد، دکتر ایران غازی، دکتر مجید اوتق، دکتر رحیم مشیری و آقای بهمن رضانی گورابی و ... را می توان نام برد.



آب و هوا و محیط زیست (عوامل محلی آب و هوا).

نویسنده: ژینل اسکورو،

ترجمه دکتر شهریار خالدی،

نشر قومس، تهران (۱۳۷۲)،

جداول، نمودارها، واژگان، کتابشناسی، ۲۵۵ صفحه، ۲۲۰۰ ریال.

آب و هواشناسی (Climatology) رشته‌ای علمی و قدیمی است که با دیگر رشته‌های علوم زمین و فیزیک ارتباط نزدیکی دارد. بدون شک محیط زیست طبیعی و محیط زیست انسانی در سطح گسترده‌ای از شرایط آب و هوایی متأثر می‌باشند.

نویسنده کتاب به شناسایی ویژگیهای آب و هوای محلی در کوهستان، دشت، سفره‌های آبی، پوششهای گیاهی و شهرها پرداخته و در عین حال با ارائه مثالهای فراوان سعی کرده است مباحث مذکور را با راحتی و سهولت بیشتری ارائه کند و در این امر نیز با موفقیت همراه بوده است. از دیگر ویژگیهای این کتاب پرداختن به مسئله آلودگیهاست اما بیشتر مثالهای کتاب در مورد اروپاست. با این حال امید می‌رود که خوانندگان کتاب از این مثالها برداشتهای لازم و متناسب با محیط زندگی خود را به انجام رسانند و مسئله را تعمیم بخشیده و آنرا به خوبی درک کنند. این کتاب به لحاظ محتوای علمی و کاربردی خویش می‌تواند برای دانشجویان و افراد علاقه‌مند در

سطوح مختلف و در رشته‌های جغرافیا، هواشناسی، محیط زیست، اکولوژی و منابع طبیعی و... و سایر علاقه‌مندان به موضوعات طبیعی و انسانی مثر ثمر باشد. به امید آنکه با گسترش شبکه‌های جمع‌آوری اطلاعات هواشناسی در سطح کشور، راه برای محققان رشته‌های هواشناسی و آب و هواشناسی گسترده‌تر شده و امکان پژوهشها و نگارشهایی از این قبیل برای کشور خود، نیز فراهم شود. این کتاب شامل چهار فصل به‌اساسی زیر است:

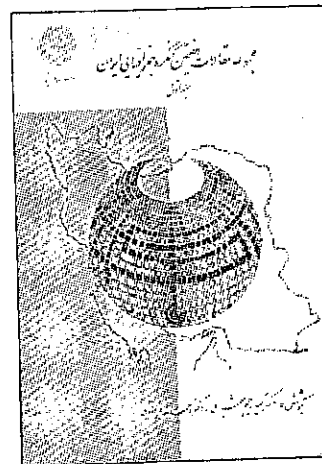
– فصل اول: اثر برجستگی

– فصل دوم: اثر اقیانوسها، دریاها، دریاچه‌ها و سفره‌های آب

– فصل سوم: اثر خاک و رستنی‌ها

– فصل چهارم: اثر شهرنشینی و آلودگی.

در پایان این کتاب فهرست واژگان فرانسه به فارسی و مشخصات کتابشناسی ۳۰۸ منبع که مطالب آنها با کتاب دارای ارتباط است ارائه گردیده است.



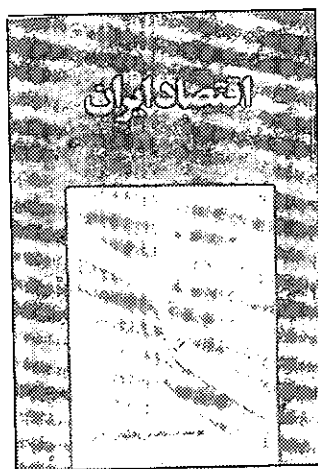
مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران (جلد اول)

به کوشش: دکتر سیدرحیم مشیری – دکتر رحمت‌اله‌فرهودی مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران (۱۳۷۰).

جداول، نقشه‌ها، تصاویر، نمودارها، ۳۶۸ صفحه.

هفتمین کنگره جغرافیایی ایران با شرکت جغرافیدانان کشور و متخصصان فن و سایر

علاقه‌مندان از رشته‌های ذیربط از تاریخ ۱۹ لغایت ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۹ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد و مورد استقبال شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. در این کنگره ۴۴ مقاله علمی در زمینه‌های مختلف جغرافیایی توسط پژوهشگران و محققان جغرافیا ارائه گردید که مقرر شد مجموعه این مقالات به صورت کتاب یا کتابهایی چاپ شود و در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. اکنون جلد اول این مقالات به وسیله مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران و به کوشش آقایان دکتر مشیری و دکتر فرهودی از چاپ خارج و در دسترس قرار گرفته است. جلد اول این مجموعه در برگزیده خلاصه سخنرانی رئیس وقت دانشگاه تهران، رئیس وقت دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دبیر اجرایی کنگره آقای دکتر مشیری، و قطعه‌نامه پایانی هفتمین کنگره جغرافیایی ایران می‌باشد و پس از آن متن سخنرانیها و نقشه‌های مربوط به آنها چاپ رسیده است. مجموعاً در این جلد از مجموعه مقالات، ۲۱ مقاله ارائه شده در کنگره به چاپ رسیده است. امید است که جلد دوم مجموعه مقالات مذکور نیز چاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.



اقتصاد ایران

تهیه کنندگان عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، علی دینی ترکمانی، حسن وحدانی تبار،

حسین رضا جبرائیلی، محمد سلمانی و سیدحمن رضوی.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، واحد تحقیقات بازرگانی، تهران (۱۳۷۱).

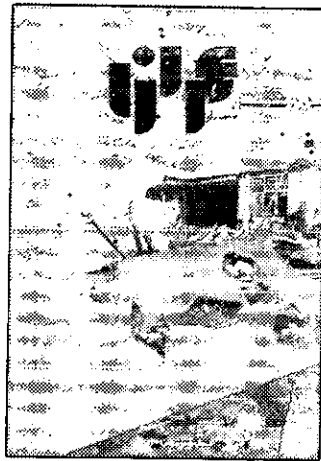
جداول، نمودارها، فهرست منابع، ۹۶۶ صفحه، ۷۵۰۰ ریال.

شناخت صحیح امکانات و محدودیتها، اطلاع از روند متغیرهای اقتصادی و تعیین تمایزات اقتصاد یک کشور خاص با قوانین یک نظام اقتصادی و به عبارت روشن تر، تبیین قوانین اقتصادی کشور به طور خاص از نیازهای گذشت ناپذیر جامعه ما به شمار می آید. کتاب اقتصاد ایران در راستای پاسخ به این نیاز تهیه و تدوین شده است که امید می رود شروعی مناسب جهت برداشتن قدمهای بهتر و سنجیده تری در این زمینه باشد. کتاب اقتصاد ایران مجموعاً از ۵ فصل تشکیل شده که فصل اول آن به بررسی وضعیت طبیعی ایران که بستری برای فعالیتهای اقتصادی است اختصاص یافته و در آن ویژگیهای محیطی ایران همچون ناهمواریها، آب و هوا، آبها و خاکها مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم وضعیت اجتماعی و فرهنگی، در فصل سوم کشاورزی، در فصل چهارم صنعت و معدن و در فصل پنجم این کتاب خدمات و بازرگانی مورد بررسی واقع شده است. در جاهای مختلف کتاب نیز هر جا که لازم بود جداول آماری و نمودارهای مربوطه و نقشه ها چاپ شده اند که خواننده را در دریافت مطالب کتاب یاری کنند. در پایان هر فصل کتاب نیز منابع مورد استفاده در آن فصل ذکر شده اند.

عمران مجله دانشجویان دانشکده مهندسی
عمران دانشگاه صنعتی شریف، شماره یازدهم،
مهرماه ۱۳۷۲،

نمودار، جداول، تصاویر، ۶۶ صفحه، ۶۰۰
ریال.

مجله عمران که توسط دانشجویان
دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی



شریف به سردبیری داود رضا عرب منتشر می گردد، اگر چه یک مجله خاص مطالب جغرافیایی نیست، با این حال دارای مقالات ارزشمندی است که می تواند مورد استفاده علاقه مندان به علوم زمین، منجمه جغرافیا قرار گیرد. برخی از بخشهای این مجله که حاصل تحقیقات ارزشمند دانشجویان است دارای مقالاتی در زمینه های ژئومورفولوژی و زمین شناسی، هیدرولوژی، خاک شناسی و...

است. در یازدهمین شماره این مجله که به تازگی به دفتر مجله رشد آموزش جغرافیا رسیده است مطالب زیر برای علاقه مندان به مسایل زمین و جغرافیا قابل مطالعه و استفاده می باشند:

۱ - روشهای کنترل و مهار تورم خاکهای متورم شونده،

۲ - تعیین سیلاب بیشینه (حداکثر) و شکل هیدروگراف طراحی در سدها،

۳ - شبکه کارستی (قسمت اول)

۴ - مقابله با زمین لغزش

۵ - گنبد سلطانیه

همچنین در این مجله معمولاً صفحاتی به معرفی کتابها و اطلاعیه ها اختصاص یافته و در انتها یک بخش انگلیسی به معرفی اجمالی مقالات مجله می پردازد. ضمن آرزوی تداوم انتشار این مجله و موفقیت برای دانشجویان ارائه کننده مطالب آن، استفاده از این مجله ارزشمند را به علاقه مندان به مسایل علوم زمین توصیه می کنیم.

توضیحی در مورد مقاله استاد دکتر گنجی

در مقاله استاد دکتر گنجی با عنوان سرگستگی در تعاریف که در شماره ۳۵ مجله به چاپ رسید از آقای دکتر شکونی به عنوان عضو شورای انقلاب فرهنگی نام برده شده بود، در حالی که آقای دکتر شکویی عضو شورای برنامه ریزی جغرافیا در وزارت فرهنگ و آموزش عالی هستند نه عضو شورای انقلاب فرهنگی.

رشد آموزش جغرافیا

